

اے

مرتضوی، سیدمحسن، ۱۳۶۵ -	سرشناسه
شبیه‌سازی انسان در آینه فقه/ تألیف سیدمحسن مرتضوی.	عنوان و نام پدیدآور
قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۲۳۰ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.	مشخصات ظاهری
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۲۵۳. فقه؛ ۱۳.	فروست
۳-۲۳-۰۴۴۴-۶۰۰-۹۷۸	شابک
فیبا.	وضعیت فهرست‌نویسی
کتابنامه.	یادداشت
نمایه.	یادداشت
همتاسازی انسانی (فقه).	موضوع
Human cloning (Islamic law)	موضوع
تلقیح مصنوعی انسان (فقه).	موضوع
Artificial insemination, Human (Islamic law)	موضوع
همتاسازی -- جنبه‌های مذهبی - اسلام.	موضوع
Cloning-- Religious aspects--Islam	موضوع
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)	شناسه افزوده
BP۱۹۸/۷۵۸م۴	رده‌بندی کنگره
۳۷۹/۲۹۷	رده‌بندی دیویی
۴۳۷۰۱۴۱	شماره کتاب‌شناسی ملی

شبیہ سازی انسان

در آینه فتنه

سید محسن مرتضوی

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
(دفتر: النبی)

۱۳۹۵



۱۲۵۳

شماره ردیف

فقه-۱۳

شماره موضوعی

۱۳۹۵-۳۷

■ شبیه‌سازی انسان در آینه فقه

- مؤلف: سیدمحسن مرتضوی
- ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- چاپ: اشراق
- نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

-
- دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا، کوی ممتاز، پلاک ۳۸
 - تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۳۲۶
 - شعبه تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و شهید منیرى جاوید، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، واحد ۱۱۲
 - تلفن و نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۱۲۱
 - شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
 - تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۶۲۹
 - آفتاب پنهان: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۰۲۳-۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

تقديم به:

وارث علوم انبيا و اولياى الهى
هفتمين سپهر آسمان امامت و ولايت
باب الحوائج
حضرت امام موسى بن جعفر الكاظم
(عليه صلوات الله و سلام ملائكته)

فهرست مطالب

مقدمهٔ معاونت پژوهش.....	۵
پیش گفتار.....	۹

بخش اول: شبیه‌سازی انسان

فصل اول: تعریف شبیه‌سازی.....	۱۷
مراحل و روش شبیه‌سازی انسانی.....	۲۱
فواید و کاربردهای شبیه‌سازی.....	۲۲
مضرات و پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و قانونی شبیه‌سازی.....	۲۴
فصل دوم: شبیه‌سازی از منظر فقه اسلامی.....	۳۱
مقام اول: حکم تکلیفی شبیه‌سازی به لحاظ عنوان اولی.....	۳۲
نظر علما اهل سنت پیرامون شبیه‌سازی انسانی.....	۵۷
مقام دوم: حکم تکلیفی شبیه‌سازی به لحاظ عناوین ثانویه.....	۵۹
نظرات فقها و مراجع معظم تقلید پیرامون حکم تکلیفی شبیه‌سازی انسان:	
.....	۶۷

- مقام سوم: احکام وضعی و برخی از احکام تکلیفی مترتب بر شبهه‌سازی انسانی..... ۷۱
- الف) انتساب طفل شبهه‌سازی شده ۷۲
- انتساب از ناحیه پدر: ۷۲
- انتساب از ناحیه مادر: ۷۴
- استثنائاتی در بحث نسب..... ۷۵
۱. ریبه بودن طفل دختر شبهه‌سازی شده برای شوهر: ۷۶
۲. مادر رضاعی شدن برای طفل شبهه‌سازی شد: ۷۷
۳. حرمت نکاح: ۷۸
۴. ارث: ۷۹
۵. سیادت طفل شبهه‌سازی شده: ۸۳
- نظرات مراجع معظم تقلید پیرامون نسب طفل شبهه‌سازی شده: ۸۵
- ب) طفل شبهه‌سازی شده محکوم به چه دینی است؟ ۸۶
- ج) حکم ارتداد طفل شبهه‌سازی شده: ۹۱
- د) نفقه و مخارج طفل شبهه‌سازی شده برعهده چه کسی است؟ ۹۴
- هـ) خرید و فروش سلول‌های تلقیحی و طفل شبهه‌سازی شده: ۹۵
۱. خرید و فروش سلول‌های تلقیح یافته: ۹۶
۲. خرید و فروش جنین و طفل شبهه‌سازی شده: ۹۸
- ی) اجاره کردن رحم برای حمل جنین شبهه‌سازی شده: ۹۹
- و) حفظ جنین شبهه‌سازی شده در رحم: ۱۰۳

بخش دوم: شبیه‌سازی اعضای انسان

- فصل اول: حکم تکلیفی شبیه‌سازی اعضای بدن ۱۰۹
- فصل دوم: احکام وضعی شبیه‌سازی عضو ۱۱۷
- الف) طهارت و نجاست عضو شبیه‌سازی شده: ۱۱۷
- ب) مالکیت عضو شبیه‌سازی شده: ۱۱۹
- نظرات فقها پیرامون شبیه‌سازی عضو: ۱۲۰

بخش سوم: همزاد سازی

- فصل اول: تعریف همزاد سازی ۱۲۵
- فواید و کاربردهای همزاد سازی: ۱۲۸
- فصل دوم: حکم تکلیفی همزاد سازی ۱۳۱
- فصل سوم: احکام وضعی مترتب بر همزاد سازی ۱۴۳
- الف) انتساب ۱۴۳
- انتساب از ناحیه پدر ۱۴۳
- انتساب از ناحیه مادر ۱۴۵
- نسب خواهری و برادری بین اطفال شبیه‌سازی شده: ۱۶۳
- احکام استثناء شده در بحث نسب ۱۶۵
- الف) مادر رضاعی شدن صاحب رحم: ۱۶۵
- ب) حکم ارث طفل همزاد سازی شده: ۱۶۶
- ج) حرمت نکاح: ۱۶۷

- ب) خرید و فروش سلول‌های تلقیحی برای عملیات همزادسازی: ۱۶۹
- ج) اجاره رحم برای عملیات همزاد سازی: ۱۷۲
- د) ثبوت دیه در اتلاف سلول‌های تلقیحی: ۱۷۳

بخش چهارم: شبه‌سازی حیوانات

- فصل اول: تاریخچه شبه‌سازی حیوانات و کاربردهای آن ۱۷۷
- فواید و کاربردهای شبه‌سازی حیوانات ۱۸۱
- فصل دوم: حکم تکلیفی شبه‌سازی حیوانات ۱۸۳
- نظرات فقها و مراجع تقلید: ۱۹۱
- نظر علمای اهل سنت: ۱۹۲
- فصل سوم: احکام وضعی مترتب بر حیوان شبه‌سازی شده ۱۹۵
- الف) ملکیت حیوان شبه‌سازی شده: ۱۹۶
- ب) طهارت و نجاست و حرمت و حرمت لحم حیوان شبه‌سازی شده: ۱۹۹
- ج) خرید و فروش حیوان شبه‌سازی شده: ۲۰۲
- د) احکامی که حیوان خاصی موضوع آن است: ۲۰۲
- نتیجه‌گیری ۲۰۴
- نمایه آیات ۲۰۵
- نمایه روایات ۲۰۷
- نمایه اشخاص ۲۰۹
- کتابنامه ۲۱۳

مقدمهٔ معاونت پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسلهٔ مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وام‌دار کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصهٔ نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانهٔ دنیا رسته‌اند، و در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق

و گرامی او علیه السلام، برجسته ترین است.

دانشمندان نام آور شیعه رسالت خطیر و بی نظیر خویش را بهره گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت گریز دانسته و در این راه دیده ها سوده و جان ها فرسوده اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت افزاری و نرم افزاری در عرصه های گوناگون برای سیطره بر جهان می کوشند، رسالت حقیقت خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به ویژه عالمان دین، بس عظیم تر و سخت دشوارتر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش های اسلامی می درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش هایی چشمگیر کرده، گام هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده اند، و می کوشند تا با

فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی باز یابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردّ پای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش درپیش است. از این‌رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله العالی» از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی

جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو مسائل جدید فقهی که با تلاش پژوهشگر ارجمند حجت الاسلام سیدمحسن مرتضوی نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده بررسی احکام تکلیفی و وضعی مرتبط با شبیه‌سازی از دیدگاه فقه غنی و پویای شیعه است. معاونت پژوهش از مؤلف محترم و حجت الاسلام والمسلمین جعفر انواری که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

پیش گفتار

سپاس بی‌شمار خداوند متعالی که توفیق تحقیق و نگارش این نوشتار را فراهم آورد و درود و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که جز به اظهار حق و تبیین دین اسلام نپرداختند.

از جمله وظایف مهم فقه پویا و غنی شیعه، پاسخ دادن به مسائل نوپیدا و موضوعات جدیدی است که جامعه اسلامی و علوم مختلف به آن نیاز پیدا کرده‌اند و عالمان و فقیهان شیعه نیز همواره در اعصار مختلف با تلاش‌های علمی و مجاهدت‌های خستگی ناپذیر خود به این مهم پرداخته‌اند.

قرن بیستم شاهد رشد حیرت انگیز فناوری در علوم پایه بوده است و یکی از برآوردهای علوم بیولوژی زیستی، مهندسی ژنتیک

است.

شبیه سازی موجود زنده یکی از جنجالی ترین و بحث برانگیزترین مباحثی است که در این علم، مطرح می باشد.

شبیه سازی تولید مثل از طریق سلول غیر جنسی است. در حقیقت، شبیه سازی انسانی، تولید نسخه ای مطابق اصل از انسان بدون نیاز به تلقیح سلول های جنسی مذکر و مونث است. در این روش با گرفتن سلول غیر جنسی از یک طرف، نسخه ای شبیه و همانند او به وجود می آید.

جامعه بشریت هم اکنون موقعیتی خطیر را تجربه می کند و در پیش روی او چشم انداز قریب الوقوع شبیه سازی انسان ترسیم شده است. هم اینک محققان و دانشمندان، پس از موفقیت عملیات شبیه سازی در حیوانات، نخستین آزمایش های خود را در بدل سازی انسانی انجام داده اند و جهان بی صبرانه منتظر نتایج و تحقق چنین امری است.

امروزه شبیه سازی به یک بحث جهانی و همگانی تبدیل شده است، اگر چه هنوز جزئیات و نتایج این مساله برای جهانیان و آینده روشن نیست.

نخستین موفقیت در شبیه سازی حیوانات که نقطه عطف و آغاز

تحوّلی شگرف در این علم به شمار می‌آید، تولد گوسفند «دالی» در سال ۱۹۹۶ م توسط «یان ویلموت»^۱ انگلیسی در اسکاتلند است.

در کشور ایران نیز، دانشمندان جوان و متدین در پژوهشکده رویان همزمان با این پیشرفت و خیز علمی در جهان، مطالعات و تحقیقات خود را در دهه ۱۳۸۰ ش در این زمینه آغاز کردند و توانستند در مهرماه ۱۳۸۵ ش با تولد موفقیت آمیز گوسفند شبیه‌سازی شده به نام «رویانا»، ایران را در فهرست کشورهای موفق در زمینه تولید حیوانات شبیه‌سازی شده قرار دهند.

ما در این نوشتار زوایا و ابعاد مختلف این پدیده نوپا و پر اهمیت را از منظر فقه غنی و پویای شیعه مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.

این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است:

در بخش نخست، حکم تکلیفی شبیه‌سازی انسان و احکام وضعی مترتب بر آن، مانند انتساب طفل شبیه‌سازی شده، حکم ارث بردن، دین، ارتداد و نفقه او و... بیان شده است.

در بخش دوم، حکم تکلیفی و وضعی شبهه سازی اعضای بدن انسان مطرح شده است.

بخش سوم نیز به بررسی احکام مختلف همزاد سازی انسان یا همان ایجاد چندقلوهای مشابه اختصاص دارد.

در بخش چهارم احکام شبهه سازی در حیوانات آمده است.

بر خود لازم می دانم از استاد معظم، اندیشمند و محقق فرزانه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین شوپایی جویباری (دامت افاداته) که در تدوین این کتاب، از درس خارج فقه (مسائل مستحدثه) و ارشادها و راهنمایی های ایشان بهره برده ام، تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین از جد معظم، فقیه عالیقدر حضرت آیت الله آقای حاج سید حسن مرتضوی (دام ظلّه الوارف) و والد معزز حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالهادی مرتضوی (دام عزّه) که همواره در امر تحصیل، تدریس و تألیف مشوّق و پشتیبان حقیر بوده اند، کمال تشکر و قدردانی را می نمایم و از حضرت احدیت سلامتی و طول عمر با عزتشان را خواستارم.

«شبهه سازی»، سومین کتاب از مجموعه مسایل مستحدثه

پزشکی است که به زیور چاپ آراسته شده است. نخستین کتاب از

این مجموعه با عنوان «کالبد شکافی در آینه فقه» در آذرماه ۱۳۹۲ منتشر گردید. دومین کتاب نیز در تابستان ۱۳۹۳ با عنوان «پیوند اعضا و مرگ مغزی در آینه فقه» منشور و بحمد الله با استقبال خوب اساتید و پژوهشگران حوزه و دانشگاه روبه‌رو شد.

از همه بزرگوارانی که با ارائه پیشنهادات و نظرات خود، بنده حقیر را مورد لطف و محبت قرار دادند، تشکر و قدردانی می‌کنم. امید آن که این اثر ناقابل مقبول درگاه ذات احدیت و مورد توجه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد و گامی باشد جهت ارتقای فرهنگ غنی و فقه پویای شیعه.

«وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و الیه أنیب».

حوزه علمیه قم - سید محسن مرتضوی

دی ماه ۱۳۹۴

بخش اول

شبیه‌سازی انسان

فصل اول: تعریف شبیه‌سازی

فصل دوم: شبیه‌سازی از منظر فقه اسلامی

مقام اول: حکم تکلیفی شبیه‌سازی به لحاظ عنوان اولی

مقام دوم: حکم تکلیفی شبیه‌سازی به لحاظ عناوین ثانویه

مقام سوم: احکام وضعی و برخی از احکام تکلیفی مترتب بر

شبیه‌سازی

فصل اول

تعریف شبیه‌سازی

جسم مادی انسان و حیوان از اجزای کوچک و به هم پیوسته‌ای تشکیل می‌شود که آن را سلول می‌نامند. هر سلول غشای خاص و هسته‌ای در میان دارد؛ این هسته به منزله مغز سلول است که پیرامون آن ماده سیالی به نام مایع سلولی یا همان سیتوپلاسم وجود دارد.

درون هسته، متشکل از شبکه‌ای با ۴۶ بند است که از آن با عنوان کروموزوم‌ها یاد می‌شود و ژن‌ها که ویژگی‌های ژنتیکی یک سلول را فراهم می‌آورند بر روی این نوارهای رشته‌ای و بندها (کروموزوم) قرار دارند و این اطلاعات و ویژگی‌های ژنتیکی از یک

فرد به فرد دیگر از راه تولید جنین قابل انتقال است.

همه سلول‌ها همین تعداد کروموزوم را دارند، مگر سلول‌های جنسی (یعنی سلول‌های اسپرم مرد و تخمک زن) که غشاء و مایع سلولی (سیتوپلاسم) و هسته را دارند؛ ولی هسته‌های آن به جای ۴۶ کروموزوم ۲۳ کروموزوم دارد. برای تولید مثل و تولد یک جنین، دو راه اصلی و عمده وجود دارد:

راه اول: تولید مثل جنسی که در آن جنین از تخمک لقاح یافته توسط یک اسپرم به وجود می‌آید. در این فرآیند، سلول تلقیحی حاوی ۴۶ کروموزوم تشکیل می‌شود که نیمی از کروموزوم‌های جنین از اسپرم مرد و نیمی از تخمک زن می‌باشد در نتیجه صفات و ویژگی‌های وراثتی به طور مشترک از پدر و مادر به جنین می‌رسد و پدر و مادر هر دو در انتقال صفات وراثتی دخالت دارند.

سلول به وجود آمده در این روش از داخل رحم مادر تغذیه کرده و تکثیر می‌شود. این سلول ابتدا به دو سلول، سپس به چهار سلول بعد به هشت و شانزده و پس از آن به سی و دو سلول تقسیم می‌شود. و پس از آن دیگر به این صورت تکثیر نمی‌شود، بلکه هر سلول کار ویژه‌ای را بر عهده می‌گیرد و هر کدام عضوی از اعضای

بدن را پدید می آورد و سپس جنین کامل شده، متولد می شود.

راه دوم: شبیه سازی است که در واقع راه تولید مثل غیر جنسی است که در آن از یک سلول غیر جنسی (سوماتیک) استفاده می شود. در این روش همه ۴۶ کروموزوم از این سلول غیر جنسی به جنین منتقل شده و به همین خاطر تمام ویژگی های ژنتیکی تنها از صاحب سلول غیر جنسی منتقل می شود و جنین حاصل، کپی و مشابه اوست نه این که حامل صفات وراثتی پدر و مادر؛ هر دو باشد. به این عملیات، شبیه سازی یا «کلونینگ» می گویند.

«کلون»^۲ در اصل کلمه ای یونانی به معنای قلمه زدن، جوانه زدن و تکثیر کردن است و «کلونینگ»^۳، یعنی بریدن و تکثیر کردن. در علم زیست شناسی کلونینگ، یعنی تکثیر موجود زنده بدون آمیزش جنسی و به عبارت دیگر: شبیه سازی انسانی، تولید نسخه ای مطابق اصل از انسان بدون نیاز به تلقیح سلول های

۱. مقاله نگاهی به پدیده شبیه سازی انسان و پنداره های شبیه سازی در پایگاه اطلاع

رسانی پژوهش گاه فرهنگ و معارف اسلامی pfmi.ir

۲. Clon

۳. Cloning

جنسی مذکر و مؤنث است و از نظر تشکیلات آفرینش چیزی شبیه بذر افشانی و قلمه زدن در گیاهان است. در قلمه زدن، شاخه دارای ریشه را از درخت جدا کرده و در جای دیگر می کارند و پس از مدتی این شاخه ریشه دوانده و مواد غذایی خود را از خاک می گیرد و رشد می کند و خود درختی مستقل می شود، در شبیه سازی نیز بدون عمل لقاح با گرفتن یک سلول و تکثیر آن، موجودی مشابه موجود اصلی تولید می شود.

به گفته دانشمندان، هریک از سلول های بنیادی بدن انسان، اطلاعات لازم را برای ساخت انسان دیگر در خود دارد؛ اما سلول های هر بافت تنها از اطلاعات مربوط به فعالیت همان بافت استفاده می کنند؛ برای نمونه سلول پوست با وجود برخورداری از تمام اطلاعات ژنتیکی یک انسان کامل، تنها از داده های مربوط به بافت پوست استفاده می کند و ژن های مرتبط با دیگر بافت ها در آن خاموش هستند.

هرگاه هسته این سلول بالغ در داخل تخمک لقاح یافته قرار بگیرد، ژن های خاموش فعال می شود و انسانی با مشخصات ژنتیکی فرد اصلی تولید خواهد شد.

مراحل و روش شبیه سازی انسانی

۱. سلول غیر جنسی (سوماتیک) را از بدن انسان جدا کرده و آن را در آزمایشگاه در حالت استراحت؛ زنده نگه می دارند.

۲. یک سلول تخمک بارور نشده را از زنی جدا کرده و هسته آن که شامل تمام کروموزوم های سلول جنسی است را با کمترین صدمه از آن جدا می کنند و تخمک تهی و فاقد هسته می شود و پوسته و غشاء آن باقی می ماند.

۳. یکی از سلول های غیر جنسی که در حالت استراحت قرار داده شده است را در درون غلاف پیرامون تخمک که به آن حلقه شفاف گفته می شود و به تخمک چسبیده است، قرار می دهند.

۴. شوک الکتریکی به تخمک وارد می شود. این شوک موجب در آمیختن این دو سلول به هم می شود و هسته سلول غیر جنسی وارد پوسته تخمک شده و با هم یکی می شود.

۵. چهار مرحله اخیر بر حسب ضرورت به مقداری که نیاز باشد، تکرار می شود تا به اندازه کافی نسخه های لازم به دست آید. در این روش احتمال از بین رفتن بسیاری از سلول ها به خاطر صدمه ای که به سلول وارد می شود و یا به واسطه حوادث دیگر، وجود دارد.

۶. با موفقیت عملیات، سلول تلقیح یافته را وارد رحم مادر کرده تا آن را حمل و در زمان مناسب زایمان کند.^۱

پس از شروع بحث احکام شبیه سازی از منظر فقه پویای امامیه، سزاوار است به فواید و کاربردهای شبیه سازی، و نیز معایب و پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و قانونی آن اشاره ای گذرا داشته باشیم تا با آگاهی بیشتری وارد بحث احکام شبیه سازی شویم.

فواید و کاربردهای شبیه سازی

۱. راهی برای کمک به زوجین نابارور و امکان باروری زوج های عقیم.

۲. دانشمندان با این روش اطلاعات مهمی در زمینه تمایز سلول ها، شناخت ریشه امراض سرطانی و راز رشد سلول های مضر، آثار منفی وراثت، عوامل مصونیت از بیماری، علاج سقط جنین و وسایل جلوگیری از بارداری به دست خواهند آورد.

۳. کمک به سلامت نسل آینده و بهینه سازی حیات آن.

۴. مشارکت در استفاده از صفات ممتاز افراد و افزایش آن ها.

۱. مجموعه مقالات سومین همایش دیدگاه های اسلام در پزشکی، ص ۷۵ و مقاله

کلون سازی چیست؟ در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

۵. کمک به موفقیت تحقیقات علمی با اجرای آن‌ها بر روی انسان‌های کاملاً مشابه به منظور اطمینان از سلامت نتایج تحقیقات.

۶. داشتن نوزادان سالم و اصلاح نسل‌ها. پزشکان با مهارت و دستکاری‌های لازم از سلامت آن‌ها مطمئن شده و می‌توانند نوید تولد فرزند سالم را بدهند.

۷. انتخاب فرزند از لحاظ جنسیت، رنگ، صفات و... به دلخواه والدین.

۸. به کارگیری در پیوند اعضا و ترمیم بافتی ناشی از صدمات محیطی.

۹. طولانی کردن عمر افراد با جایگزینی سلول‌ها و اندام‌های سالم به جای سلول‌ها و اندام‌های از کار افتاده.

۱۰. حل مشکل والدین نامناسب.

۱۱. حفظ موجودات و نژادهای در حال انقراض.

و...^۱

۱. مجموعه مقالات سومین همایش دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ص ۸۱ و مقاله شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه در پایگاه اینترنتی پژوهش‌گاه فرهنگ و معارف اسلامی pfimi.ir.

مضرات و پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و قانونی شبیه سازی

۱. ناهنجاری های حاصل از تغییرات ژنتیکی: در حال حاضر، تکنیک های به کار رفته با خطر همراه بوده و دارای درجه بالایی از احتمال تغییرات ژنتیکی می باشند و کابوس تولد کودکی با ناهنجاری های درمان ناپذیر را به یاد می آورند. یک نگرانی بسیار عمده در شبیه سازی پیری زودرس در نوزادان متولد شده است که این حالت در حیوانات شبیه سازی شده آشکارا مشاهده شده است.

۲. از دست دادن گوناگونی و تنوع نژاد.

۳. شیوع بیماری های همه گیر: در صورت وقوع یک بیماری وابسته به ژن، افراد مشابه به یکباره از بین خواهند رفت؛ چرا که انسان ها بر حسب گوناگونی و تنوع خود، مقاومت های متفاوتی برای ابتلاء به بیماری ها دارند.

۴. قدرتمندان و سیاستمداران با شبیه سازی خود، یک نسخه بدل از خویش تهیه کرده و در مواقع ضروری بدل خود را که هیچ ارزشی برای آن قائل نیستند قربانی خود می کنند.

۵. تولید یک نژاد زیر دست برای انواع مقاصد اقتصادی، سیاسی و نظامی.

۶. استفاده از افراد مشابه سازی شده به عنوان اهدا کننده

بافت ها یا اعضای بدن.

۷. انجام پژوهش های غیر قانونی بر روی انسان های شبیه سازی شده؛ مانند آزمایش داروهای غیر مجاز و سلاح های جنگی غیر متعارف.

۸. ایجاد بازارهای خرید و فروش (بازار سیاه) کودکان کلون شده برای مصارف مختلف پزشکی.

۹. احتمال پیدایش بد شکلی ها و نوزاد عجیب الخلقه.

۱۰. احتمال تسریع افزایش سن و پیری زودرس در فرد کلون شده.

۱۱. به خطر افتادن شخصیت و هویت افراد و تولید افرادی بی هویت.

۱۲. شیوع قاچاق و تجارت اعضای بدن انسان.

۱۳. نقض حق کودک برای داشتن والدین.

۱۴. فروپاشی نهاد خانواده و ابهام در روابط خویشاوندی.

۱۵. از بین رفتن نهاد ازدواج.

۱۶. گسترش هم جنس گرایی و از بین رفتن مفهوم مادری.

۱۷. ایجاد انسان های درجه دو.

۱۸. نقض کرامت ذاتی انسان.

۱۹. استفاده ابزاری از انسان‌ها.
 ۲۰. پایان یافتن نقش مردان در جامعه.
 ۲۱. به هم خوردن توازن جنسیتی.
 ۲۲. افزایش بی حساب جمعیت.
 ۲۳. رواج برده‌داری.
 ۲۴. بی هویتی اشخاص شبیه‌سازی شده.
 ۲۵. استمرار بشریت وابسته به تنوع ژن است که این تنوع و اختلاف با شبیه‌سازی نابود می‌شود.
 ۲۶. تشخیص مجرم و اثبات هویت و شخصیت افراد دچار مشکل می‌شود.
 ۲۷. ایجاد عوارض عاطفی و روانی در فرد شبیه‌سازی شده.^۱
- آیت الله مکارم شیرازی پیامدهای عملیات شبیه‌سازی را به سه قسم اخلاقی، حقوقی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند.^۲ ایشان فرموده‌اند از نظر مسائل اخلاقی اگر این باب مفتوح شود، در این صورت مسأله ازدواج که یک امر طبیعی است، تدریجاً بر چیده
-
۱. شبیه‌سازی انسانی، ص ۳۲۱ و مقاله تیغ دولبه مهندسی ژنتیک‌ها در پایگاه اینترنتی پژوهش‌گاه فرهنگ و معارف اسلامی pfmi.ir.
 ۲. کتاب النکاح، ج ۲، ص ۱۳۲.

می شود و نظام خانوادگی مختل می گردد و بسیاری از زنان بی شوهر باردار می شوند یا زنی از وجود خودش باردار می شود که ظاهراً مادر و فرزند هستند؛ ولی به یک معنا دو قلو هستند، اخلاق در سطح جهان این عمل را نمی پذیرد، زیرا باعث فروپاشی نظام خانواده در جوامع بشری می شود. از نظر حقوقی هم انسانی که از راه شبیه سازی به وجود می آید نه پدری دارد (چون از نطفه مرد نیست) و نه مادری (چون ترکیب با نطفه مادر نیست) و نه خواهری و نه برادری و نه منتسب به فامیل و در رحمی پرورش پیدا کرده که مادرش نیست، بلکه مادر جانشین اوست، خلاصه فردی فاقد نسب است.

و از نظر مسائل اجتماعی هم عملیات شبیه سازی اختلالات زیادی ایجاد می کند و ارکان جامعه را به هم می ریزد؛ چرا که افرادی شبیه و یک دست و طبعاً دارای یک خواسته و یک پایگاه به وجود می آیند و تنوع اجتماعی از میان می رود.

به خاطر همین پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و حقوقی بود که پس از انتشار خبر موفقیت آمیز نخستین شبیه سازی پستانداران و تولد گوسفند «دالی» جامعه جهانی و دولت ها در مقابل این حرکت بزرگ علمی واکنش منفی نشان دادند و با اعلام خطر

شبهه سازی انسانی و وضع قوانین تلاش کردند دانشمندان و محققان به سراغ شبهه سازی انسانی نروند.

در ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۲ م خبر تولید نخستین نوزاد شبهه سازی شده توسط شبکه بی بی سی در جهان مخابره شد. در این خبر اعلام شد شرکت «کلوناید» توانسته از سلول پوست بدن زن ۳۱ ساله آمریکایی دختری را متولد کند که نام آن را «حوا» گذاشته است. پس از آن همه مجامع بین المللی در مقابل شبهه سازی انسانی موضع گیری کرده و هیچ گاه این خبر در مجامع علمی تأیید رسمی نشد.

نوزده کشور عضو اتحادیه اروپا در بیانیه ای مشترک اعلام کردند:

«هر گونه مداخله با قصد آفریدن موجودی انسانی که از نظر ژنتیکی با موجود انسانی دیگری یکسان باشد ممنوع است»^۱.

کمیسیون ملی مشورتی اخلاق زیستی آمریکا اعلام کرد:

«در شرایط فعلی و به دلیل مخاطرات عملی بالایی

که شبهه سازی انسانی در پی دارد، این کار اخلاقاً

۱. شبهه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، ص ۴۹.

ناپذیرفتنی است و باید ممنوع شود»^۱.

مرکز ملی سلامت در آمریکا نیز در بیانیه‌ای ابراز داشت:

«از تحقیقات در عرصه شبیه‌سازی هسته سلولی هیچ

گونه حمایت مالی نشود»^۲.

مدیر کل سازمان بهداشت جهانی نیز در ۱۱ مارس ۱۹۹۷

اعمال این تکنیک را بر انسان محکوم کرد و آن را ناقض کرامت انسانی دانست.^۳

در سال ۲۰۰۳ م کنوانسیون بین المللی منع شبیه‌سازی انسانی

در سازمان ملل تدوین شد و بیش از شصت کشور جهان خواستار منع مطلق شبیه‌سازی شدند.^۴

انجمن جهان اسلام در مکه مکرمه هم اعلام نمود:

«شبیه‌سازی انسان در اسلام حرام است»^۵.

۱. همان، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. همان، ص ۵۶.

۴. همان، ص ۸۹.

۵. همان، ص ۸۵.

کلیسای کاتالولیک روم نیز طی بیانیه‌ای شبیه‌سازی انسان را محکوم کرد و آن را نوعی باور وحشیانه و فاقد اصول اخلاقی و انسانی برشمرد.

پس از اعلام خبر در سال ۲۰۰۲ م، کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل در بیانیه‌ای ابراز داشت:

«ما تا وقتی صحت این خبر تأیید نشود، نمی‌توانیم قضاوتی داشته باشیم و مسئولان کمپانی کلوناید نباید انتظار ارسال گل از سوی کوفی عنان را داشته باشند».

در نظر سنجی مؤسسه گالوپ در آمریکا، ۹۰ درصد مردم با شبیه‌سازی انسانی مخالفت کرده‌اند.^۱

با توجه به آنچه گذشت، روشن است که با توجه به پیامدهای اخلاقی و اجتماعی شبیه‌سازی انسانی، اکثر قریب به اتفاق حکومت‌ها و جوامع بین‌المللی با شبیه‌سازی مخالفت کرده و آن را ممنوع اعلام کرده‌اند.

۱. شبیه‌سازی انسانی، ص ۶۱ و مقاله‌نگاهی به پدیده شبیه‌سازی در پایگاه اینترنتی

فصل دوم

شبیه‌سازی از منظر فقه اسلامی

در این فصل شبیه‌سازی انسانی را از دیدگاه فقه امامیه و بر اساس قواعد ثابت در شریعت مقدس اسلام بررسی می‌کنیم. موضوع شبیه‌سازی بایستی از لحاظ احکام تکلیفی و وضعی مترتب بر آن بررسی شود، حکم تکلیفی شبیه‌سازی نیز در دو مقام حکم تکلیفی به لحاظ عنوان اولی و عنوان ثانوی قابل بحث است بنابراین، نخست حکم تکلیفی و سپس احکام وضعی آن بیان می‌شود.

مقام اول: حکم تکلیفی شبیه سازی به لحاظ عنوان اولی

از نظر فقهی، بین فقها و علمای اسلام در رابطه با حکم تکلیفی شبیه سازی به لحاظ عنوان اولی، دو دیدگاه عمده و اصلی وجود دارد که باید ادله هر یک به تفصیل بررسی شوند.

دیدگاه اول: حرمت شبیه سازی که دیدگاه مشهور علماء است و ادله و وجوه مختلفی بر آن اقامه کرده اند:

دلیل اول: شبیه سازی نوعی تشبه به خالق و مداخله در کار خداوند است و تحقق آن، این شبهه را در اذهان مردم ایجاد می کند که انسان دست به خلق زده و قدرت خالقیت دارد. بشری که باید مطیع قوانین هستی باشد و خود را فرمانبردار خداوند بداند با این کار پای از گلیم خود بیرون کشیده، دست به تحدی و مبارزه طلبی با خدا زده و قوانین او را به چالش فرا خوانده است. در سنت خدا، آفرینش بر اساس توالد و تولید جنسی بوده؛ اما بشر با طرح ایده شبیه سازی عملاً در کار خدا دخالت کرده و بر خلاف قوانین و سنت الهی عمل نموده است.

اشکال وارد شده بر این دلیل این است که شبیه سازی، خلق و تشبه به خالق نیست، بلکه ترکیب سلول و تخمکی است که خداوند آن ها را آفریده و خلق کرده است، ترکیب دو شیء خارجی

در شرایط خاص است نه این که او چیزی را خلق و ایجاد کند و نقش دانشمندان در این زمینه مانند نقش کشاورزان است که بذر موجود را با آگاهی از قابلیت آن در شرایط مناسب رشد، قرار می دهند، لذا هیچ یک از دانشمندان توانایی ساختن یک سلول را با آن که مواد تشکیل دهنده آن را می شناسند، ندارند و کار آنها تنها ترکیب و تألیف همان سلول و تخمکی است که خداوند آنها را خلق نموده است. خلق که ایجاد از عدم است، مختص به خداوند است.

شبیه سازی، تصرف در موادّ خلق شده توسط خداوند با آگاهی از ویژگی های هر یک می باشد، آن هم بنابر قواعد و قوانینی که خداوند در عالم هستی نهاده است. پس شبیه سازی نه مشارکت در خلق به شمار می رود و نه دخالت در امور خالق، بلکه استفاده از امکانات و نعمت های خداوند متعال و ابراز عظمت خالق و قدرت او می باشد.

شبیه سازی حرکت در دایره سنت الهی و کشف برخی از سنت های نهان او به شمار می رود و همچنان می توان در آینده انتظار کشف امور دیگری را داشت.

دلیل دوم: شبیه سازی مصداق تغییر خلقت الهی است. مسیر

طبیعی تولد و تولید مثل از راه تلقیح سلول‌های جنسی زن و مرد است و شبهه‌سازی تولید مثل بر خلاف سنت الهی است، پس نوعی تغییر در خلقت الهی به شمار می‌آید و تغییر خلقت الهی از وسوسه‌های شیطانی است که شیطان به وسیله آن‌ها می‌خواهد بندگان را گمراه کند تا بندگان در جهت غیر رضایت الهی گام بردارند و در آیه شریفه: ﴿فَلْيَعْلَمَنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾^۱ به آن اشاره شده و نتیجه پیروی از این اغوائت شیطانی به تصریح آیه مبارکه، خسران مبین و عذاب الهی است، بنابراین تغییر در خلقت از محرمات در شریعت اسلامی می‌باشد.

بیشتر علمای اهل سنت این دلیل را مهم‌ترین دلیل حرمت شبهه‌سازی قلمداد کرده‌اند.^۲

به این دلیل اشکالات فراوانی شده است:

الف) مقصود از تغییر خلق خدا در آیه شریفه با توجه به روایات تفسیری در ذیل آن، تغییر معنوی و تغییر در دین الهی است نه تغییر صوری و ظاهری در موجودات عالم، از آیات شریفه استفاده

۱. النساء، آیه ۱۱۹.

۲. الاستنساخ فی میزان الاسلام، ص ۱۶۱.

می‌شود که همه انسان‌ها بر فطرت توحیدی خلق شده‌اند و مراد از خلق الله، فطرت الهی است، همان گونه که در آیه: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾^۱ به آن تصریح شده است.

شیطان می‌گوید:

«من آن‌ها را وسوسه کنم تا فطرت الهی را تبدیل به کفر و شرک کنند».

کنار گذاشتن فطرت توحیدی نوعی تغییر و تبدیل در خلق الله است.

مرحوم عیاشی در تفسیر خود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «مقصود از خلق الله، دین و اوامر الهی است».^۲

علی بن ابراهیم قمی نیز در تفسیرش خلق الله را به امر الله تفسیر کرده است^۳ و مرحوم طبرسی نیز تغییر خلق را به معنای تحریم حلال و تحلیل حرام دانسته است.^۴

۱. الروم، آیه ۳۰.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۱۲.

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می گوید:

«مقصود از تغییر خلق الله، خروج از حکم فطرت و

ترک دین حنیف می باشد.^۱

در نتیجه، آیه مبارکه تغییر و تحریف در دین حق را می گوید و ربطی به تغییر ظاهری در موجودات عالم نخواهد داشت؛ ولی این اشکال تمام نیست؛ چون روایات تفسیری موجب حصر مفاد آیه نخواهند شد و عنوان آیه مطلق بوده شامل تغییر ظاهری و معنوی هر دو می شود، همان گونه که در برخی روایات و کلمات برای «حلق لحیه» به آیه شریفه استشهاد شده است.^۲

ب) این که مطلق تغییر در خلقت و مخلوقات الهی حرام باشد، قابل التزام نیست و گرنه باید مطلق تغییر در جمادات و نباتات نیز حرام باشد، همچنین باید قائل به حرمت جراحی های زیبایی، جراحی برای جدا سازی انگشت ششم یا جدا کردن دو قلوهای به هم چسبیده، ترکیب انواع گیاهان و تولید گیاه جدید و... نیز شد؛ چون همه این امور مصداق تصرف و تغییر در خلقت الهی است و

۱. المیزان، ج ۵، ص ۸۷.

۲. الوافی، ج ۶، ص ۶۵۸.

حال آن که حرمت این امور قابل التزام نیست.

ج) اصلاً شبیه سازی تغییر و تصرف در خلقت الهی نیست، بلکه با استفاده از خصوصیات اشیاء و مواد و ترکیب آنها با یکدیگر مقدمات تشکیل و ایجاد موجود جدید فراهم می شود و نوعی واسطه شدن برای ترکیب سلول غیر جنسی با تخمک زن و ایجاد موجود جدید است و در حقیقت به کارگیری خود علوم طبیعی و پی بردن به اسرار طبیعت است، فعال کردن همان اسراری است که در نهاد طبیعت وجود دارد و پای علل و عوامل غیر مشهور و غیر معروفی در میان است که دانشمندان آن را کشف کرده اند.

همچنین اگر کسی در همین محدوده نظام هستی و آفرینش الگو بگیرد و با کشف علل و روابط و خصوصیات اشیاء، مانند موجودات خارجی بیافریند باز هم کار، کار خداوند است. خداوند متعال در سوره مبارکه واقعه می فرماید: «آن کاری که شما می کنید، مال من است، شما کارتان در کشاورزی چیست؟ شما زارع هستید یا حارث؟ کار شما حرث است؛ یعنی بذر جامد را از انبار به مزرعه می برید؛ ولی آن که این بذر جامد را جان می دهد و زنده می کند من

هستم؛ ولی من به نطفه جان و روح می دهم»^۱ بنابراین، در شبیه سازی نیز اگر موجود و انسانی محقق شود، کار و فعل خداوند حکیم است.

ج) با چشم پوشی از اشکالات پیشین، نهایتاً تغییر و تصرفی که در آن نوعی مقابله و معارضه با پروردگار است، حرام خواهد بود نه مطلق تغییر در خلقت و لازمه حرام بودن چنین کاری این است که تغییر و تصرف در خلقت و مخلوقات به گونه ای باشد که مقابله و معارضه با فعل خداوند شمرده بشود، همان گونه که نسبت به تغییر جنسیت ادعا شده که تغییری بر خلاف مسیر تکوینی و خلقت الهی است و نوعی مقابله و معارضه با پروردگار در امر خلقت شمرده می شود.

دلیل سوم: تمایز و اختلاف بین بشریت از ضروریات اجتماع انسانی است. خداوند متعال هم در قرآن کریم این تنوع و گوناگونی افراد بشریت را از آیات و حکم خود شمرده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را در قالب شکل ها و نژادها مختلف قرار دادیم

تا از یکدیگر متمایز و شناخته شوید^۱.

در سوره مبارکه روم هم در آیه شریفه: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾^۲ اختلاف زبان‌ها و شکل و نژادهای افراد بشری از آیات و نشانه‌های الهی دانسته شده است.

سنت و حکمت الهی بر تنوع و گوناگونی آفرینش است تا نظام اجتماعی برپا بماند در حالی که شبیه‌سازی انسانی این سنت و قانون را از میان می‌برد و این مهم را در زندگی بشری نابود می‌کند. اگر شبیه‌سازی مجاز دانسته شود چگونه می‌توان نسبت فرد را با فرد اولیه توجیه کرد؟ این فرد شبیه‌سازی شده فرزند اوست؟ خواهر یا برادر اوست و یا اصلاً خود اوست؟

این شباهت و همانندی در زندگی خانوادگی، مشاغل، دادگاه‌ها و دعاوی، مدارس، امتحانات و... مشکل ایجاد می‌کند به گونه‌ای که اصل و بدل از هم باز شناخته نمی‌شوند.

آیت الله سید حسن مرتضوی در این باره می‌گوید:

۱. حجرات، آیه ۱۳.

۲. الروم، آیه ۲۲.

«شبیه سازی انسان موجب از بین رفتن یکی از اسرار خلقت انسان که امتیاز هر فردی با فرد دیگر است می شود، به طوری که دیگر انگشت نگاری ها فایده ای نخواهد داشت و هر فردی شبیه آن فردی است که از سلول غیر جنسی او به وجود آمده است و دیگر تمایزی بین انسان ها نخواهد بود»^۱.

حضرات آیات عظام تبریزی^۲ و حائری^۳ نیز این دلیل را به عنوان یکی از وجوه حرمت شبیه سازی مطرح کرده اند. در میان اهل سنت هم بر روی این وجه به عنوان دلیل حرمت تأکید شده است.

قرضاوی مفتی معروف اهل سنت در این باره می گوید:

«شبیه سازی ناقض تنوع است؛ زیرا بر تولید نسخه ای مکرر از یک شخص مبتنی است و این کار مفاسد فراوانی در زندگی بشری و اجتماعی به دنبال دارد که برخی را درک می کنیم و برخی را بعدها درک خواهیم

۱. دیدگاه های اسلام در پزشکی، ص ۳۲.

۲. فقه الاعذار الشرعیة و المسائل الطبیة، ص ۱۹۰.

۳. الفتاوی المتتخبة، ص ۲۴۶.

کرد، کلاسی از دانش آموزان شبیه سازی شده را تصور کنید، حال معلم چگونه آنان را از یکدیگر تشخیص دهد؟ چگونه باز پرس مجرم را از بی گناه تشخیص دهد در صورتی که چهره ها یکسان، قد و قامت یکسان و آثار انگشت آن ها یکسان است و... اگر پدیده تنوع و اختلاف رنگ ها که خداوند مردم را بر آن آفریده است از میان برود همه زندگی آشفته و فاسد می شود»^۱.

در بیانیه «رابطه العالم الاسلامی» آمده است:

«تنوع و تمایز، سنت خداوند در خلق انسان است که حیات بشری را از آن طریق به تکامل رساند، حال آن که لازمه شبیه سازی ایجاد نسخه های مکرری از انسان است و این کار موجب محرومیت اشخاص شبیه سازی شده از ویژگی تمایز از دیگران است»^۲.

این دلیل استوار نیست؛ چرا که اصل تشابه در شبیه سازی مورد قبول است؛ ولی شبیه سازی در مورد انسان دو نوع است، گاه شبیه سازی برای تولد یک نوزاد است که در این مورد نوزاد متولد

۱. الاستنساخ البشري و تداعیانه، ص ۱۲.

۲. رساله من رابطه العالم الاسلامی در سایت Islamonline.net.

شده از طريق شبيه سازى كپى و مشابه صاحب سلول غير جنسى خواهد بود؛ ولى اين تشابه محاذير گفته شده در دليل را در پى ندارد؛ چون تشابه آن ها به لحاظ اختلاف زمانى آن ها است و اين نوزاد شبيه صاحب سلول غير جنسى در زمان ولادتش مى باشد نه سنّ الان او و در بيشتر موارد شبيه سازى اين اختلاف زمانى بين طفل شبيه سازى شده و صاحب سلول وجود دارد، پس اشتباهى رخ نخواهد داد.

نوع دوم شبيه سازى، همزاد سازى و توأم سازى و ايجاد دو قلوهاى مشابه است كه احكام آن در بخش سوم خواهد آمد كه با ايجاد شكاف و تقسيم و تكثير سلول تلقيح يافته از همان سلول اوليه دو قلوها يا چند قلوهاى يكسان و همانند متولد مى شوند كه محاذير گفته شده، اين نوع شبيه سازى رخ خواهد داد؛ ولى در قسم اصلى و غالب شبيه سازى كه منجر به تولد يك طفل خواهد شد، اين اشكال وجود ندارد و شيوه دوم هم نمى تواند شيوه رايج و مسلط توليد مثل بشرى باشد تا مستلزم اين محاذير شود، بنابراين حداقل اين دليل اخص از مدّعا مى باشد و دليل بر حرمت همزاد سازى و ايجاد دو قلوهاى مشابه به شكل وسيع و نامحدود خواهد بود.

دليل چهارم: شبيه سازى از بين بردن قانون توالد و تكاثر نسل

بشری است، سنت الهی و قانون حاکم بر نظام هستی بر این است که تولید مثل انسانی از طریق تماس جنسی و ترکیب سلول های جنسی زن و مرد صورت بگیرد و شبیه سازی مناقضه و منافات با این سنت و قانون الهی حاکم بر نظام آفرینش دارد.

از بسیاری آیات قرآنی استفاده می شود که مبدأ تکون انسان باید از منی و سلول جنسی مرد باشد: ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾^۱، ﴿يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾^۲، ﴿أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُفْسَى﴾^۳ و....

کیفیت و طریقه تولید نسل، ترکیب منی مرد با تخمک زن و تولید مثل جنسی است و شبیه سازی که تکثیر و کپی سلول غیر جنسی است که ممکن است این سلول غیر جنسی از مرد و یا خود زن گرفته شود و این بر خلاف طریقه و سنت الهی در امر تولید مثل بشریت می باشد.

مجمع الفقه الاسلامی در بیانیه نهایی خود آورده است:

۱. مرسلات، آیه ۲۰.

۲. طارق، آیه ۷.

۳. قیامت، آیه ۳۷.

«معلوم است که سنت خدا در خلق آن است که مخلوق انسانی را از اجتماع دو نطفه که هر یک دارای تعدادی از کروموزوم هاست بیافریند»^۱.

رابطه العالم الاسلامی هم به این اشکال اشاره می کند:

«شبیه سازی تغییر سنت خدا در آفرینش انسان و تغییر شیوه مشروع ایجاد نسل است، حال آن که شبیه سازی بر بازی با ژن های وراثتی انسان برای رسیدن به نسخه ای مشابه استوار است»^۲.

از فقهای امامیه نیز آیت الله مرتضوی^۳ به این اشکال اشاره کرده است.

این دلیل نیز کامل نیست، چرا که هر چند شبیه سازی خلاف طریقه متعارف در تولید مثل بشری است؛ ولی آنچه در استدلال آمد و آن این که قانون و سنت الهی بر تولید مثل جنسی است و هر آنچه بر خلاف این طریقه باشد، مبعوض شارع و حرام است، چنین مطلبی از آیات پیش گفته و هیچ نص و دلیل دیگری به دست

۱. الاستسناخ البشري بين التحليل والتحریم، ص ۲۳۱.

۲. رسالة من رابطه العالم الاسلامی در سایت www.islamonline.net.

۳. دیدگاه های اسلام در پزشکی، ص ۳۲.

نمی آید.

آنچه از این آیات استفاده می شود، امر به تدبّر و تفکّر در منشأ خلقت انسان است؛ اما این که پیروی از این طریقه متعارف، واجب و الزامی می باشد و تولید مثل انسانی باید منحصر در این طریقه باشد و هر طریقه ای غیر از آن مبغوض و حرام است، هرگز از این آیات به دست نمی آید و گر نه نسبت به تولد حضرت عیسی علیه السلام هم این اشکال وجود خواهد داشت.

ممکن است گفته شود وقتی طریقه متعارف و سنت در نظام هستی تولید مثل جنسی است، خلاف این طریقه تغییر در خلقت الهی است که این تقریب در حقیقت بازگشت به همان دلیل دوم خواهد داشت.

دلیل پنجم: شبیه سازی مصداق تحدی با خداوند متعال نسبت به معجزه خلقت حضرت عیسی علیه السلام می باشد. از معجزات خداوند نسبت به حضرت عیسی علیه السلام که در قرآن کریم و روایات آمده است، خلقت و تولد ایشان بدون پدر است و مقتضای این معجزه، عجز و ناتوانی بشر از این عمل تا روز قیامت خواهد بود و در شبیه سازی طفل متولد شده از سلول غیر جنسی همان گونه که در بحث نسب خواهد آمد به پدر انتساب ندارد و طفلی بدون پدر

متولد می شود، پس شبیه سازی چون مصداق تحدی با خالق در خلقت حضرت عیسی علیه السلام و خلقت طفل بدون پدر است از این جهت حرام خواهد بود.

برخی از محققین در رد این دلیل گفته اند^۱ که خلقت بدون پدر معجزه حضرت عیسی علیه السلام نمی باشد؛ بلکه معجزه ایشان سخن گفتن در مهد و شفاء امراض و کوری و زنده کردن مردگان است.

حق این است که تولد بدون پدر یکی از معجزات مطرح درباره حضرت عیسی علیه السلام می باشد و این قابل انکار نمی باشد، همان گونه که در آیات قرآن^۲ به آن اشاره شده است، بنابراین پاسخ درست این است که شبیه سازی شباهتی با خلقت حضرت عیسی علیه السلام ندارد تا بگوییم مصداق تحدی با خالق در خلقت ایشان می باشد؛ چون در شبیه سازی، دانشمندان اشیاء خارجی (سلول و تخمک) را ترکیب کرده و مقدمات تولد طفل را فراهم می کنند و چیزی را نمی آفرینند، بلکه همان گونه که گذشت در شبیه سازی عنوان خلقت صادق نیست؛ ولی در خلقت حضرت

۱. فقه الطب، ص ۱۱۴.

۲. آل عمران، آیه ۵۹: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ

كُنْ فَيَكُونُ﴾.

عیسی علیه السلام بدون اعداد و ترکیب امور خارجی و مادی و از باب اراده تکوینیه خالق و ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾^۱ ایشان متولد شد و به همین دلیل اعجاز نامیده می شود.

دلیل ششم: انسان مالک بدن خویش نیست، بلکه بدن انسان ودیعه ای است که خداوند متعال آن را در اختیار انسان قرار داده است و انسان تنها حق استفاده از آن را دارد و مالک آن خداوند متّان می باشد، در حالی که شبیه سازی مستلزم گرفتن سلول و تخمک از بدن انسان است و نوعی تصرف مالکانه به شمار می آید و انسان حق چنین تصرفاتی در بدن ندارد، پس شبیه سازی مصداق تصرف در ملک غیر شده و ادله حرمت تصرف در ملک غیر، شامل آن خواهد شد.

ریاض احمد محقق معاصر اهل سنت در این باره می گوید:

«مالکیت جسد از آن انسان نیست؛ بلکه از نظر مسلمانان، جسد ودیعه خداوند عزوجل نزد اوست، بنابراین نه ملک او است و نه کالایی است قابل تصرف»^۲.

۱. آل عمران، آیه ۵۹.

۲. الاستنساخ فی میزان الاسلام، ص ۱۹۰.

در رد این دلیل گفته‌اند: اولاً: ادله حرمت تصرف در مال غیر در ملکیت‌های اعتباری پیاده می‌شود، به این معنی که تصرف بدون اذن در حیطه ملکیت اعتباری دیگران جایز نیست؛ ولی آنچه نسبت به خداوند متعال ثابت است، ملکیت حقیقی و ذاتی از باب خالقیت و قیومیت ذات باری تعالی است و دلیل بر ملکیت اعتباری خداوند نسبت به مخلوقاتش نداریم و ادله حرمت تصرف در مال غیر انصراف از موارد ملکیت حقیقی دارند، مگر کسی ادعا کند که دلیل حرمت تصرف در ملک اعتباری به فحوی و اولویت و یا به الغا خصوصیت و عدم احتمال فرق دلالت بر حرمت تصرف در ملک حقیقی نیز می‌نماید.

ثانیاً: اگر ملکیت انسان نسبت به اعضای بدن را هم قبول نکنیم، ولی به مقتضای قاعده سلطنت «الناس مسلطون علی أموالهم وأنفسهم»^۱ و دیگر ادله انسان حق استفاده و تصرف در بدن را دارد، بنابراین تا زمانی که دلیل بر منع تصرف نداشته باشیم، اصل اولی اباحه همه تصرفات می‌باشد و در یکایک تصرفات احتیاج به اذن خاص نداریم، پس انسان حق تصرف در اعضای بدن خود را دارد

همان گونه که در بحث پیوند اعضا گفتیم به خاطر همین سلطنت و حق تصرف اهدای اعضای بدن که مستلزم هلاکت و ضرر عمده نباشد، اشکال ندارد و فقهای عظام هم همین فتوا را داده اند.^۱

دلیل هفتم: عملیات شبیه سازی موجب اشتباه و اختلاط و از بین رفتن نسب و هویت شخص می شود، حال آن که حفظ نسب و هویت هر شخص از امور مهم و اساسی است که همواره شریعت اسلامی بر آن تأکید نموده است، بنابراین در موارد مختلف در فقه، اموری که موجب از بین رفتن و یا حتی در معرض از بین رفتن نسب اشخاص شود، حرام و ممنوع اعلام شده است.

این استدلال که از ادله مهم و عمده حرمت شبیه سازی است، مشتمل بر کبری و صغرای نیازمند اثبات است. کبرای استدلال این است که حفظ نسب واجب و ضیاع و اختلاط انساب حرام می باشد و صغرای استدلال این است که شبیه سازی موجب خلط و از بین رفتن نسب اشخاص می شود.

برای اثبات کبرای مسأله (لزوم حفظ نسب) به دسته ای از روایات استدلال شده است که از مجموع آنها به دست می آید که

۱. کتاب پیوند اعضا و مرگ مغزی در آینه فقه، ص ۵۹.

حفظ نسب از امور مطلوب و لازم الرعایة و ذهاب و خلط نسب از امور ممنوعه در شریعت اسلامی می باشد.

دسته اول: روایات باب، وجوب عدة بر زن که در آن ها حکمت جعل وجوب عدة، عدم اختلاط میاه و نسب عنوان شده است؛ مانند روایات: «العدة من الماء»^۱ و....

مرحوم عاملی صاحب «مفتاح الکرامة» در این زمینه می گوید:

«المستفاد من الأخبار الواردة في باب طلاق البائن والرجعي و حتي باب العدة هو أن علة لزوم العدة هي المنع عن عدم اختلاط الماء المنتهية إلى الجهل بالأنساب؛ آنچه از اخبار در ابواب طلاق بائن و رجعی و باب عدة به دست می آید این است که علت جعل عدة بر زن اجتناب از اختلاط میاه و مجهول ماندن نسب اشخاص می باشد»^۲.

دسته دوم: روایات باب استبراء کنیز^۳. در روایات آمده است، هنگام خرید کنیز مدتی او را استبراء کنند تا مشخص شود که

۱. الکافی، ج ۶، ص ۱۱۰، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۱۷۵.

۲. مفتاح الکرامة، ج ۱۷، ص ۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۷۸.



حامله است یا نه، این حکم به استبراء هم به علّت حفظ نسب و عدم اختلاط میاه می باشد؛ مانند روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام:

«أَنَّه قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يَشْتَرِي - الْجَارِيَةَ الصَّغِيرَةَ الَّتِي لَمْ تَطْمَثْ - وَ لَيْسَتْ بِعَذْرَاءَ يَسْتَبْرِئُهَا قَالَ - أُمُّهَا شَدِيدٌ إِذَا كَانَ مِثْلُهَا يَغْلُقُ فَلْيَسْتَبْرِئُهَا»^۱.

و روایات دیگر^۲.

دسته سوم: روایات باب حرمت زنا که از جمله علل حرمت آن از بین رفتن نسب شمرده شده است^۳، مانند روایت امام رضا علیه السلام:

«حرم الله الزنا لما فيه من الفساد من قتل النفس و ذهاب الانساب و ترك التربية للاطفال و فساد الموارث و ما اشبه ذلك من وجوه الفساد»^۴.

و روایات فراوان دیگر در ابواب مختلف که در آن از بین رفتن و اختلاط نسب به عنوان علّت و حکمت حرمت بیان شده است از

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۸۵، باب ۳، ح ۹.

۲. همان، باب سوم از احکام نکاح العیید، ج ۲۱، ص ۸۳.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۱، باب یکم ابواب نکاح محرم.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۱، باب یکم ابواب نکاح محرم، ح ۱۵.

جمله صحیحہ ابابصیر از امام صادق علیه السلام: «کفر باللّٰه من تبرّاً من نسب وإنّ دقّ»^۱ که دلالت بر حرمت تبرّی شخص از نسب خویش می‌کند و روایت محمّد بن سنان از امام رضا علیه السلام: «...لأنّ فی القذف نفی الولد وقطع النسل وذهاب النسب»^۲، که ذهاب نسب از علل حرمت و ثبوت حدّ در قذف بیان شده است و روایات دیگر^۳.

به این دسته از روایات، «ارتکاز متشرعه» هم اضافه می‌شود به این بیان که در ارتکاز متشرعه حفظ نسب و این که شخص از ناحیه پدر و مادر به افراد خاص منتسب باشد از واجبات و امور لازم الرعایه است به گونه‌ای که بی‌هویتی شخص و معلوم نبودن نسبت از طرف پدر و مادر از مستنکرات و امور قبیحه نزد متشرعه می‌باشد و موجب نقص در شخص از جهت عرض و آبرو می‌شود.

پس آنچه از مجموع این روایات و ارتکاز متشرعه به دست می‌آید. این است که حفظ نسب از امور لازم و مطلوب در شریعت

۱. همان، ج ۲۱، ص ۵۱۷.

۲. همان، ج ۴۸، ص ۱۷۶.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۵۱۷، ج ۲۸، ص ۱۷۴.

اسلامی است که مورد اهتمام شارع مقدس بوده، لذا شارع اموری که در معرض از بین رفتن نسب باشد را حرام نموده است، چه برسد اموری که همواره مستلزم از بین رفتن نسب بشود.

در نتیجه کبرای استدلال ثابت است که هر امری موجب از بین رفتن و یا اختلاط نسب و هویت اشخاص بشود حرام می باشد.

در تبیین صغرای مسأله که شبیه سازی موجب از بین رفتن نسب می شود، باید گفت طفل شبیه سازی که منشأ تکون اش سلول غیر جنسی است از ناحیه پدر به هیچ کس انتساب پیدا نمی کند و طفلی بدون پدر متولد می شود، در تمام صور شبیه سازی این نقطه مشترک وجود دارد که انتساب از ناحیه پدر قطع خواهد شد و در برخی صور هم در انتساب از ناحیه مادر هم مشکل پیدا می شود و به مادر نیز منتسب نمی باشد؛ یعنی زن نگهدارنده جنین، جنین غریب و مظلومی را حمل می کند که نه از اوست و نه از شوهرش و نه در چارچوب رابطه زوجیت می گنجد، بنابراین عملیات شبیه سازی مستلزم از بین رفتن نسب و هویت اشخاص می شود و از این جهت حرام خواهد بود.

این استدلال در کلمات عامه و خاصه برای حرمت شبیه سازی مطرح شده است. رابطه العالم الاسلامی در بیانیه خود یکی از

دلائل حرمت شبیه سازی را این گونه بیان می کند:

«سنت خدا بر انحصار تولید مثل از طریق ازدواج و وضوح انساب اشخاص و رابطه خویشاندی آنان است»^۱.

«ریاض احمد» محقق معاصر اهل سنت نیز می گوید:

«والعلة في التحريم اختلاط الأنساب؛ علّت تحریم

شبیه سازی اختلاط انساب است».

و بیشتر فقه های معاصر اهل سنت^۲ بر این موضع پای فشرده اند که شبیه سازی انسانی به دلیل آن که موجب خلط نسب می شود حرام و از نظر اسلام ممنوع است.

از فقه های امامیه نیز آیات عظام تبریزی^۳، سید کاظم حائری^۴ و مکارم شیرازی^۵ بر این دلیل تأکید نموده اند.

به این استدلال اشکال شده است که لزوم حفظ نسب و عدم

۱. رساله رابطه العالم الاسلامی در سایت www.islamonline.net.

۲. الاستنساخ وانجاب، ص ۱۵۳.

۳. صراط النجاة، ص ۹، ص ۲۸۵.

۴. الفتاوی المتنبه، ص ۲۴۸.

۵. کتاب نکاح، ص ۲، ص ۱۳۲.

اختلاط و ضیاع نسب را قبول داریم؛ ولی این کبرا در محل بحث تطبیق نمی شود؛ چون این ادله می گویند: شخصی که واقعاً دارای نسب و پدر است اگر او را نسبت به شخص دیگری دهند و نسب هویت او را از بین ببرند، این از محرمات در شریعت اسلامی است، یا شخصی دارای نسب واقعی است، ولی کاری انجام بدهیم که نسب واقعی اش مشخص نشود و مجهول بماند، این حرام است.

اما در شبیه سازی این گونه نیست که شخص دارای نسب و پدر حقیقی باشد و پزشکان و متصدیان عملیات شبیه سازی بخواهند او را به دیگری نسبت دهند یا کاری کنند که پدر واقعی او مجهول بماند، پس شبیه سازی مصداق اشتباه نسب یا جعل نسب غیر حقیقی نمی باشد؛ بلکه آنچه در شبیه سازی اتفاق می افتد تولد طفلی است که پدر ندارد و انتساب حقیقی به پدر نسبت به او قطع شده است و تولد فرزندی که پدر ندارد از محرمات در شریعت اسلامی نیست.

در پاسخ به این مناقشه می توان گفت:

اولاً: آنچه در ادله آمده است، مجرد اختلاط و اشتباه نسب نیست تا گفته شود این عنوان در مورد شبیه سازی صادق نیست؛

بلکه تعبیر ذهاب نسب نیز در روایات آمده است و این عنوان از بین رفتن نسب در مورد شبهه سازی صادق است؛ چون شبهه سازی موجب از بین رفتن نسب و هویت شخص می شود.

ثانیاً: گر چه در برخی از روایات عنوان اختلاط نسب و در برخی عنوان ذهاب نسب آمده است و قدر متیقن روایات، فساد و ذهاب نسبی می شود که از راه اختلاط و اشتباه نسب به وجود بیاید، ولی به ملاحظه ارتکاز متشرعه آنچه ثابت است این است که حفظ نسب از واجبات در شریعت است و محذور و ممنوع از بین رفتن نسب و هویت شخص است. چه از راه اختلاط و اشتباه نسب باشد و چه غیر آن راه؛ به بیان دیگر، متفاهم عرفی این است که هویت داشتن و دارای اصل و نسب بودن در شریعت مطلوبیت دارد و هر امری که باعث از بین رفتن هویت و نسب شخص بشود حرام است.

نتیجه بحث این که دلیل هفتم بر حرمت شبهه سازی تمام است و عملیات شبهه سازی موجب از بین رفتن نسب و هویت شخص خواهد شد.

دیدگاه دوم: جواز شبهه سازی انسانی می باشد، دلیل این نظریه با ناتمام بودن ادله حرمت نوبت به جریان اصالة الاباحة والحلیة

می‌رسد و یا جریان آن‌ها حکم به جواز و حلیت شبیه‌سازی خواهد شد.

نظر علما اهل سنت پیرامون شبیه‌سازی انسانی

- در بیانیه نهایی سمینار علمای اسلام در کشور مغرب در سال ۱۹۹۷م آمده است:

«منع الإستنساخ البشري العادي بنقل نواة جسدیة لبویضة منزوعة النواة وتحريم كل حالاته^۱؛ شبیه‌سازی متعارف انسانی که سلول غیر جنسی با تخمک تهی شده از هسته تلقیح می‌شود همه حالات آن ممنوع و حرام است».

- در بیانیه مجلس فقه اسلامی عربستان در سال ۱۴۱۸ق نیز آمده است:

«تحريم الإستنساخ البشري بأي طريقة تؤدي إلى التکثر البشري^۲؛ شبیه‌سازی انسانی به هر طریقه‌ای که منجر به تولید مثل بشری شود حرام است».

۱. روية اسلامیه لبعض المشكلات الطبية المعاصرة، ص ۵۰۷.

۲. معجله مجمع الفقه الاسلامی، ص ۴۱۷.

- یوسف القرضاوی مفتی معاصر اهل سنت درباره شبیه سازی انسانی این می گوید:

«إن منطق الشرع الاسلامي يمنع دخول هذا الاستنساخ في عالم البشر لما يترتب عليه من المفساد؛ اصول و قواعد شریعت اسلامی به خاطر مفسدی که شبیه سازی انسانی دارد از داخل شدن شبیه سازی در عالم انسانی منع می کند».

- مجمع رابطة العالم الاسلامی در مکه مکرمه هم در سال ۲۰۰۳ م شبیه سازی را به خاطر وجوه هشت گانه؛ همانند تغییر سنت الهی در تولید نسل، اختلاط نسب، از بین رفتن تمایزها و... حرام اعلام نمود^۲.

- مجمع البحوث الاسلامیّه وابسته به الأزهر نیز طی بیانیه ای به حرمت شبیه سازی فتوا داد و از دولت های جهان خواست مانع هرگونه شبیه سازی انسانی شوند^۳.

— عبدالعزیز بن باز مفتی بزرگ عربستان نیز اعلام کرد

۱. مقاله الاستنساخ البشري و تداعياته، سایت qaradawi.net

۲. بیانیه رابطة العالم الاسلامی در سایت islamonline.net

۳. شبیه سازی انسانی، ص ۲۰۰.

شبیه سازی باطل است و انجام این عملیات جایز نیست.^۱

دکتر احمد عمر هاشم رئیس دانشگاه الازهر می گوید:

«شبیه سازی یکی از دستاوردهای مهندسی ژنتیک،

بابی از ابواب فتنه و شرّ به شمار می رود که باید بسته

شود»^۲.

- شورای اروپایی افتاء اهل سنت نیز در سال ۲۰۰۲م در بیانیه نهایی خود شبیه سازی انسانی را حرام اعلام نموده^۳ و از حکومت های اسلامی درخواست کرده تا با وضع قوانینی از عملیات شبیه سازی انسانی جلوگیری کنند.

مقام دوم: حکم تکلیفی شبیه سازی به لحاظ عناوین ثانویه

اگر ادله حرمت شبیه سازی به عنوان اولی و فی نفسه را قبول نکردیم، گفته شده شبیه سازی به خاطر عروض عناوین ثانویه و محاذیر و توالی فاسد فراوان، حرام می شود.

چهار تقریب برای حرمت شبیه سازی به لحاظ عناوین ثانویه

۱. الاستنساخ فی میزان الاسلام، ص ۱۶۴.

۲. الاستنساخ البشري، ص ۶۱.

۳. بیانیه شورای اروپایی افتاء در سایت ecfr.org

بیان شده است که باید مورد نقد و بررسی قرار بگیرند:

تقریب اول: عملیات شبیه سازی موجب اختلال نظام و هرج و مرج در جامعه می شود. کبرای مسأله که اختلال به نظام جایز نیست از واضحات و مسلّمات فقهیه است و سیره عقلاء و متشرعه بر آن قائم است. عمده تقریب صغری است که آیا شبیه سازی موجب اختلال نظام و بی نظمی در جامعه می شود یا نه؟

گفته شده است شبیه سازی و تولد افراد مشابه باعث اشتباه و اختلاط در بسیاری از امور می شود؛ برای نمونه در ازدواج، زوجه با شبیه خود مشتبه می شود یا محارم انسان با افراد مشابه آن ها یا در معاملات بیع، اجاره، مضاربه و... در تمیز متعاملین، مشتری و بایع دچار اشکال می شویم، در باب قضاء و شهادت و دعاوی اشتباه رخ می دهد و مدّعی و منکر و شاهد با هم اشتباه خواهند شد، همچنین در مشاغل مختلف، مدارس، دانشگاه ها، ادارات، امتحانات، آزمایشات و... بی نظمی و اشتباه رخ می دهد و این امر موجب هرج و مرج و بی نظمی در جامعه و اختلال نظام می شود، در نتیجه به خاطر عروض این مفاسد و توالی فاسد شبیه سازی حرام می باشد.

به این وجه در جواب استفتاء از برخی مراجع معظم نیز اشاره

شده است:

آیت الله سید کاظم حائری:

«نفس این کار اگر موفقیت آمیز باشد و با عمل حرامی همراه نگردد به عنوان اول جایز است؛ ولی از آن جا که اگر این شبیه سازی به شکل وسیعی به کار گرفته شود به دلیل عدم امکان بازشناسی خریدار از فروشنده، خواهان از خواننده در شهادت، ستمگر از ستم دیده و مانند این امور در عقود و ایقاعات و جنایات حتماً به اختلال نظام می انجامد، پس لازم می آید که به سبب این لازمه باطل، شبیه سازی در سطح وسیع آن تحریم شود»^۱.

مرحوم آیت الله تبریزی:

«چون شبیه سازی به اختلال نظام و بر هم زدن نظم جامعه می انجامد و موجب از بین رفتن حقوق انسان ها و زیان دیدن افراد در جامعه می شود حرام است»^۲.

آیت الله مکارم شیرازی:

۱. الفتاوی المنتخبه، ص ۲۴۵.

۲. صراط النجاة، ج ۹، ص ۲۸۵.

«این کار ذاتاً از نظر شرع اشکالی ندارد؛ ولی با توجه به مشکلات جنبی که به بار می‌آورد و جامعه انسانی را مواجه با هنجاری‌هایی می‌سازد که بر اهل خبره پوشیده نیست، انجام آن خالی از اشکال نیست»^۱.

در نتیجه چون شبیه‌سازی موجب اختلال نظام و هرج و مرج در جامعه می‌شود حرام است.

به این استدلال و تقریب اشکالاتی شده است:

اشکال اول: اختلال نظام در صورتی محقق می‌شود که افراد شبیه‌سازی شده در تمام خصوصیات شباهت کامل داشته باشند؛ ولی عملاً این چنین نیست و دانشمندان گفته‌اند مشابَهت کامل در شبیه‌سازی محقق نمی‌شود؛ چون گرچه طفل شبیه‌سازی شده بیشتر خصوصیات صاحب سلول غیر جنسی را به ارث می‌برد، ولی برخی از خصوصیات را هم از صاحب تخمک و رحم تأثیر می‌پذیرد و گفته شده تا سه درصد اختلاف در خصوصیات یقیناً وجود دارد و در مورد دالی گوسفند شبیه‌سازی شده هم این اختلاف مشهود و شباهت کامل منتفی بود.

اشکال دوم: ممکن است از راه‌های علمی مختلف بتوان برای این افراد مشابه، علامت و نشانه‌هایی قرار دهند تا اشتباه بین آن‌ها از بین برود و محذوری در جامع به وجود نیاید. از این اشکال جواب داده می‌شود که علائم و نشانه‌ای که برای رفع اشتباه و تشابه به کار گرفته شود علائم تکوینی نیستند، پس باید از علائم و نشانه‌های اعتباری استفاده شود و علائم اعتباری هم محدود و موقت‌اند و با گذشت زمان از بین می‌روند. تنها چیزی که اشتباه و تشابه را به کلی از بین می‌برد و موجب امتیاز و تمایز می‌شود علائم تکوینی است که در انسان‌های شبیه‌سازی شده مفقود است.

اشکال سوم: می‌پذیریم که فی‌الجمله شبیه‌سازی موجب تحقق این مشکلات و محاذیر در جامعه می‌شود ولی این محاذیر اولاً: در شبیه‌سازی یک طفل رخ نمی‌دهد؛ چون گفتیم اختلاف زمانی بین صاحب سلول غیر جنسی و طفل شبیه‌سازی شده موجب عدم اشتباه و تمایز بین آن‌ها می‌شود، چون این طفل شبیه صاحب سلول غیر جنسی در زمان تولدش می‌باشد نه سن الان او، پس این محاذیر تنها در شبیه‌سازی اطفال متعدد و همزاد سازی و چند قلوهای متشابه رخ می‌دهد و ثانیاً: این محاذیر تنها در فرض کثرت و شیوع و فراگیر شدن عملیات شبیه‌سازی رخ می‌دهند و

شبيه سازى به صورت محدود و موقت و در موارد خاص يقيناً اين محاذير را ندارد، پس اين دليل اخص از مدعا خواهد بود.

تقريب دوم: شبيه سازى موجب تحقق مفاستى در جامعه مى شود كه شارع مقدس راضى به آن نىست. لازمه شبيه سازى نابود شدن نهاد خانواده و از بين رفتن اصل ازدواج است كه شارع مقدس همواره بر آن تأكيد كرده و اساسى ترين نهاد اجتماع است. اگر هر كس بتواند به سادگى انسانى را شبيه سازى كند، ديگر براى تشكيل خانواده و داشتن فرزند و توليد نسل نيازى به ازدواج و تحمل مشكلات آن نخواهد داشت، بلكه از راه شبيه سازى بچه دار مى شود و بدون ازدواج به مقصود خود خواهد رسيد، در نتيجه نهاد ازدواج و خانواده از بين مى رود و افرادى كه به اين روش متولد شوند، زير چتر خانواده تربيت و پرورش نمى يابند و نوعاً افراد شروى تربيت شده و وارد جامعه خواهند شد و اين امور از مفاستى هستند كه شارع مقدس هرگز به تحقق آنها راضى نخواهد بود.

آيت الله مكارم شيرازى در اين باره مى گويد:

«اگر اين باب مفتوح شود كه از شبيه سازى فرزندان

متولد شوند، در اين صورت ممكن است مسأله ازدواج

که یک امر طبیعی است، تدریجاً برچیده شود و نظام خانوادگی مختل گردد و بسیاری از زنان بی شوهر شوند یا زنی از وجود خودش باردار شود که ظاهراً مادر و فرزند هستند؛ ولی به یک معنا دو قلو هستند، اخلاق در سطح جهان این عمل را نمی پذیرد؛ زیرا باعث اضمحلال نظام خانواده در جوامع بشری می شود»^۱.

اشکال شده که این تقریب فی الجمله تمام است؛ ولی چنین نیست که شبیه سازی همیشه موجب تحقق این مفاسد در اجتماع شود؛ چون دواعی و انگیزه های دیگر برای تشکیل خانواده؛ مانند تکامل روحی، انس و الفت و... وجود دارند و انگیزه های ازدواج محدود و منحصر به تولید نسل و فرزندار شدن نیست تا شبیه سازی افراد را بی نیاز از ازدواج کند، و نیز عملیات شبیه سازی به اندازه ای آسان و فراگیر نخواهد بود تا مورد رغبت عمومی و نوعی همه مردم واقع شود.

تقریب سوم: عملیات شبیه سازی به خودی خود محدودی ندارد؛ ولی چون انجام آن هنوز مراحل تحقیقاتی و آزمایشی خود را طی می کند. با خطرات متعددی برای انسان ها همراه خواهد بود،

همان گونه که در مورد شبیه سازی حیوانات، حیوانات شبیه سازی شده دچار پیری زودرس بودند و بیشتر آن ها دارای بیماری های ژنتیکی بوده و پس از مدتی مرده اند، شبیه سازی انسانی هم با خطراتی از این قبیل روبه رو است، به همین خاطر در کشورهای اروپایی قوانینی جهت جلوگیری از شبیه سازی انسانی و حتی تحقیقات در این زمینه وضع کرده اند و بیشتر این آزمایشات را در کشورهای جهان سوم انجام می دهند، در نتیجه چون خطرات این عملیات به گفته خود دانشمندان زیاد است، حکومت اسلامی و حاکم شرع برای حفظ مصلحت مسلمانان باید از شبیه سازی انسان جلوگیری کند و آن را حرام اعلام نماید، همان گونه که بسیاری از فقها به خاطر خطرات و زیان های احتمال زیاد حکم به حرمت معاملات هرمی نموده اند.

تقریب چهارم: عملیات شبیه سازی مستلزم محرماتی؛ مانند نظر حرام، لمس حرام و... می باشد و به خاطر این ملازمات و مقارنات گرچه به خودی خود حرمتی نداشته باشد، حرام خواهد شد.

البته این تقریب در صورتی است که متصدی عملیات شبیه سازی غیر خود زن و شوهر باشند، همچنین اگر حرمت

شبیه سازی به خاطر این ملازمات باشد با عروض عناوینی چون اضطرار و حرج و جریان قاعده لاضرر و لا حرج می توان حرمت آن ها را منتفی نمود.

نتیجه بحث این که به نظر نگارنده چون شبیه سازی همیشه مستلزم از بین رفتن هویت و نسب اشخاص شبیه سازی شده و در برخی موارد هم مستلزم محاذیری چون اختلال نظام و بی نظمی در جامعه و از بین رفتن نهاد ازدواج و خانواده خواهد شد حرام می باشد، البته تا زمانی که نتایج علمی و پژوهش های دانشمندان در این زمینه قطعی نشده و همه جوانب و پیامدهای آن روشن نشده است، شتاب زدگی در صدور حکم قطعی شایسته نیست.

نظرات فقها و مراجع معظم تقلید پیرامون حکم تکلیفی شبیه سازی انسان:

۱. آیت الله سیستانی:

«اصل این عمل فی حد ذاته حرام نیست؛ ولی با توجه به مفاسد و خطراتی که ممکن است بر آن مترتب شود؛ ولی امر می تواند از آن منع کند و در این صورت

حرام خواهد شد»^۱.

۲. آیت الله تبریزی:

«شبیه سازی انسان چون موجب هرج و مرج در جامعه و از بین رفتن نسب و حقوق انسان ها می شود، جایز نیست»^۲.

۳. آیت الله فاضل لنکرانی:

«دلیل بر حرمت این عمل به حسب عنوان اولی به نظر نرسیده است گرچه به حسب عناوین ثانویه اشکال دارد»^۳.

۴. آیت الله سید حسن مرتضوی:

«شبیه سازی انسان به عنوان اولی جایز است؛ ولی چون مستلزم مفاسد و محاذیری در جامعه خواهد شد به عنوان ثانوی حرام می باشد»^۴.

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، Sistani.org

۲. صراط النجاه، ج ۹، ص ۲۸۶.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله فاضل لنکرانی، بخش استفتانات

lankarani.com

۴. دیدگاه های اسلام در پزشکی، ص ۳۱.

۵. آیت الله شبیری زنجانی:

«شبیه سازی انسان جایز نیست»^۱.

۶. آیت الله سید کاظم حائری:

«شبیه سازی فی حد نفسه حرام نیست، بلکه از جهت لوازم مترتب بر آن نظیر اختلال نظام و هرج و مرج در جامعه از جهت عدم تشخیص ظالم از مظلوم و محرم از نامحرم و... حرام می باشد»^۲.

۷. آیت الله صافی گلپایگانی:

«اگر مستلزم خلاف شرع نباشد بنفسه اشکال ندارد، گرچه بهتر است این موضوعات که ظاهراً هنوز هم در دست تحقیق و تجربه است، پس از تحقیق کامل موضوع در خارج و ابتلاء به آن حکم آن ها مورد سؤال واقع شود»^۳.

۸. آیت الله مکارم شیرازی:

«این کار ذاتاً از نظر شرع اشکالی ندارد؛ ولی با توجه

۱. استفتاء از دفتر آیت الله زنجانی.

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله حائری، alhaeri.org.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله صافی گلپایگانی Safi.ir.

به مشکلات جنبی که به بار می‌آورد و جامعه انسانی را مواجه با هنجاری‌هایی می‌سازد که بر اهل خبره پوشیده نیست، انجام آن خالی از اشکال نیست، به همین جهت حتی افرادی که پایبند به دین و شریعت نیستند به خاطر مفاسد مختلف آن به مخالفت با آن برخاسته‌اند و در بعضی از کشورها مجازات سنگینی برای آن قائل شده‌اند»^۱.

۹. آیت الله سید محمد سعید حکیم:

«این کار جایز است؛ ولی بایستی با حرام خارجی مواجه نگردد؛ همانند نگاه کردن به آن چیزی که نظر کردن بر آن حرام است»^۲.

۱۰. آیت الله هاشمی شاهرودی:

«عملیات شبیه‌سازی فی حد نفسه جایز است»^۳.

۱۱. آیت الله موسوی اردبیلی:

«اگر چه شبیه‌سازی در مورد انسان تا کنون به مرحله عمل نرسیده است؛ ولیکن دلیل قوی و محکمی بر

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی makarem.ir.

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله حکیم، al-hakeem.com.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی شاهرودی، hashemi-shahrودي.org.

حرمت چنین تحقیقات و آزمایشاتی وجود ندارد».

۱۲. آیت الله فیاض:

«شبیه سازی به لحاظ عنوان اولی اشکالی ندارد ولی تحقق آن در خارج موجب تحقق مفاسدی مثل اختلال نظام و بر هم زدن توازن و تعادل جامعه خواهد شد، لذا از این جهت جایز نیست»^۲.

مقام سوم: احکام وضعی و برخی از احکام تکلیفی مترتب بر شبیه سازی انسانی

با قطع نظر از حکم تکلیفی شبیه سازی انسانی که ما در آن قائل به حرمت شبیه سازی شدیم، پس از تحقق این عملیات و تولد طفل شبیه سازی شده، احکام مختلف وضعی و تکلیفی متوجه این طفل شبیه سازی شده می شود که در ضمن اموری مورد بحث و بررسی قرار می گیرد:

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله موسوی اردبیلی، بخش استفتانات

ardebili.com

۲. المسائل المستحدثة، ص ۱۸۷.

الف) انتساب طفل شبيه سازى شده

پدر و مادر اين طفل متولد شده از راه عمليات شبيه سازى چه كسى مى باشد؟ آيا اين طفل نسبت خويشاوندى با ديگران پيدا مى كند يا خير؟

در رابطه با انتساب طفل شبيه سازى شده بايد در دو ناحيه انتساب به پدر و مادر جداگانه بحث شود.

انتساب از ناحيه پدر:

عرفاً پدر به كسى گفته مى شود كه فرزند متكوّن از نطفه و اسپرم او باشد و در صدق مفهوم پدر تكون از ماء الرجل (اسپرم مرد) معتبر مى باشد و مجرد به وجود آمدن و نشوء و مصدرىّت براى تحقق فرزند كافى نمى باشد، پس در شبيه سازى انساني كه فرض اين است فرزند از سلول غير جنسى به وجود مى آيد مفهوم پدر صادق نخواهد بود، بر خلاف بحث تلقيح مصنوعى كه در آن جا چون اسپرم مرد دخالت داشت در تحقق انتساب از ناحيه پدر مشكلى وجود نداشت، نتيجه اين كه طفل شبيه سازى شده منتسب به پدر نمى باشد.

شاهد آن، اين كه اگر سلول غير جنسى از بدن زن گرفته بشود،

نمی توان ملتزم شد که این زن، پدر طفل شبیه سازی شده حساب می شود، همچنین در برخی از روایات درباره خلقت حضرت حواء آمده است که تکون ایشان از ضلع حضرت آدم بوده است و این موجب صدق عنوان پدر و فرزند می شود، پس آنچه در مفهوم عرفی و شرعی پدر بودن، معتبر است، تنها تکون از سلول جنسی و اسپرم مرد می باشد.

اشکال شده که اسپرم مرد همانند بذری است که منشأ تولد طفل می شود و همین ملاک در شبیه سازی و تکون از سلول غیر جنسی هم وجود دارد و سلول غیر جنسی همانند بذری است که منشأ تولد طفل می شود و مجرد این که در اعصار گذشته چنین امری متعارف و معهود نبوده، مانع صدق عنوان پدر بودن نمی شود و عنوان عرفی پدر انحصار در مصادیق متعارف آن پیدا نمی کند، بلکه به لحاظ ملاک آن، شامل هر دو خواهد شد.

پاسخ این اشکال این است که به حسب مفهوم عرفی و ادله شرعی؛ قوام مفهوم ولدیت در تکون از اسپرم و سلول جنسی است، پس بر صاحب سلول غیر جنسی پدر گفته نمی شود.

انتساب از ناحیه مادر:

در بحث تلقیح مصنوعی که اسپرم مرد و تخمک زن در خارج رحم تلقیح شده و سپس به رحم زن منتقل می‌شود، گفته شده است که اگر زن صاحب تخمک و صاحب رحم یک نفر باشد، مشکلی در تحقق انتساب به مادر نداریم؛ ولی اگر صاحب تخمک و صاحب رحم دو نفر باشند، بستگی دارد که مبنای ملاک در مادر بودن را چه چیز بدانیم، همان گونه که در مباحث آینده مطرح می‌شود.^۱

نظریه برگزیده این است که ملاک مادری به صاحب رحم بودن است و مادر، زنی است که طفل از او به دنیا می‌آید؛ ولی مبنای دیگر این است که ملاک صاحب تخمک بودن است و مادر، زنی است که تخمک از او گرفته شده است. این شقوق مسأله در بحث تلقیح مصنوعی است، ولی در بحث شبهه‌سازی انسانی اگر ملاک مادری را صاحب رحم بودن بدانیم - همان گونه که ما برگزیدیم - مادر طفل شبهه‌سازی شده، همان زنی است که طفل از او زاییده و متولد می‌شود و در این صورت مشکلی از ناحیه انتساب به مادر نخواهیم داشت؛ ولی اگر ملاک مادری را صاحب تخمک بدانیم،

در بحث شبیه سازی نمی توان حکم به مادر بودن صاحب تخمک کرد؛ چون همان گونه که گذشت در شبیه سازی تخمک زن خالی شده و هسته آن را که حاوی ۲۳ کروموزوم است بیرون می آورند و تمام ۴۶ کروموزوم و ویژگی های ژنتیکی از سلول غیر جنسی به جنین منتقل می شود و تخمک تأثیری در تکون طفل ندارد و نقش پوسته و غشاء را برای هسته سلول غیر جنسی ایفاء می کند بر خلاف تلقیح مصنوعی که طفل متکون از اسپرم مرد و تخمک زن بود و هر دو تأثیر گذار بودند؛ ولی در شبیه سازی، تخمک زن خالی شده و تأثیری در تکون طفل نخواهد داشت، در نتیجه نمی توان حکم به انتساب طفل به زن صاحب تخمک را نمود؛ چون در صدق مفهوم مادری طبق این مبنا دو امر معتبر است: یکی ارائه تخمک و دیگری نقش داشتن تخمک در خاصه های ژنتیکی فرزند و این امر دوم در شبیه سازی منتفی است، پس این طفل شبیه سازی شده همان گونه که فاقد پدر است، انتساب به مادر هم نخواهد داشت و به دنبال آن، هیچ انتساب خویشاوندی هم پیدا نمی کند.

استثنائاتی در بحث نسب

نکته: آیا در صورت عدم ثبوت انتساب از ناحیه پدر و مادر،

تمام احکام پدری و مادری منتفی خواهد شد یا خیر؟ گفته شده با فرض عدم انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر و مادر، نسبت به احکام پدری و مادری استثنائاتی وجود دارد که در ادامه خواهد آمد:

۱. ربیبه بودن طفل دختر شبیه سازی شده برای شوهر:

اگر سلول تلقیح یافته در رحم زن قرار بگیرد و ملاک در مادری را صاحب رحم بودن بدانیم، این طفل بچه این زن حساب می شود و انتساب به مادر پیدا می کند. حال این طفل شبیه سازی شده اگر دختر باشد ربیبه شوهر این زن حساب می شود و از باب صدق عنوان ربیبه با شوهر او محرم می شود، گر چه این دختر از شوهر قبلی این زن نباشد و پس از ازدواج با این شوهر به واسطه عملیات شبیه سازی متولد بشود به خاطر اطلاقی که در ادله حکم ربیبه بودن وجود دارد، حکم به ربیبه بودن این دختر برای شوهر می شود؛ چون عنوان: ﴿رَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ﴾ دخترانی که در خانه های شما پرورش یافته اند^۱، صدق می کند و این عنوان اطلاق دارد خواه دختر از شوهر قبلی زن باشد یا نباشد، پس اگرچه این طفل دختر

شبیه سازی شده، انتساب به پدر ندارد، ولی از باب ریبیه شدن با او محرم خواهد شد.

۲. مادر رضاعی شدن برای طفل شبیه سازی شد:

اگر در ناحیه مادر، عنوان مادری و انتساب به مادر محقق نباشد، گفته شده^۱ از راه ادله رضاع می توان حکم به مادر رضاعی شدن زن، برای طفل شبیه سازی شده نمود؛ یعنی اگر ملاک مادری را صاحب تخمک بودن بدانیم، زنی که طفل شبیه سازی شده از او متولد شده و صاحب رحم است، هیچ انتسابی با او پیدا نمی کند و عنوان (أم) بر او صادق نیست؛ ولی ممکن است از جهت ادله رضاع حکم به مادری و محرمیت شود؛ چون در باب رضاع گفته شده است اگر نوزاد به عدد معینی از زنی شیر بخورد به گونه ای که صدق کند که بر اثر شیر خوردن، گوشت او روئیده است یا استخوان او محکم شده است، موجب تحقق محرمیت رضاعی می شود، پس به طریق اولی و اولویت قطعی باید در شبیه سازی که طفل نه ماه در رحم زن، تغذیه می کند و رشد می کند، محرمیت رضاعی محقق شود، بنابراین، زن صاحب رحم، مادر رضاعی این

طفل حساب شده و احکام محرمیت و حرمت نکاح بار خواهد شد.

اشکال می شود که موضوع محرمیت از راه رضاع، مطلق تغذی و رشد نمی باشد، بلکه شرایط تعبّدی دیگری، مانند شیر دادن از طریق مکیدن، ولادت شرعیّه و... در محرمیت رضاعی معتبر می باشد، در نتیجه تمام ملاک تغذی و رشد نوزاد نمی باشد تا بتوان حکم به محرمیت طفل شبهه سازی شده نمود.

۳. حرمت نکاح:

یکی از موارد استثناء از احکام نسب، حرمت نکاح عنوان شده است؛ یعنی گرچه انتساب به پدر و مادر در مورد طفل شبهه سازی شده منتفی است، ولی حکم حرمت ازدواج بار می شود و آن زن و شوهر که سلول غیر جنسی و تخمک از آن ها گرفته شده است، حق ازدواج با این طفل شبهه سازی شده را ندارند؛ مانند ولد الزنا که گرچه نسب در مورد او قطع شده است و دختر متولد شده از زانی رابطه دختری با او ندارد، ولی ازدواج با او حرام است و در محل بحث هم اگر فرض شود سلول غیر جنسی از مردی گرفته شود و دختری متولد شد، گرچه نسبت و رابطه دختر و پدری منتفی است،

ولی حرمت نکاح ثابت است.

همچنین در جانب مادر اگر پسری متولد شود، گرچه رابطه و نسب مادری صادق نیست، ولی حرمت نکاح ثابت خواهد بود. دلیل حرمت نکاح در ولد الزنا این است که گرچه در باب زنا ولدیت و نسبت شرعی نفی شده است، ولی نسبت عرفی ثابت است و حرمت نکاح تابع صدق عنوان نسب عرفیه است، پس با صدق عنوان نسبت عرفی، ازدواج حرام می شود.

ولی اشکال این است که در بحث شبیه سازی، نسبت عرفیه هم صادق نیست، چون بیان شد که به حسب فهم عرفی در مفهوم پدر تکون از اسپرم مرد أخذ شده است و عرفاً ولد به کسی گفته می شود که از ماء الرجل (اسپرم مرد) به وجود آمده باشد، در نتیجه با انتفاء نسب شرعاً و عرفاً وجهی برای حرمت نکاح نخواهد بود.

۴. ارث:

اگر طفل شبیه سازی شده منتسب به پدر و مادر نباشد، همان گونه که نظر برگزیده نیز همین است، طبعاً این طفل از کسی ارث نخواهد برد، چون منتسب به کسی نمی باشد، ولی اگر انتساب و صدق عنوان فرزندی را پذیرفتیم در این صورت نیز ارث بردن طفل

شبهه سازی شده مطلق و در همه حالات نمی باشد، بلکه شرطی دارد و آن این که تولد این طفل شبهه سازی شده در زمان حیات پدر و صاحب سلول غیر جنسی یا مادر او باشد، ولی اگر تولد او پس از موت مورث اتفاق بیفتد به این که سلول تلقیح یافته را در آزمایشگاه نگهداری کنند و پس از مردن مورث او را در رحم قرار داده تا متولد شود، در این صورت طفل شبهه سازی شده ارث نمی برد و در حقیقت استثنایی است بر احکام نسب، یعنی همه احکام نسب ثابت است به غیر از ارث بردن او.

دلیل این حکم این است که یکی از شرایط ارث فرزندی، تولد او پیش از موت مورث است و باید وارث در زمان حیات مورث وجود داشته باشد.

مرحوم شهید اول در شرایط ارث بردن می گوید:

«إِنَّ لِلْأَرثِ أُمُورًا هِيَ شَرَايِطُ لَهُ مَوْتُ الْمَوْرَثِ وَتَقَدُّمُ

مَوْتِهِ عَلَى مَوْتِ الْوَارِثِ وَوُجُودُ الْوَارِثِ حَالَةَ الْمَوْتِ...»^۱

برای ارث بردن شرایطی هست موت مورث، تقدم موت

مورث بر موت وارث و زنده بودن و وجود داشتن وارث

هنگام موت مورث.»

در نتیجه با قبول انتساب، اگر طفل شبیه سازی شده پس از موت مورث به دنیا بیاید ارث نمی برد.

به این حکم اشکال شده است که موضوع ادله ارث فرزندان است، خواه زمان حیات پدر وجود داشته باشد یا نه، شاهد آن روایات ارث حمل و جنین است^۱ که جنین در شکم مادر ارث می برد حتی اگر هنگام ولادتش مورث مرده باشد و لازم نیست ولادت فرزند پیش از موت مورث باشد، بلکه موضوع ارث، فرزند بودن به هر یک از مراتبش اعم از نوزاد، جنین، علقه و نطفه می باشد و مهم این است که بعداً تبدیل به ولد و فرزند شود، پس حتی اگر ولادتش پس از موت مورث باشد، فرزند ارث می برد.

مرحوم شهید اول می گوید:

«ولا يشترط حيّاته عند موت المورث فلو كان نطفة

ورث إذا انفصل حياً^۲؛ در ارث بردن فرزند زنده بودن او

هنگام موت مورث شرط نمی باشد، بلکه اگر هنگام موت

۱. «سمعت أبا عبد الله يقول: في السقط إذا سقط من بطن أمة فتحرك تحركاً بينا

يرث ويورث»، الكافي، ج ۷، ص ۱۵۵، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۳۲، باب ۷ «أن

الحمل يرث».

۲. الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۳۵۵.

مورث نطفه هم باشد ارث خواهد برد اگر بعداً زنده متولد شود».

و در محل بحث ما در شبهه سازی گرچه در زمان موت مورث ولادت اتفاق نیفتاده است، ولی سلول تلقیحی که منشأ تحقق فرزند است در آزمایشگاه موجود بوده است و همین که منشأ تحقق فرزند وجود داشته که قابلیت تحقق و تولد فرزند در آینده را دارد برای ارث بردن کافی است، پس طفل شبهه سازی شده حتی اگر پس از موت مورث متولد شود نیز ارث خواهد برد.

در رد این اشکال گفته می شود:

اولاً: موضوع در روایات ارث حمل، جنین و نطفه ای است که در رحم قرار داده شده است نه نطفه ای که هنوز داخل رحم و بطن مادر نشده است. روایات می گویند: جنینی که در رحم مادر است اگر بعد از موت مورث به دنیا بیاید ارث می برد نه مطلق ولد و نطفه گرچه در رحم مادر هنوز وارد نشده است.

ثانیاً: روایات ارث حمل بر خلاف قاعده اولیه است، چون طبق قاعده و ادله اولیه ارث، وارث باید در زمان موت مورث وجود داشته باشد و زنده باشد و این که جنین در رحم مادر که پس از موت مورث متولد شود ارث می برد، حکم بر خلاف قاعده و به

مقتضای نصوص خاصّه است، همان گونه که محقق اردبیلی می گوید:

«فلو لم تكن الأدلة على إرث الحمل مقتضي القاعدة
عدم توريثه؛^۱ اگر دلیل خاص بر ارث حمل نداشتیم
مقتضای قاعده این بود که به جنین ارث نمی رسد».

و در حکم بر خلاف قاعده باید أخذ به قدر متیقن نمود و آن
نطفه و جنینی است که در رحم مادر می باشد. بنابراین، طفل
شبیه سازی شده که در زمان موت مورث، سلول تلقیح یافته ای در
آزمایشگاه بوده است و پس از موت مورث به دنیا آمده است، ارث
نمی برد.

۵. سیادت طفل شبیه سازی شده:

مورد دیگری که در آن تشکیک شده و احتمال استثناء از احکام
نسب در آن وجود دارد بحث سیادت طفل شبیه سازی شده است،
اگر صاحب سلول غیر جنسی سید و هاشمی بود آیا این سیادت
برای طفل شبیه سازی شده از آن سلول هم ثابت است یا نه؟
وجه ثبوت سیادت و جواز أخذ خمس و عدم جواز أخذ زکات

۱. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۱، ص ۵۴۷.

این است که برای تحقق سیادت، انتساب از ناحیه پدر لازم است و تحقق سیادت دائر مدار این است که مردی که طفل به او منتسب است هاشمی باشد و در شبهه سازی اگر تکون از سلول غیر جنسی را کافی برای انتساب به پدر بدانیم، سیادت و هاشمی بودن هم برای این طفل ثابت خواهد شد، البته ما که انتساب از ناحیه پدر را قبول نکردیم، سیادت را نیز ثابت نمی دانیم.

اشکال شده که حتی اگر انتساب از ناحیه پدر را در شبهه سازی پذیرفتنی باشد، سیادت طفل ثابت نمی شود، چون در تحقق سیادت، افزون بر انتساب، شرافت نسبی نیز معتبر است، پس باید نسب از راه متعارف و مشروع در شریعت تحقق پیدا کند تا سیادت شخص ثابت شود، و برخی از فقها در رابطه با ولد الزنا گفته اند سیادت او ثابت نمی شود، چون چنین شخصی شرافت از جهت نسب ندارد.

در رد این اشکال می توان گفت برای تحقق عنوان سیادت، چیزی غیر از انتساب معتبر نمی باشد و دلیلی بر اخذ شرافت نسب در مفهوم سیادت نداریم.

نظرات مراجع معظم تقلید پیرامون نسب طفل

شبیه سازی شده:

مرحوم آیت الله تبریزی:

«بر طفل شبیه سازی شده احکام ولد شرعی و انتساب به پدر و مادر و میراث و نفقه و... مترتب نخواهد شد»^۱.

آیت الله سید کاظم حائری:

«پدر عرفاً به صاحب سلول جنسی گفته می شود و در شبیه سازی که سلول جنسی وجود ندارد، انتساب به پدر ثابت نمی باشد و این طفل شبیه سازی شده فقط به مادر که صاحب تخمک می باشد منتسب است»^۲.

آیت الله شبیری زنجانی:

«طفل شبیه سازی شده به هیچ کس منتسب نیست»^۳.

آیت الله مکارم شیرازی:

«این بچه نه پدری دارد (چون از نطفه مرد نیست) و

۱. صراط النجاة، ج ۹، ص ۲۸۶.

۲. الفتاوی المتخبه، ص ۲۴۵.

۳. استفتاء از دفتر معظم له.

نه مادری (چون ترکیب نطفه نیست) و نه خواهری دارد و
نه برادری و نه منتسب به فامیل و از هیچ کس ارث
نمی برد»^۱.

ب) طفل شبیه سازی شده محکوم به چه دینی است؟

اسلام دو نوع است: اصلی و تبعی. اسلام اصلی؛ یعنی شخص
بالغ و عاقل، شهادتین را بگوید و اقرار به اسلام کند، چنین
شخصی مسلمان حقیقی است. اسلام تبعی نیز عبارت است از
این که خود شخص اقرار به شهادتین نکرده است ولی به تبع پدر و
مادر مسلمانش محکوم به اسلام می شود.

مدرک اسلام تبعی روایت حفص بن غیاث و روایات دیگر باب
است. در روایت حفص این گونه آمده است:

«سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل من اهل الحرب اذا

اسلم في دار الحرب فظهر عليه المسلمون بعد ذلك

فقال إسلامه إسلام لنفسه ولولده الصغار»^۲؛ اسلام

۱. کتاب نکاح، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۱۷.

شخص، اسلام خود او و بچه هایش حساب می شود.

صاحب جواهر می گوید:

«حکم الطفل ذكراً أو أنثى تابع لأبويه في الإسلام والكفر بلا خلاف أجده فيه بل الاجماع بقسميه عليه مضافاً إلى إمكان القطع به من السنة^۱؛ طفل پسر یا دختر در اسلام و کفر تابع پدر و مادر خود می باشد و در این حکم هیچ اختلافی نیافته ام، بلکه اجماع محصل و منقول بر آن دلالت دارد، همچنین امکان قطع به این حکم از روایات هم وجود دارد».

اسلام تبعی شامل همه فرزندان حتی جنین در رحم مادر پس از ولوج روح هم می شود و به همین خاطر در بحث سقط جنین گفته شده است که دیه جنین پس از ولوج روح حکم قتل مؤمن را دارد، ولی پیش از ولوج روح، قتل مؤمن صادق نیست.

در بحث شبیه سازی نیز اگر انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر و مادر را بپذیریم، طفل شبیه سازی شده تابع اشرف الابوین است، یعنی اگر یکی از آنها مسلمان بود، این طفل هم مسلمان می شود؛ ولی اگر انتساب به پدر و مادر را نپذیریم، این طفل تابع

دین پدر و مادر نمی‌شود و عناوین مسلمان و کافر تبعی هیچ کدام صدق نمی‌کند، در نتیجه طفل متولد شده حکم به اسلام و کفر او وارد نیست.

ممکن است گفته شود در مورد طفل شبهه‌سازی شده گرچه انتساب به پدر و مادر نداشته باشد؛ ولی تبعیت عرفیه از آن‌ها در مورد او صادق است، پس به خاطر همین تبعیت عرفیه، تبعیت از دین آن‌ها هم پیدا می‌کند و اسلام تبعی در مورد او ثابت می‌شود، همان گونه که در مورد طفل اسیر در صورتی که به همراه والدین نباشد، ممکن است گفته شود تابع دین اسیر کننده مسلمان می‌شود، چون تبعیت عرفیه نسبت به او پیدا می‌کند.

ولی اشکال می‌شود که دلیل اسلام تبعی تنها در مورد ولادت از مسلمان آمده است و نسبت به جایی که ولادت صادق نیست، گرچه تبعیت عرفیه وجود داشته باشد، دلیلی بر تبعیت در دین وجود ندارد و موضوع اسلام تبعی، ولادت شرعی می‌باشد نه تبعیت عرفیه، در نتیجه طفل شبهه‌سازی شده در فرض عدم قبول انتساب به پدر و مادر، طفلی می‌شود که نه مسلمان است و نه کافر، بلکه حالت سومی است و این پرسش مطرح می‌شود که آیا احکام اسلام، مانند حفظ نفس و مال و دم و... بر او بار می‌شود یا

احکام کافر بر او مترتب می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید
بینیم موضوع آن احکام در ادله چیست؟

محقق همدانی در رابطه با تصرف در اموال و محترم بودن مال
اشخاص می‌گوید:

«تصرف در مال دیگری مصداق ظلم است و حرام و
قبیح می‌باشد و فقط در جایی که شارع اجازه داده است و
سلب احترام از مال نموده است تصرف جایز است و آن
در جایی است که محرز شود مال، ملک کافر حربی
است که در این مورد شارع مقدس از مال او سلب احترام
کرده است».

ولی در موارد مشتبّه مثل اموال طفل شبیه‌سازی شده که احراز
عنوان نشده است، پس اموال آن‌ها محترم است و حکم به عدم
جواز تصرف می‌شود.

نسبت به نفوس و حرمت جان و نفس هم به طریق اولی این
حکم جاری می‌شود. در نتیجه طفل شبیه‌سازی شده، گرچه
موضوعاً مسلمان حساب نشده؛ ولی قتل و ایذاء و تصرف در مال
او حرام است و عملاً احکام اسلام بر او بار می‌شود، چون احراز
کفر و الغاء احترام او نشده است؛ ولی در احکامی، مانند نجات

جان مسلمان بر دیگران چون موضوع مسلمان است و احراز عنوان مسلمان بر او نشده است، لذا نجات جان او بر دیگران واجب نیست.

به فرمایش محقق همدانی اشکال شده که در روایات موضوع حفظ نفس و مال، مسلمان حقیقی است و اسلام با اقرار به شهادتین حاصل می شود و این احکام بر عنوان اسلام مترتب می شود، پس باید در ترتیب آن ها احراز اسلام شخص بشود. مال و جان و عرض شخص مسلمان محترم است و طبعاً این روایات از شخص غیر مسلمان الغاء احترام می کند و احترام مال و جان را منحصر به شخص مسلمان می کند، پس همان گونه که نسبت به کافر الغاء احترام می شود، نسبت به شخص مشتبّه و مشکوک هم که اسلام او احراز نشده است نیز سلب احترام خواهد شد.

در موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام آمده است:

«...الإسلام شهادة أن لا إله إلا الله والتصديق برسول

الله صلی الله علیه و آله به حققت الدماء وعليه جرت المناكح

والمواريث و على ظاهره جماعه الناس؛ اسلام شهادت

به وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

است و با آن جان انسانی محترم و حفظ می شود. وارث و نکاح بر آن استوار است».

در نتیجه نسبت به طفل شبیه سازی شده نیز با عدم حکم به اسلام تبعی او احکام اسلام از قبیل حفظ نفس و مال و... بار نخواهد شد.

(ج) حکم ارتداد طفل شبیه سازی شده:

اگر طفل شبیه سازی شده پس از بلوغ اظهار کفر کرد، احکام مرتد فطری بر او بار می شود یا مرتد ملی؟

مرتد فطری: کسی است که از پدر یا مادر مسلمان متولد شود و پس از بلوغ ابتدا اظهار اسلام کند و سپس کافر شود. چنین شخصی از فطرت خود که اسلام بوده رجوع کرده است. مرتد فطری به محض ارتداد زنش از او جدا می شود و مالش هم بین ورثه تقسیم می شود و از طرف حاکم شرع به اعدام محکوم می گردد و توبه او هم پذیرفته نمی شود.

مرتد ملی: شخصی است که پدر و مادر او کافر بودند و پس از بلوغ اظهار اسلام کرده و سپس دوباره کافر شود. چنین شخصی باید توبه کند اگر توبه کرد آزاد می شود و اگر توبه نکرد از طرف

حاکم شرع به اعدام محکوم می گردد.

حال طفل شبیه سازی شده اگر پس از بلوغ کافر شود مرتد ملی

حساب می شود یا فطری؟

اگر اسلام تبعی این طفل را پذیرفتیم و گفتیم به خاطر انتساب به پدر و مادر از آن ها تبعیت در اسلام می کند، اگر پس از بلوغ اظهار کفر نماید، احکام مرتد فطری بر او بار خواهد شد، ولی اگر اسلام تبعی به خاطر عدم انتساب به پدر و مادر در مورد او ثابت نشود در این جا دو احتمال وجود دارد، چون در مورد ملاک ارتداد فطری دو مبنا وجود دارد: یک مبنا این است که ملاک ارتداد فطری، تولد از پدر و مادر مسلمان است لذا طبق این ملاک باید بگوییم چون این طفل شبیه سازی شده انتساب به پدر و مادر مسلمان ندارد، نسبت به او ارتداد فطری نیز صادق نخواهد بود.

مبنای دیگر در ارتداد فطری این است که ملاک، تبعیت عرفیه و رشد در خانواده مسلمان می باشد و این که بین مسلمان ها زندگی کرده باشد. اگر ملاک ارتداد فطری این باشد، این طفل شبیه سازی شده گرچه انتساب به پدر و مادر مسلمان ندارد، ولی چون در خانواده مسلمان زندگی کرده و با آن ها رشد نموده و سپس اظهار کفر کرده است، می توان حکم به ارتداد فطری او نمود. بنابراین،

موضوع ارتداد فطری مهم است.

روایات در این باب دو دسته‌اند: در یک دسته تعبیر «ولادت عن مسلم»^۱ آمده است که باید از مسلمان متولد شده باشد و در دسته دیگر تعبیر «مسلم بین مسلمین»^۲ آمده است؛ یعنی در خانواده مسلمان زندگی کند. بر اساس این دسته از روایات، تبعیت عرفیه و زندگی بین مسلمان‌ها برای ثبوت ارتداد فطری، کافی است.

در جمع بین این دو دسته از روایات گفته می‌شود که عنوان «مسلم بین مسلمین» عنوان کنایی است و اشاره به تولد از پدر و مادر مسلمان دارد؛ یعنی مسلمان‌زاده باشد و مراد همان ولادت از مسلمان و اسلام تبعی است همان‌گونه که فقها در طول تاریخ همین معنا را برداشت نموده‌اند و این عنوان شامل مواردی که

۱. روایت حسین بن سعید: «رجل ولد علی الإسلام ثم كفر وأشرك وخرج عن الإسلام هل يستتاب أو يقتل ولا يستتاب فكتب عليه يقتل». وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۳۲۵ و مرفوعه عثمان بن عیسی: «... ومن لو یولد منهم علی الفطرة فاستتبہ فإن تاب وإلا فاضرب عنقه». همان، ج ۲۸، ص ۳۳۳.

۲. روایت عمار ساباطی: «قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول كل مسلم بين مسلمين ارتد عن الإسلام وجحد محمداً ثبوته وكذبته قال دمه مباح...». من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۴۹.

انتساب شرعی به مسلمان منتفی است و تنها تبعیت عرفیه و رشد در خانواده مسلمان وجود دارد، نخواهد شد.

در نتیجه نسبت به طفل شبهه سازی شده با انتفاء ولادت و انتساب به مسلمان، نمی توان حکم به ارتداد فطری او نمود؛ چون اسلام تبعی در مورد او منتفی است.

د) نفقه و مخارج طفل شبهه سازی شده برعهده چه کسی است؟

در فقه در باب نفقات، عناوین خاص موضوع وجوب انفاق هستند؛ مانند زوجه، پدر و مادر، فرزندان و در یک مورد عنوان عام داریم که اگر بر شخص مسلمانی خوف جان و هلاکت او برود، انفاق بر او از باب حفظ نفس مسلمان بر دیگران واجب می شود.

در مورد طفل شبهه سازی شده اگر انتساب شرعی به پدر و مادر را پذیرفتیم در نتیجه عنوان (ولد) محقق می شود و داخل در باب انفاق فرزندان می شود؛ ولی اگر انتساب شرعی به پدر و مادر را نپذیرفتیم، تبعاً عنوان (ولد) صادق نمی باشد و انفاق از باب فرزند بودن واجب نمی شود، همچنین عنوان عام حفظ مسلمان و نفقه

دادن بر او از باب نجات جان مسلمان هم متوقف بر احراز عنوان مسلمان است و همان گونه که گذشت، باید احراز اسلام تبعی در مورد طفل شبیه سازی شده بشود که با انتفاء انتساب، اسلام تبعی هم ثابت نخواهد شد، در نتیجه عنوان مسلمان صادق نمی باشد.

آیت الله تبریزی در جواب استفتائی می گوید:

«احکام باب نفقه بر این ولد جاری نخواهد شد»^۱.

بله! اگر حکومت اسلامی به خاطر مصالحی، همچون حفظ نژاد انسانی خاص یا اغراض دیگر اجازه شبیه سازی انسانی را صادر کند، طبعاً مخارج و نفقه این طفل را باید از بیت المال مسلمین بپردازد و متکفل امور او، حکومت اسلامی خواهد شد.

در مورد حضانت طفل شبیه سازی شده نیز اگر انتساب شرعی به مادر را پذیرفیم، حضانت این طفل تا دو سالگی برای مادر ثابت می شود و گر نه حق حضانت ثابت نخواهد شد.

هـ) خرید و فروش سلول های تلقیحی و طفل شبیه سازی شده:

یکی از احکام وضعی در شبیه سازی، مسأله خرید و فروش و

۱. صراط النجاة، ج ۹، ص ۲۸۵.

معاملات می باشد. در فرآیند عملیات شبیه سازی در دو موضع، بحث خرید و فروش مطرح می شود:

۱. خرید و فروش سلول های تلقیحی در آزمایشگاه، زمانی که سلول غیر جنسی را با تخمک تهی شده در آزمایشگاه تلقیح می کنند، آیا می توان این سلول های تلقیحی را به متقاضیان باروری فروخت تا زن و شوهری که مشکل ناباروری دارند با خرید این سلول های تلقیحی و قرار دادن آن در رحم زن، فرزنددار شوند یا خیر؟

۲. پس از این که سلول های تلقیح یافته را وارد رحم زن کردند یا پس از تولد او آیا این جنین و طفل شبیه سازی شده را می توان فروخت؟ آیا کسانی که بچه دار نمی شوند و مشکل ناباروری دارند می توانند اطفال شبیه سازی شده را برای خود خریداری نمایند یا خیر؟

بنابراین، بحث از صحت خرید و فروش و معاملات در عملیات شبیه سازی باید در این دو موضع صورت بگیرد:

۱. خرید و فروش سلول های تلقیح یافته:

در رابطه با خرید و فروش سلول های تلقیحی به متقاضیان

باروری و فرزنددار شدن اشکالات سه گانه‌ای وجود دارد:

اشکال اول: سلول تلقیح یافته جزء فضولات انسانی است و انسان مالک فضولات بدن خویش نیست، پس فضولات انسانی قابل خرید و فروش نیستند، چون شرط صحت بیع، ملکیت مبیع می‌باشد.

اشکال دوم: یکی از شرایط صحت بیع، مالیت داشتن بیع است و این سلول تلقیحی مالیت و منفعت عقلانیه و عرفیه ندارد تا مردم نسبت به او بذل مال کنند؛ چون گرچه سلول‌های تلقیحی متقاضی و خواهان دارد؛ ولی منافع مقصود از او مورد منع و نهی شارع مقدس قرار گرفته است و شارع اجازه استفاده از این سلول‌ها جهت باروری و فرزنددار شدن را نداده است و شبیه‌سازی انسانی همان‌گونه که گذشت حرام می‌باشد.

در نتیجه با تحریم منفعت مقصوده آن، مالیت سلول تکثیری الغاء شده است و خرید و فروش آن به خاطر عدم مالیت مبیع، باطل می‌باشد.

اشکال سوم: سلول تلقیحی چون جزء جدا شده از بدن انسان زنده است، نجس می‌باشد و خرید و فروش اعیان نجس جایز نیست، البته در جای خود بیان شده که مجرد نجاست مانع از

صحت بیع نیست، بلکه صحت بیع تابع وجود منفعت عقلانیه می باشد. بنابراین، عمده اشکال اول و دوم است که ملکیت مبیع ثابت نیست و با تحریم شارع، منفعت و مالیت سلول های تلقیحی الغاء شده است.

بنابر آنچه گفته شد، اشکالات سه گانه نسبت به خرید و فروش سلول های تلقیحی وجود دارد، پس خرید و فروش آن جایز نمی باشد، بلکه باید معامله را به نحو هبه مشروط انجام دهند؛ یعنی در قبال رفع ید از حق اختصاص نسبت به این سلول تلقیحی پول بگیرند؛ اما چون این سلول تلقیحی مرکب از سلول غیر جنسی و تخمک است که متعلق حق اختصاص دو نفر است، پس هر دو نفر، زن و مرد باید از حق اختصاص خود رفع ید نمایند.

۲. خرید و فروش جنین و طفل شبهه سازی شده:

آیا می توان جنین شبهه سازی شده داخل رحم یا طفل شبهه سازی شده را پس از تولد به خانواده هایی که فرزنددار نمی شوند یا مراکزی که متقاضی هستند فروخت یا خیر؟

درباره صحت خرید و فروش، اشکال عمده این است که مالک شدن نسبت به موجود زنده سبب مملک می خواهد. در باب عبید و

إماء سبب ملکیت وجود دارد، ولی مالکیت نسب به انسان زنده حرّ هیچ دلیلی ندارد و کسی نمی تواند مالک انسان زنده دیگری شود و او را در معرض خرید و فروش قرار دهد و حال آن که قوام خرید و فروش و صحت بیع به مالکیت مبیع می باشد، در نتیجه چون طفل شبیه سازی شده انسان حرّ و آزادی است که ملک کسی نمی باشد، قابل خرید و فروش نیست.

همچنین هبه مشروط از باب رفع ید از حق اختصاص هم جایز نیست؛ چون هر چند پیش از تولد طفل شبیه سازی شده، حق اختصاص نسبت به سلول تلقیحی متصور بود؛ ولی پس از تولد او حق اختصاص و سلطنت نسبت به انسان زنده حرّ معقول نمی باشد و دلیلی بر حق اختصاص داشتن کسی نسبت به دیگری نداریم تا بتواند در ازای رفع ید از حق اختصاص خود، پول دریافت کند.

ی) اجاره کردن رحم برای حمل جنین شبیه سازی شده:

آیا می توان برای قرار دادن سلول تلقیح یافته و پرورش جنین شبیه سازی شده رحم زنی را اجاره نمود تا این سلول در رحم او رشد کند و از او متولد شود یا خیر؟ آیا چنین عقد اجاره ای صحیح می باشد یا نه؟

فقها در کتاب اجاره شروطی برای صحت اجاره بیان نموده‌اند و در اجاره کردن رحم برای حمل جنین شبهه‌سازی شده برخی از شروط باب اجاره وجود ندارد و به همین دلیل از جهاتی نسبت به صحت این اجاره اشکال شده است:

اشکال اول: یکی از شرایط صحت اجاره این است که عمل و منفعت مورد اجاره باید مباح باشد و عمل حرام نمی‌تواند متعلق عقد اجاره قرار بگیرد. محقق حلی در شرائع می‌گوید:

«الخامس أن تكون المنفعة مباحة فلو آجره مسكنا

ليحرز فيه خمرًا لم تنعقد الاجارة^۱؛ شرط پنجم از شرایط

صحت اجاره این است که منفعت مورد اجاره مباح

باشد، لذا اگر خانه‌ای را برای نگهداری شراب اجاره کنند

اجاره باطل است».

بنابراین، عمل حرام نمی‌تواند متعلق عقد اجاره قرار بگیرد؛

چون حرمت عمل موجب سلب مالیت از عمل می‌شود و شارع با

نهی خود از این عمل، سلب مالیت نموده است و چون ما هم در

حکم تکلیفی حرمت شبهه‌سازی را پذیرفتیم، شبهه‌سازی عمل

حرامی می‌شود، پس اجاره کردن رحم برای این عمل حرام، جایز

نیست و موجب بطلان اجاره می شود، افزون بر این که این عملیات مستلزم محرّمات دیگری همچون نظر و لمس حرام نیز می باشد.

اشکال دوم: شرط دیگر در صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره منفعت مقصوده عقلانیه ای داشته باشد که به مستأجر برگردد و عملی که هیچ نفعی برای اجیر کننده نداشته باشد، اجاره آن صحیح نیست.

مرحوم میرزا حبیب الله رشتی در کتاب اجاره می گوید:

«من شرایط الإجارة هو كون العمل ذا منفعة عائدة

إلى المستأجر؛^۱ از شرایط صحت اجاره این است که

عمل منفعتی داشته باشد که به اجیر کننده برگردد».

در اجاره رحم برای حمل جنین شبیه سازی شده، منفعتی که متصوّر است فرزندان شدن اجیر کننده است. صاحب سلول غیر جنسی رحم زنی را اجاره می کند تا این جنین شبیه سازی شده در آن رحم رشد نموده و از آن متولد شود و او فرزندان شود؛ ولی همان گونه که گذشت، این طفل به صاحب سلول غیر جنسی منتسب نمی شود و فرزند او حساب نمی شود و منفعت پدري برای او نخواهد داشت، همچنین زن صاحب تخمک نمی تواند رحم این

زن را اجاره کند چون این طفل به صاحب تخمک هم منتسب نیست؛ چون یا ملاک مادری صاحب رحم بودن است و یا اگر هم ملاک، صاحب تخمک بودن باشد، تخمک این زن نقشی در تکوّن این طفل نداشته است؛ چون هسته تخمک بیرون آورده شده و تخمک تهی شده است، بنابراین، با نفی انتساب شرعی، گویا شارع منفعت فرزندان را الغاء کرده است و به خاطر عدم وجود منفعت برای مستأجر این اجاره باطل است، مگر فرض شود کسانی غیر از صاحب سلول غیر جنسی و تخمک برای منافع دیگری غیر از فرزندان شدن، بخواهند رحم زنی را برای طفل شبهه سازی شده اجاره نمایند؛ برای نمونه شرکت های خصوصی یا پژوهشکده های علمی به جهت نیاز به اطفال شبهه سازی شده خواهان اجاره رحم باشند که برای آن ها منفعت مقصوده وجود داشته باشد در این صورت اجاره از این جهت مشکلی نخواهد داشت.

اشکال سوم: از شرایط اجاره این است که صدور عمل مورد اجاره از اجیر ممکن باشد و مزاحم با امثال تکلیف اهم و حق دیگری نباشد؛ ولی اگر عمل مورد اجاره مزاحمت با حق دیگری داشته باشد اجاره باطل است. فقها گفته اند شخص مستطیع نمی تواند اجیر برای حج دیگری شود و این اجاره باطل است یا زن

شیرده و مرضعه اگر شیر دادن او به بچه دیگری منافات با حق شوهر داشته باشد این اجاره بر شیر دادن، باطل است.

در محل بحث نیز اجاره رحم زن اجنبی برای حمل جنین شبیه سازی شده منافات با حق استمتاع شوهر او دارد؛ چون حالت زن در مدّت حاملگی به گونه ای است که موجب محدودیت شوهر در استمتاع خواهد شد و حامله شدن این زن چون مزاحم با حق دیگری است و با تکلیف اهم منافات دارد، اجاره رحم این زن برای حاملگی از این جهت باطل خواهد بود.

اشکالات دیگری در اجاره رحم وارد شده است؛ مانند این که منفعت مورد اجاره باید معلوم و مشخص باشد یا این که عمل مورد اجاره متوقف بر مقدمات حرام نباشد و... که تفصیل آن در بحث تلقیح مصنوعی آمده است^۱.

و) حفظ جنین شبیه سازی شده در رحم:

یکی از احکام تکلیفی که بر طفل شبیه سازی مترتب می شود، وجوب و عدم وجوب حفظ آن است. آیا همان گونه که حفظ جنین متعارف در رحم لازم است و هر کاری که جان جنین را به خطر

۱. تقریرات مخطوط درس خارج فقه تلقیح مصنوعی استاد شوپایی.

بندازد جایز نیست، این حکم نسبت به جنین شبهه سازی شده در رحم نیز ثابت است یا خیر؟

در رابطه با جنین متعارف، بحث در دو قسمت قابل طرح است: یکی پیش از ولوج روح و دیگری پس از آن. پس از ولوج روح تبعاً عنوان مؤمن و مسلم صادق می شود و حفظ چنین جنینی از باب حفظ مؤمن و مسلمان واجب خواهد بود و اگر کاری انجام شود که جان جنین به خطر بیفتد و از بین برود عنوان قتل مؤمن صادق خواهد بود.

حال جنین شبهه سازی شده نیز پس از ولوج روح اگر اسلام تبعی او را پذیرفتیم و گفتیم عنوان مسلمان بر او صادق است؛ این جا نیز از باب حفظ جان مؤمن و مسلمان، حفظ این جنین واجب خواهد بود؛ ولی اگر همان گونه که بیان شد، اسلام تبعی طفل شبهه سازی شده پذیرفته نشود. چون انتساب شرعی او به پدر و مادر محل اشکال است، در نتیجه بر این جنین عنوان مسلمان و مؤمن صادق نخواهد بود و طبعاً حفظ او واجب نیست.

پیش از مرحله ولوج روح آنچه در ادله داریم، حرمت اسقاط و از بین بردن نطفه است، گرچه در عنوان نطفه، أخذ از سلول جنسی و اسپرم مرد معتبر است؛ ولی پیش از این بیان شد که بر اساس

آنچه از روایات استفاده می‌شود، ملاک و علت حرمت اسقاط نطفه از بین بردن منشأ تولد انسان است، پس هر کاری که موجب از بین رفتن مبدأ نشوء انسانی شود حرام است و بر این اساس از بین بردن جنین شبیه‌سازی شده پیش از ولوج روح به مقتضای این ادله حرام است؛ ولی دلیلی بر حفظ نطفه و علقه به گونه‌ای که خودش در معرض خطر و تلف باشد نداریم و تنها از بین بردن و اسقاط آن‌ها حرام است.

بخش دوم:

شبیه‌سازی اعضای انسان

فصل اول: حکم تکلیفی شبیه‌سازی اعضای بدن

فصل دوم: احکام وضعی شبیه‌سازی عضو

فصل اول

حکم تکلیفی شبیه سازی اعضای بدن

هریک از سلول های بنیادی بدن انسان قابلیت تبدیل به همه سلول های اعضای بدن را دارند و از تمام اطلاعات ژنتیکی یک انسان کامل برخوردارند. در آزمایشگاه می توان داده های مربوط به بقیه اعضا را خاموش و رشد آن ها را متوقف نمود و تنها به داده های مربوط به یک سلول خاص، مانند قلب، کلیه و... اجازه فعالیت و رشد داد، در نتیجه از این سلول های بنیادی برای تولید یک عضو خاص از بدن می توان بهره گرفت و یکی از اعضای بدن، مانند

دست، کبد، قلب و... را ایجاد نمود تا بتوان در معالجه اعضای معیوب و پیوند اعضا از آن بهره برد. این عملیات مراحل تحقیقاتی و آزمایشی خود را سپری می‌کند و در سال ۲۰۰۶ م خبر شبیه‌سازی ساعد موش و موفقیت آن، به روش سلول‌زدایی از یک موش مرده منتشر شد.

فرضیه شبیه‌سازی اعضای بدن انسان هم در مراکز علمی و پژوهشی در حال بررسی و تحقیق است. حال اگر با پیشرفت علم در آینده این فرضیه، عملیاتی شد، حکم آن چه می‌باشد و از نظر تکلیفی آیا این عملیات جایز می‌باشد یا نه؟
دو احتمال در این مسأله داده شده است:

احتمال اول: شبیه‌سازی برای تحقق اعضای بدن جایز نیست.

و جوهی برای حرمت شبیه‌سازی گفته شده است:

وجه اول: در ساختن این عضو شبیه‌سازی شده از تخمک زن استفاده می‌شود، در حالی که این سلول ترکیبی و تلقیح یافته می‌توانست در مسیر تولد فرزند قرار بگیرد. سلول تلقیحی بنیادی قابلیت تبدیل به جنین و فرزند را داشت؛ ولی با بیرون آوردن هسته تخمک و خصوصیات ژنتیکی آن در آزمایشگاه، قابلیت تبدیل به جنین انسانی از آن گرفته شد و در حقیقت مصداق از بین بردن

نطفه قابل تبدیل به فرزند و قتل نطفه انسانی می باشد و جلوی تولد انسان کامل گرفته شده است و از بین بردن نطفه به این کیفیت از محرمات در شریعت اسلامی می باشد.

دلیل چنین وجهی موثقه اسحاق بن عمار و صحیحہ رفاعه است: در موثقہ اسحاق بن عمار این طور آمده:

«عن إسحاق بن عمار قال قلت لأبي الحسن عليه السلام المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقي ما في بطنها قال لا فقلت إنما هو نطفة فقال إنَّ أوَّل ما يخلق نطفة؛ اسحاق بن عمار می گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم زن از آبستن شدن می ترسد، دوايي می آشامد و آنچه را در شکمش دارد بیرون می اندازد حکمش چیست؟ فرمود: نه، این کار جایز نیست، اسحاق بن عمار می گوید: به امام عليه السلام گفتم آنچه زن از شکمش بیرون می اندازد نطفه است، امام عليه السلام فرمودند: آغاز خلقت انسانی نطفه است».

در صحیحہ رفاعه نیز آمده است:

«عن رفاعة قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام أشتري

الجارية فربما احتبس طمثها من فساد أو ريح في رحم فتسقي دواء لذلك فتطمث من يومها أفيجوز لي ذلك وأنا لا أدري من حبل هو أو غيره فقال لي لا تفعل ذلك فقلت له أنه إنما يرتفع طمثها منها شهراً ولو كان ذلك من حبل إنما كان نطفة الرجل الذي يعزل فقال لي أن النطفة إذا وقعت في الرحم تصير إلى علقه ثم إلى مضغة ثم إلى ماشاء الله وأن النطفة إذا وقعت في غير الرحم لم يُخلق منها شيء فلا تسسقها دواءً إذا ارتفع طمثها شهراً وجاز وقتها الذي كانت تطمث فيه؛ رفاعه می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم، کنیزی خریده‌ام گاهی به سبب بیماری در خون یا دردی که در رحم دارد، خون حیض نمی‌بیند، پس دارویی می‌خورد و همان روز حیض می‌شود، آیا این کار جایز است در حالی که من نمی‌دانم حیض نشدن او به سبب حاملگی است یا به سببی دیگر؟ امام عليه السلام به من فرمودند: این کار را نکن. عرض کردم فقط یک ماه از حیض او گذشته است اگر حامله هم باشد، تنها نطفه‌ای است در شکم مثل نطفه مردی که در بیرون از رحم می‌ریزد، ایشان فرمودند: نطفه هر گاه در

رحم قرار بگیرد به علقه تبدیل می شود و بعد به مضغه و سپس به مراحل بعدی می رسد که خدا مقرر ساخته است؛ ولی از نطفه ای که بیرون بریزد چیزی خلق نمی شود، پس هر گاه یک ماه از حیض او به تاخیر افتاد، و وقت عادت جدیدش گذشته باشد، دارویی به او مخوران».

از این روایات استفاده می شود که مبدأ تحقق ولد، نطفه است و از بین بردن آن و یا انجام عملیاتی در آن به گونه ای که قابلیت تبدیل به فرزند را از دست بدهد حرام است و از بین بردن سلول ترکیب شده از راه شبیه سازی که قابلیت تحقق فرزند را داشت؛ ولی اکنون با انجام تغییرات در او به تحقق عضو می انجامد، حرام می باشد و در نتیجه شبیه سازی عضو جایز نمی باشد.

به این دلیل اشکال می شود که مورد این دو روایت، اسقاط نطفه واقع شده در رحم است؛ یعنی اگر نطفه در رحم قرار بگیرد، از بین بردن و جلوگیری از تولد فرزند حرام است؛ ولی در بحث شبیه سازی عضو، نطفه هنوز در رحم قرار داده نشده است و در آزمایشگاه سلول غیر جنسی با تخمک زن ترکیب شده که اگر در رحم قرار بگیرد، می تواند مسیر تولد جنین را ادامه دهد؛ ولی در

آزمایشگاه با بیرون آوردن هسته تخمک و برخی از خصوصیات ژنتیکی جلوی این کار گرفته می شود، پس روایات این مورد را شامل نمی شوند. نطفه به قیدی که در رحم قرار گرفته باشد موضوع حرمت اسقاط می باشد و نمی توان تعدی به نطفه خارج از رحم نمود.

وجه دوم: استدلال به آیه شریفه: ﴿فَلْيَعْيُرْنِ خَلْقَ اللَّهِ﴾^۱ است. شیطان می گوید انسان ها را وسوسه می کنم تا خلق خدا را تغییر دهند و تغییر خلقت الهی از اغوائت شیطانی قرار داده شده است و به مقتضای آیه شریفه حرام می باشد.

شبیه سازی هم نوعی تغییر در خلقت الهی و ایجاد و تحقق موجود زنده یا اعضای بدن او از غیر مسیر طبیعی و متعارف آن می باشد، پس حرام است.

به این وجه دوم اشکال می شود که ایجاد یک شیء بر خلاف طریقه متعارف، مصداق تغییر خلقت الهی نیست، بلکه هر پیشرفتی که صورت می گیرد و هر حقیقتی که کشف می شود در چارچوب عظمت الهی بوده و استفاده از آن به معنای استفاده از

قوانین الهی است و نقض یا تغییری در خلقت خداوند نیست.

اشکالات دیگری به این وجه دوم وارد است که در بخش شبیه سازی انسان گذشت^۱.

احتمال دوم: شبیه سازی عضو جایز است، چون ادله حرمت پذیرفته نشد و با شک در حرمت و جواز آن، اصل اباحه و برائت جاری می شود.

نتیجه بحث این که شبیه سازی اعضای بدن جایز می باشد و مانعی ندارد.

فصل دوم

احکام وضعی شبیه سازی عضو

در جایی که عضوی از اعضای بدن از راه شبیه سازی ایجاد شود، احکام وضعی، مانند طهارت و نجاست عضو شبیه سازی شده و مالکیت این عضو مطرح می شود که باید بررسی شوند.

الف) طهارت و نجاست عضو شبیه سازی شده:

گفته شده عضو شبیه سازی شده نجس می باشد. وجه حکم به نجاست این است که بر این عضو، عنوان قطعۀ مبان از حی (جدا شده از بدن موجود زنده) صادق است و قطعۀ مبان از حی، میتة و نجس است، چون عضو شبیه سازی شده از سلول جدا شده از

بدن، ساخته می شود و بر سلول اخذ شده از بدن انسان عنوان قطعه مبان از حیّ صادق است و پس از رشد سلول و تشکیل عضو هم اگر عضو ظاهری باشد که به ظاهر بدن شخصی پیوند بخورد، بر او عنوان مبان از حیّ صادق کرده و نجس می باشد؛ ولی اگر عضو باطنی باشد، نجاست آن اشکالی نخواهد داشت و تنجّس عضو باطنی موضوع اثر نیست.

پیش از این نیز در بحث پیوند اعضا^۱ اشکال کردیم که عنوان مبان از حیّ در صورتی صادق است که به بدن شخص دوم پیوند نخورد و جزء بدن او نشود؛ ولی پس از پیوند دیگر عنوان مبان از حیّ صادق نخواهد بود و ادله طهارت بدن مسلم شامل این عضو شبهه سازی شده پس از پیوند خواهد شد.

همچنین نسبت به نماز خواندن با این عضو شبهه سازی شده نیز ادله مانعیّت نماز با اجزای میته شامل این صورت نمی شود؛ چون اولاً: پس از پیوند و التیام عنوان میته صادق نیست؛ ثانیاً: این ادله اطلاقی ندارند که اگر در داخل و جزء بدن از اجزای میته باشد، آن را هم در بر بگیرد و انصراف از آن دارد و ثالثاً: با قطع نظر از دو اشکال قبلی، تکلیف به نماز خواندن بدون اجزاء میته و بدون این

۱. پیوند اعضاء و مرگ مغزی در آئینه فقه، ص ۱۶۴.

عضو شبیه سازی شده پس از پیوند با ادله لا ضرر و لا حرج نفی می شود و تکلیف به نماز جامع شرایط نسبت به این شخص منتفی می شود و با ضمیمه ادله: «الصلاة لا تسقط بحال» نماز در هیچ حالتی ساقط نمی شود، نتیجه این می شود که شخص باید نماز را همراه با این اجزاء میتة و عضو شبیه سازی شده بخواند و نماز او صحیح است.

ب) مالکیت عضو شبیه سازی شده:

مالک این عضو شبیه سازی شده چه کسی می باشد؟ گفته شده چون این عضو، پرورش یافته و حالت تکاملی آن سلول اصلی است، مالک آن نیز همان مالک سلول اولیه اخذ شده از بدن انسان است؛ چون جزء بدن آن شخص بوده و الآن همان سلول جدا شده، پرورش و تکامل یافته است، پس مالک این عضو شبیه سازی شده، همان مالک سلول اولیه است و بنابراین مبنای انسان بر اعضای خودش ملکیت اعتباری دارد و مالک جمیع اعضای بدن خود می باشد، فروش این عضو توسط مالک آن صحیح خواهد بود و مالک حق فروش و اخذ مال در مقابل این عضو را دارد.

در بحث پیوند اعضاء این مبنای قبول نکردیم و گفتیم انسان ملکیت اعتباری نسبت به اعضای بدنش ندارد، بلکه تنها حق

اختصاص و استفاده نسبت به آن‌ها را دارد و این بدن و اعضای آن امانت الهی است، پس حق خرید و فروش اعضای بدن را نخواهد داشت و تنها می‌تواند در ازای گرفتن مال، رفع ید از حق اختصاص خود کند که در حقیقت به هبه مشروط بر می‌گردد؛ یعنی متقاضی عضو پولی را به صاحب عضو هبه می‌کند به شرط آن که صاحب عضو از حق اختصاص خود نسبت به عضو رفع ید نماید.

نظرات فقها پیرامون شبیه‌سازی عضو:

آیت الله سید محمد سعید حکیم:

«شبیه‌سازی همه اعضای بدن حتی اعضای تناسلی

جایز می‌باشد»^۱.

آیت الله تبریزی:

«شبیه‌سازی اعضای داخلی؛ مثل کبد و کلیه اشکالی

ندارد؛ ولی استنساخ اعضای خارجی اشکال دارد»^۲.

۱. مرشد المغترب توجیهات و فتاوی، ص ۳۴۲.

۲. صراط النجاة، ج ۹، ص ۲۸۴. (البته این فتوا نمی‌تواند ناظر به حکم اولیه باشد. بلکه ناظر به عنوان ثانویه و جهات دیگر است، مانند این که در اعضای خارجی پس از پیوند عنوان عضو مبای از حی صادق است و به خاطر نجاست آن جایز نیست).

آیت الله سیّد حسن مرتضوی:

«شبیه سازی اعضای بدن مانعی ندارد»^۱.

آیت الله مکارم شیرازی:

«شبیه سازی اعضای بدن انسان مانعی ندارد»^۲.

آیت الله سبحانی:

«شبیه سازی در عضو بدون نیاز به شبیه سازی انسان

کامل، اشکال شرعی ندارد، بلکه بسیار خوب است که

نقص اعضاء از بین می رود»^۳.

آیت الله شبیری زنجانی:

«شبیه سازی اعضای بدن مانعی ندارد»^۴.

۱. استفتاء از معظم له.

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی، بخش استفتائات makarem.ir.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سبحانی، tohid.ir.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله شبیری زنجانی.

بخش سوم:

همزاد سازی

(ایجاد چندقلوهای مشابه یا نسخه بدل‌های انسانی)

فصل اول: تعریف همزاد سازی

فصل دوم: حکم تکلیفی همزاد سازی

فصل سوم: احکام وضعی مترتب بر همزاد سازی

فصل اول

تعریف همزاد سازی

سلول تلقیح یافته و ترکیبی از سلول غیر جنسی و تخمک تهی شده از هسته، زمانی که داخل رحم زن قرار داده شود شروع به تکثیر و رشد می‌کند، نخست این سلول تلقیحی تبدیل به دو سلول، سپس چهار سلول، بعد هشت و شانزده و سرانجام به سی و دو سلول می‌رسد و در این زمان تکثیر متوقف شده و هر یک از این سی و دو سلول یک عضو خاص بدن را می‌سازند. هر یک از این سلول‌ها در یک غشا و پوسته قرار دارند که داخل آن ماده سیال و هسته که حاوی کروموزوم‌ها هست، می‌باشد.

پیشرفت علم به جایی رسید که در سال ۱۹۹۳ م «هال

واستیلمن» دانشمند آمریکایی در گردهمایی انجمن باروری در مونترال کانادا اعلام نمود که توانسته نخستین آزمایش همزاد سازی موجود زنده را با موفقیت پشت سر بگذارد. اعلام این خبر، جنجالی بزرگ در مجامع علمی به پا کرد.

روش کار این گونه بود که دانشمندان توانستند غشای سلولی را بشکافند و سلول‌های تکثیر یافته را از هم جدا کرده و هر یک را در غشای جدیدی قرار دهند؛ یعنی سلول تخم اصلی را در مرحله تقسیم و تکثیر به دو سلول از هم جدا کردند و در غشای خاص قرار داده که در نتیجه هر کدام از دو سلول ناشی از تقسیم اول، سلول اصلی خواهند بود و برای ایجاد ژن به تنهایی شروع به تقسیم و تکثیر می‌کنند و این وضعیتی است که به طور طبیعی در مورد دو قلوهای همسان پیش می‌آید. سپس هر کدام از این دو سلول جدید در صورت قرار گرفتن در رحم زن و طی دوران جنینی می‌تواند انسانی مشابه دیگری ایجاد کند، در نتیجه دو انسان کاملاً شبیه به هم تولید می‌شود.

این شیوه در حقیقت در پی ایجاد چند قلوهای همسانی است که به یک اصل منسوب هستند.

همچنان می‌شود سلول جدا شده دیگر را در حالت انجماد در

آزمایشگاه حفظ نمود و چند سال بعد در صورت تمایل در رحم زن گذاشته شود که در این صورت فرزندی مشابه متولد می‌شوند که هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و تنها از لحاظ سنی با یکدیگر اختلاف دارند.

هنگام تقسیم سلول تخم اصلی به چهار سلول نیز می‌توان این چهار سلول را از هم جدا کرده و هر یک را در غشای جدید قرار داده، سپس یکی را در رحم باقی گذاشت تا مراحل تکثیر و تشکیل جنین را ادامه دهد و سه سلول دیگر را بیرون آورد و در رحم سه شخص دیگر قرار داده تا مراحل تکثیر و رشد را طی کنند که در این صورت چهار قلوهای یکسان و مشابه به وجود می‌آیند.

تا این مرحله در حیوانات آزمایش شده است.^۱

به این عملیات، همزاد سازی یا بدل سازی می‌گویند که در آن چند قلوهای مشابه و یکسان به وجود خواهد آمد. در زبان عربی به این عملیات استتنام به معنای توأم سازی گفته می‌شود.

۱. مقاله بدل سازی انسان در سایت پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی،

فواید و کاربردهای همزاد سازی:

دانشمندان برای عملیات همزاد سازی و ایجاد نسخه بدل‌های انسانی فواید فراوانی بیان نموده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. باروری و بچه دار ساختن زوج‌های نازا: از طریق همزاد سازی می‌توان به باروری زوجین کمک نمود؛ برای نمونه، مثلاً زنی که تخمک‌های او ضعیف است و احتمال این که نطفه و جنین در رحم او تشکیل نشود وجود دارد، در مرحله تکثیر اولیه سلول‌های تلقیح یافته مثلاً زمانی که سلول تخم به چهار سلول تقسیم می‌شود، یک سلول تخم را در رحم باقی بگذارند و سه سلول باقیمانده را بیرون آورده و در آزمایشگاه نگه دارند که اگر حمل اولی موفق نبود و جنین تشکیل نشد از سلول‌های تلقیحی بدل استفاده نمایند و آن‌ها را وارد رحم کنند یا زوجینی که اصلاً قدرت باروری ندارند می‌توانند با ایجاد چند قلوهای مشابه به آن‌ها نوزاد و طفل هدیه نمایند و آن‌ها را سرپرست این اطفال شبیه‌سازی شده قرار دهند.

۲. اگر جنین در رحم مادر سقط شود یا نوزاد متولد شده پس از مدتی بمیرد، می‌توان از سلول تلقیحی نسخه بدل او که در

آزمایشگاه نگهداری شده استفاده کنند و دوباره طفلی شبیه همان نوزاد اولی متولد شود تا از آلام و ناراحتی های مادر و خانواده او کاسته شود.

۳. طفل متولد شده از طریق همزاد سازی اگر در حیات خود دچار بیماری ها و یا نقص عضو شود می توان با استفاده از سلول تلقیحی بدل او در آزمایشگاه و تولد او از بافت ها و اعضای بدنی این نسخه بدل برای مداوا استفاده نمود به گونه ای که دانشمندان گفته اند دو قلوهای همسان از تمام اعضای بدن یکدیگر می توانند برای پیوند موفق اعضاء استفاده کنند.

۴. فراهم آوردن مجموعه بزرگی از انسان های دارای ویژگی های وراثتی همگون به منظور اجرای بررسی های علمی بر روی آنها.

۵. تنظیم جنس کودکان و انسان ها در آینده.

۶. به وجود آوردن مجموعه ای از افراد همسان و مشابه برای انجام مأموریت های خاص مثل جنگ ها و غیره....

۷. به وجود آوردن نسخه جنینی همه انسان ها تا در صورت نیاز به آن نسخه بدل هنگام بیماری ها یا به منظور تجدید حیاتش از آن بهره برداری کرد.

۸. به وجود آوردن انسان‌های سالم برای جبران خطرهای ناشی از بیماری‌های ارثی نهفته در برخی ترکیب‌های جنسی و ژنتیکی.

فصل دوم

حکم تکلیفی همزاد سازی

با توجه به این که در عملیات همزاد سازی، زمانی که سلول تلقیح یافته اصلی را در رحم قرار داده، شروع به تقسیم و تکثیر می کند و در مرحله تکثیر سلول اصلی تخم به دو سلول و سپس به چهار سلول و .. تقسیم می شود، در این مرحله یک سلول تلقیحی تکثیر شده را از رحم خارج کرده و سلول دیگر را در رحم برای ادامه تکثیر و رشد باقی می گذارند تا مراحل بعدی تا تشکیل جنین را ادامه دهد.

بیان حکم تکلیفی این عملیات نیازمند پاسخ دادن به سه پرسش زیر است که با عنوان سه مرحله، ضمن طرح پرسش به

پاسخ آن‌ها نیز می‌پردازیم.

مرحله اول: جدا سازی سلول تلقیحی و بیرون آوردن آن از رحم جایز است یا خیر؟

دانشمندان گفته‌اند در عملیات شکافتن سلول اصلی تخم به دو سلول و بیرون آوردن یکی از آن دو سلول، احتمال خطر و ضرر رساندن به سلول باقی مانده در رحم وجود دارد و این کار چه بسا موجب از بین رفتن و تضعیف سلول باقیمانده در رحم شود به گونه‌ای که نتواند تبدیل به جنین و نوزاد شود؛ چون از نظر علمی این عملیات تضمین شده نیست و احتمال از بین رفتن و آسیب دیدن سلول‌های تلقیحی زیاد است و انجام دادن کاری که باعث شود مبدأ نشوء و پیدایش انسان از بین برود، حرام می‌باشد. در روایات متعددی این مضمون آمده است که از بین بردن نطفه انسانی حرام است.

در موثقه اسحاق بن عمار خوردن دوايي که موجب از بین رفتن نطفه شود، حرام گردیده است:

«عن إسحاق بن عمار قال قلت لأبي الحسن عليه السلام

المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقي ما في بطنها

قال لا فقلت إنما هو نطفة فقال إنَّ أوَّل ما يخلق نطفة^۱؛ به امام کاظم علیه السلام عرض کردم آیا زنی که از حاملگی می ترسد، می تواند دارو مصرف کند تا آنچه را در شکم دارد سقط کند؟ فرمود: نه، عرض کردم فقط نطفه بوده است، ایشان فرمودند: نخستین چیزی که آفریده می شود نطفه است».

از این روایات استفاده می شود که از بین بردن، بیرون آوردن و ساقط کردن چیزی که می تواند منشأ طفل انسانی شود، حرام است و در همزاد سازی غالباً بیرون آوردن سلول ها موجب به خطر افتادن و ضرر رساندن به تکثیر و رشد سلول باقی مانده می شود، به گونه ای که دیگر نتواند تبدیل به جنین شود و چون از این جهت مصداق از بین بردن نطفه و منشأ پیدایش انسان می باشد، حرام است.

بله! اگر پیشرفت علم به مرحله ای برسد که موفقیت عملیات همزاد سازی تضمین شود، آن چنان که بیرون آوردن سلول هیچ ضرر و نقصی به سلول باقیمانده وارد نسازد، مشکلی از این جهت وجود نخواهد داشت.

مرحله دوم: آیا این سلول تلقیحی خارج شده از رحم که در آزمایشگاه در شرایط مناسب نگهداری می شود را می توان در رحم زن دیگری قرار داد تا در آن جا مسیر تکثیر کامل و تشکیل جنین را سپری کند و تبدیل به فرزند شود یا خیر؟

در این جا نسبت به آن زنی که این سلول تلقیحی می خواهد در رحم او کاشته شود فروضی متصور است، یعنی آن زن، همسر برای صاحب سلول غیر جنسی است یا از محارم او می باشد و یا اجنبیه است.

فرض اول: آن زن صاحب رحم، همسر دیگر صاحب سلول غیر جنسی است. در این صورت اشکالی وجود ندارد؛ چون سلول تلقیح یافته حاوی هسته و ۴۶ کروموزوم سلول غیر جنسی شوهر اوست و تخمک گرفته شده از زن اول تهی شده و هسته آن بیرون آورده شده و به منزله غشاء و پوسته است و غشاء به منزله ماده خارجی است که داخل کردن آن به رحم اشکالی ندارد، پس مجموع این سلول تنها حاوی سلول غیر جنسی شوهر است که انتقال آن به رحم همسر دیگرش مانعی نخواهد داشت.

فرض دوم: زن صاحب رحم از محارم صاحب سلول غیر جنسی است؛ مانند مادر، خواهر و... در این صورت دو اشکال

عمده وجود دارد. اشکال اول این است که انتقال و وارد کردن نطفه مرد به رحم شخصی غیر از همسرش جایز نیست و همان گونه که در روایات به آن اشاره شده، حرام است^۱ و آیه حفظ فرج در رابطه با زنان هم دلالت می‌کند که رحم زن تنها می‌تواند محل قرار گرفتن نطفه شوهرش باشد و نمی‌تواند ظرف برای نطفه شخصی غیر از شوهرش قرار بگیرد.

در محل بحث نیز نمی‌توان سلول تلقیحی را در رحم زنی غیر همسر صاحب سلول غیر جنسی قرار داد؛ چون مصداق قرار دادن مبدأ نشوء آدمی و نطفه در رحم اجنبی خواهد شد.

اشکال دوم این است که اگر ملاک در مادر بودن را صاحب رحم بدانیم و نه صاحب تخمک، این عملیات در باب محارم موجب تحقق عناوین متعدّد نسبی خواهد شد، که از مستنکرات و امور قبیحه در شریعت مقدسه می‌باشد؛ برای نمونه، صاحب رحم که مادر طفل حساب می‌شود از طرفی خواهر صاحب سلول غیر جنسی است و عمه طفل نیز حساب می‌شود و پدر طفل نیز دایی

۱. «عن أبي عبد الله قال: إن أشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل أقر نطفته في

رحم يحرم عليه». الكافي، ج ۵، ص ۵۴۱.

او خواهد بود و به همین ترتیب باعث تداخل عناوین متعدد نسبی در شخص واحد می شود که این امر از مستکرات نزد متشرعه و شرع مقدس می باشد.

فرض سوم: زن صاحب رحم هیچ رابطه نسبی با صاحب سلول غیر جنسی نداشته باشد و اجنبی باشد در این صورت اشکال این است که موجب دخول نطفه و مبدأ نشوء آدمی در رحم اجنبی خواهد شد که از محرمات در شریعت اسلامی می باشد.

یک اشکال در هر سه فرض این است که در نوع موارد، مستلزم نظر و لمس حرام می باشد، مگر این که مباشر در این عملیات تنها خود صاحب سلول و همسر او باشد که فرض نادری است.

علاوه بر آن، اشکال مشترکی به هر دو مرحله همزاد سازی چه خارج ساختن سلول از رحم و چه قرار دادن این سلول در رحم دیگری شده است و آن این که تحقق عملیات همزاد سازی و ساختن نسخه بدل های انسانی و چند قلوهای مشابه باعث از بین رفتن تمایز و اختلاف بین افراد بشری خواهد شد و افراد متعددی متولد می شوند که از جهات خصوصیات و آثار مشابه و عین یکدیگرند و این امر موجب اختلال نظام می شود؛ چون در باب دعاوی، معاملات، امتحانات، ادارات، آزمایشات و دیگر امور

موجب اشتباه خواهد شد.

در رد این اشکال سه پاسخ داده شده است:

۱. به صورت طبیعی هم مصادیقی از همزاد سازی در خارج محقق می شود؛ مانند دو قلوهای همسان، پس طبق روال عادی و طبیعی نظام خلقت، این امر محقق است و اشکالی ندارد.

ولی اشکال می شود که تشابه در همزاد سازی بیش از چند قلوهای همسان است: در چند قلوهای همسان تشابه در بیشتر خصوصیات است؛ ولی در همزاد سازی یک نوع تطابق و تشابه کامل وجود دارد و قابل قیاس با هم نمی باشند.

۲. در عملیات همزاد سازی در صورتی که در یک زمان متولد شوند این اطفال مشابه و عین یکدیگر خواهند بود و اشکال وارد است؛ ولی در انحاء دیگر همزاد سازی که از جهت زمانی مختلف اند و سلول های نسخه بدل در آزمایشگاه نگهداری و در آینده متولد می شوند، در این صورت اطفال تفاوت سنی با یکدیگر پیدا می کنند و در نتیجه تشابه کامل محقق نمی شود، پس این دلیل اخص از مدّعا است و در همه فروض کارایی ندارد.

۳. اگر عملیات همزاد سازی در زمان و محیط جغرافیایی یکسان محقق شود، تشابه کامل وجود دارد؛ ولی اگر از لحاظ

محیط جغرافیایی و مکان رشد جنین تفاوت وجود داشته باشد، تشابه کامل محقق نمی شود و دانشمندان گفته اند تا سه درصد اختلاف وجود خواهد داشت.

مرحله سوم: آیا اتلاف و از بین بردن سلول های جدا شده از رحم که در آزمایشگاه نگهداری می شوند، جایز است یا نه، بلکه باید حتماً آن ها را در رحم زن قرار داد تا مسیر تشکیل جنین و تولد را سپری کنند.

وجه حرمت اتلاف و از بین بردن سلول های تلقیحی در این صورت این است که همان گونه که گذشت، مستفاد از روایات، حرمت از بین بردن نطفه و مبدأ نشوء آدمی است و از آن جا که این سلول های خارج شده از رحم، چون قابلیت تبدیل شدن به جنین را دارند از بین بردن آن ها در آزمایشگاه مصداق از بین بردن نطفه و مبدأ نشوء آدمی بوده و حرام است.

آیت الله خوئی در پاسخ به استفتایی از بین بردن نطفه آدمی خارج از رحم را جایز می داند و می گوید:

«لا بأس باتلاف تلك الأجنة فإن قتل جنين المومن إنما هو فيما إذا كان في رحم وأما في الخارج فلا دليل

علی حرمة اتلافه^۱؛ از بین بردن سلول‌های تلقیحی در آزمایشگاه اشکالی ندارد؛ چون آنچه حرام است از بین بردن نطفه و جنین داخل رحم است و دلیلی بر حرمت اتلاف نطفه خارج رحم وجود ندارد».

مستفاد از روایات نیز حرمت از بین بردن نطفه‌ای که در داخل رحم و در مسیر تکوّن جنین است، می‌باشد و از بین بردن مجرد مبدأ نشوء انسانی گرچه هنوز در رحم مستقر نشده باشد، حرام نیست، بلکه «الغاء ما في البطن»، از بین بردن نطفه‌ای که در رحم است حرام می‌باشد.

در صحیحہ رفاعه آمده است:

«عن رفاعة قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام أشتري الجارية فرّمتا احتبس طمثها من فساد أو ريح في رحم فتسقي دواءً لذلك فتطمث من يومها أفيجوز لي ذلك وأنا لا أدري من حبل هو أو غيره فقال لي لا تفعل ذلك فقلت له أنّه إنّما يرتفع طمثها منها شهراً ولو كان ذلك من حبل إنّما كان نطفة الرجل الذي يعزل فقال لي أنّ النطفة إذا وقعت في الرحم تصير إلى علقة ثم إلى مضغة ثم إلى ماشاء الله وأنّ النطفة إذا وقعت في غير الرحم لم يُخلق

منہا شیءٌ فلا تسسقہا دواءً إذا أرتفع طمثہا شہراً وجاز وقتہا الذی کانت تطمثُ فیہ^۱؛ رفاعہ می گوید: از امام صادق علیہ السلام سؤال کردم کنیزی خریدم و چہ بسا بہ سبب فاسد شدن خون یا نفخ در رحم، خون حیض او قطع می شود و بعد از خوردن دارویی، همان روز خون می بیند، آیا این کار جایز است در حالی کہ نمی دانم قطع خون بہ سبب حاملہ شدن است یا بہ علت دیگر؟ امام علیہ السلام فرمود: این کار را نکن، عرض کردم گاهی قطع خون او بعد از گذشت یک ماہ است و اگر بہ سبب حاملگی بود باید نطفہ ای مانند نطفہ مردی کہ عزل می کند باشد. امام علیہ السلام فرمودند ہرگاہ نطفہ منعقد شدہ در رحم قرار بگیرد، تبدیل بہ لختہ خون (علقہ) سپس بہ تکہ گوشتی (مضغہ) می شود و بعد از آن ہرچہ خواست خدا بود، همان می شود؛ ولی اگر نطفہ در رحم قرار نگیرد از او چیزی خلق نمی شود، پس ہرگاہ یک ماہ از قطع عادت کنیز می گذرد بہ او دوا ندہ و در زمانی کہ خون می بیند دوا خوردن جایز است».

بنابراین، اتلاف و از بین بردن نطفه و مبدأ نشوء آدمی اگر در رحم قرار بگیرد و در مسیر تکامل، رشد و تبدیل شدن به جنین باشد، حرام است؛ ولی دلیلی بر حرمت مطلق اتلاف مبدأ نشوء آدمی گرچه در خارج رحم باشد و در حالی باشد که رشد و تکامل آن متوقف شده است، نداریم، پس از بین بردن سلول‌های تلقیحی خارج شده از رحم، در آزمایشگاه اشکالی نخواهد داشت.

در رابطه با حکم تکلیفی عملیات همزادسازی، آیت الله سید کاظم حائری در پاسخ به استفتائی می‌گوید:

«عملیات همزادسازی در صورت تحقق دو شرط جایز می‌باشد: شرط اول این‌که این عملیات باعث به خطر افتادن و ضرر رساندن به سلول تلقیحی و جنین باقیمانده در رحم نشود. شرط دوم این‌که انجام این عملیات منجر به اختلال نظام و هرج و مرج در جامعه نشود به طوری که تشخیص ظالم از مظلوم، محرم از نامحرم، مدعی از منکر و... میسر نباشد. اگر این دو شرط محقق شود و این محاذیر اتفاق نیفتد همزاد سازی جایز است»^۱.

فصل سوم

احکام وضعی مترتب بر همزاد سازی

الف) انتساب

طفلی که از طریق عملیات همزاد سازی متولد می شود به چه کسی منتسب می باشد و پدر و مادر حقیقی او چه کسی است؟
برای پاسخ به این پرسش باید حکم انتساب نسب پدر و مادر جداگانه بحث و بررسی شود:

انتساب از ناحیه پدر

در همزاد سازی سلول تلقیحی و جنین از ترکیب سلول غیر

جنسی با تخمک تهی شده زن تشکیل شده است. گرچه به حسب لغت تولد به وجود آمدن شیئی از شیء دیگر گفته می شود؛ مانند این که می گویند: «إن الحرارة تولدت من النار؛ حرارت از آتش متولد شده است» و در محل بحث هم این طفل از همان سلول غیر جنسی متولد شده و به وجود می آید؛ ولی در بحث نسب گفته شده علاوه بر مفهوم تولد حقیقی؛ باید عناوین انتزاعی مثل آب و أم عرفاً صادق باشد تا انتساب صحیح باشد و حال آن که در صدق عرفی مفهوم آب (پدر) تکون از (ماء الرجل) سلول جنسی و اسپرم مرد معتبر است و مجرد نشوء و مصدریت برای تحقق عنوان ولد، کافی نیست.

بنابراین، همان گونه که در بحث شبهه سازی انسانی بیان شد^۱، چون در صدق مفهوم پدر، تکون از سلول جنسی معتبر است، پس در شبهه سازی و همزاد سازی که از سلول غیر جنسی استفاده می شود، مفهوم آب صادق نیست، پس این طفل همزاد سازی شده به پدر منتسب نمی باشد.

نورالدین مختار الخادمی از فقهای معاصر اهل سنت در این

باره می گوید:

«در عملیات شبیه سازی انسانی اساساً مفهوم پدری یکسره از میان می رود و هیچ اثری از پدر در نوزاد شبیه سازی شده دیده نمی شود»^۱.

انتساب از ناحیه مادر

اگر سلول تلقیحی به رحم همان زنی که تخمک از او گرفته شده، انتقال داده شود که صاحب رحم با صاحب تخمک یک نفر است، در این صورت مشکلی از ناحیه انتساب به مادر نداریم و مادر این طفل همین زنی است که هم تخمک از اوست و هم طفل از او زاییده شده است؛ ولی اگر صاحب رحم و صاحب تخمک دو نفر باشند، تخمک از زنی گرفته شود و با سلول غیر جنسی مردی تلقیح شود و در رحم زن دیگری قرار داده شود، در این صورت، مادر این طفل چه کسی می باشد؟ زن صاحب رحم که بچه از او متولد می شود یا زن صاحب تخمک که تخمک از او اخذ شده است؟

در این جا احتمالات و مبانی چهار گانه وجود دارد:

۱. الاستنساخ بدعة العصر، ص ۷۲.

احتمال اول: ملاک مادری، صاحب رحم بودن است و مادر شخصی است که بچه را زاییده است. برای این نظریه به دو وجه استدلال شده است:

وجه اول: به حسب متفاهم عرفی، مادر بودن به این است که جنین در رحم شخصی قرار بگیرد و از و تغذیه کند و از او هم متولد شود و به نظر عرف، مادر حامل جنین است و ملاک مادر بودن حمل جنین است، همان گونه که در لغت نیز آمده است: «الأم هي الوالدة»^۱. در ادله شرعیه هم به این حیثیت حمل جنین توجه ویژه‌ای شده است و در آیات کریمه نیز جایی که صحبت از مادر و لزوم احترام به مادر است از مادر به عنوان حامل جنین یاد شده است، ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ؛ مادرش او را با زحمت حمل کرد﴾^۲ همچنین ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا؛ مادرش او را به دشواری حمل کرد و به دشواری به دنیا آورد﴾^۳.

۱. لسان العرب، ج ۳، ص ۴۶۷.

۲. لقمان، آیه ۱۴.

۳. احقاف، آیه ۱۵.

در آیه شریفه: ﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾^۱ و آیات دیگر، آنچه در مفهوم مادری مورد توجه قرار گرفته است، حیثیت حمل و ولادت طفل از او می باشد و این که مادر پناه و پرورش دهنده جنین بوده است و حیثیت اخذ تخمک از او در فهم عرفی و آیات کریمه لحاظ نشده است.

به این وجه اشکال شده است که در متفاهم عرفی، نسبت به عنوان (أم) همان نکته ای که در مفهوم (أب) وجود دارد لحاظ شده است و همان گونه که در مفهوم (أب) تکوّن از (ماء الرجل)، اسپرم مرد دخالت دارد در مفهوم (أم) نیز تکوّن از (ماء المرأة)، تخمک زن معتبر است. این که شأن زن را در حد ظرفیت و وعاء بدانیم تصویری است که عوام در گذشته داشته اند که گمان می کردند در تکوّن جنین، تنها نطفه مرد تأثیر می گذارد و زن هیچ نقش و دخالتی ندارد و تنها ظرف و موضعی است برای پرورش و رشد جنین؛ اما با پیشرفت علم ثابت شد که اسپرم مرد و تخمک زن هر دو در تکوّن جنین دخالت دارند و آثار وراثتی، خصوصیات و صفات از هر دو گرفته می شود و هرچند ممکن است مقدار تأثیر از

پدر و مادر متفاوت باشد؛ ولی هر دو در جنین تأثیر و دخالت خواهند داشت، پس مادر حقیقتاً کسی است که جنین از او نشأت گرفته و از او تأثیر پذیرفته است که همان صاحب تخمک می‌باشد. در رد اشکال باید گفت، قبول داریم در ناحیه آب (مفهوم پدر) ملاک، تکون از ماء الرجل (اسپرم مرد) است؛ ولی تلازمی نیست که ملاک در ناحیه آم (مفهوم مادر) هم تکون از ماء المرأة (تخمک زن) باشد.

گرچه در تحقق جنین و تکون طفل، زن صاحب تخمک دخالت و تأثیر دارد؛ ولی مجرد دخالت داشتن باعث نمی‌شود که در مرحله انتساب هم مدخلیت داشته باشد، بلکه به لحاظ فهم عرفی، مرتکز و ملحوظ در ذهن نسبت به مفهوم مادری، حامل جنین بودن و حیثیت ظرفیت و وعاء بودن برای نطفه مرد لحاظ شده است، همان گونه که در روایات باب نکاح سفارش شده است که در انتخاب همسر دقت کنید که می‌خواهید نطفه خود را در چه ظرفی قرار داده و پرورش دهید^۱ و یا در حدیث از امام صادق (ع) :

۱. «قال رسول الله ﷺ: أنكحوا الأكفاء وأنكحوا فيههم واختاروا لنطفكم».

آمده است:

«إِنَّمَا الْمَرْأَةُ وَعَاءٌ؛ هَمَانَا شَأْنُ زَنْ ظَرْفِ بُوْدُنْ

است».

بنابراین، همان گونه که در ارتکاز و فهم عرفی نسبت به زن حیثیت ظرفیت لحاظ شده است، در آیات کریمه و روایات نیز به این حیثیت در مورد زن توجّه شده است و حامل جنین و زن نگهدارنده جنین، مادر حقیقی می باشد.

وجه دوم: اگر از جهت فهم عرفی نیز تردید وجود داشته باشد، ولی به واسطه دلیل شرعی که در مقام تعیین ملاک مادر بودن است، شک بر طرف می شود. در سوره مبارکه مجادله درباره ظهار آمده است: ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدَتْهُمْ﴾ آنان که با زنانشان ظهار می کنند آن زنان، مادران آنها حساب نمی شوند بلکه مادرانشان کسانی اند که آنها را زاییده اند^۱.

از این آیه مبارکه استفاده می شود که مادر حقیقی شخص، حامل جنین و آن کسی است که بچه از او متولد می شود و ملاک در مادری، صاحب رحم بودن است.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۷۷.

۲. مجادله، آیه ۲.

به این وجه اشکالاتی وارد شده است که در ضمن پاسخ به آنها، مطرح می شود:

اشکال اول: تعبیری که در آیه شریفه آمده است ﴿وَلَدْنَهُمْ﴾ می باشد. با توجه به این تعبیر و نیز با توجه به این حقیقت که ولادت در لغت به معنای تکون شینی از شیء دیگر است، همان گونه که گفته می شود: «إِنَّ الْحَرَارَةَ تُولَدُ مِنَ النَّارِ؛ حرارت از آتش پدید آمد»، والده حقیقی صاحب تخمک می باشد چون جنین از تخمک به وجود آمده و پدیدار شده است.

در پاسخ به این اشکال گفته می شود که عنوان ولادت در عرف به معنای زاییدن است و زمانی که این تعبیر به زن اطلاق بشود، مراد زنی است که بچه را زاییده است که منحصرأً صاحب رحم می باشد و در صدق عرفی عنوان ولادت، تکون از شیء لحاظ نشده است.

اشکال دوم: حصر در آیه شریفه حصر حقیقی نیست، بلکه حصر اضافی است. صاحب حدائق می گوید: «إِنَّ الْحَصْرَ الْمَذْكُورَ فِي الْآيَةِ إِنَّمَا هِيَ إِضَافِي بِالنِّسْبَةِ إِلَى الْمَظَاهِرَةِ وَتَسْمِيَةِ الْمَظَاهِرِ لِرُجُوعِهِ أُمًّا^۱». آیه مبارکه در مقام نفی توهم مردم نازل شده که خیال

۱. الحدائق الناظرة، ج ۲۳، ص ۴۴۳.

می کردند به مجرد اظهار، زن های آنها مادرشان می شوند و احکام مادری بار خواهد شد. آیه در مقام ردع آنها می گوید: «همسران شما مادرانتان نمی شوند، بلکه مادران شما کسانی هستند که شما را زاییده اند». پس در مقابل همسران، مادر صاحب رحم می باشد و حصر اضافی مراد است و نه این که در تمام موارد، ملاک مادری به صاحب رحم بودن است، حتی در موارد دوران بین صاحب تخمک و صاحب رحم و چون حصر در آیه حقیقی نیست، نمی توان از آن ضابط و ملاک کلی مادر بودن را به دست آورد.

در رد این اشکال نیز می توان گفت، گرچه احتمال اضافی بودن حصر داده می شود؛ ولی وجهی برای تعیین حصر اضافی نیست، بلکه ظهور اولیه خطاب و تعلیل در این است که حصر حقیقی باشد و آیه شریفه در مقام اعطای یک ضابط و ملاک کلی در مورد مادر بودن است که ملاک مادری به ولادت و صاحب رحم بودن است که این کبرای کلی در مورد اظهار نیز تطبیق می شود که زوجه مورد اظهار، مادر نمی شود؛ چون ملاک کلی مادر بودن به ولادت می باشد.

در نتیجه می توان به آیه شریفه به عنوان اعطاء ضابط و ملاک کلی در مادر بودن استدلال نمود.

اشکال سوم: آیه مبارکه گرچه ملاک مادری را در ولادت و صاحب رحم بودن می داند؛ ولی اطلاقی ندارد که نسبت به تمام افراد مشکوک بتوانیم به اطلاق آن تمسک کنیم؛ چون آیه در مقام بیان ملاک مادری در مسألهظهار است و نفی مادری از زن هایظهار شده می کند و ملاک را صاحب رحم بودن معرفی می کند و از این جهت در مقام بیان است؛ ولی در مقام بیان تمام جهات و خصوصیات ملاک مادری در تمام مصادیق و افراد نمی باشد تا بتوانیم حتی در جایی که صاحب رحم و صاحب تخمک دو نفر هستند به اطلاق آیه در ملاک مادری تمسک کنیم، پس آیه مبارکه در مقام بیان همه جهات و بیان ملاک مادری به نحو کلی نمی باشد تا بتوان به اطلاق آن تمسک نمود.

درست است که اگر شک کنیم متکلم در مقام بیان هست یا نه، اصل عقلایی در محاورات این است که به اصالةالبیان تمسک کرده و می گویند متکلم در مقام بیان است؛ ولی اجرای این اصل عقلایی در جایی است که شک در اصل در مقام بیان بودن متکلم داشته باشیم؛ ولی اگر در خطابی احراز کنیم که متکلم از یک جهت در مقام بیان است و از جهات دیگر شک کنیم که در مقام بیان هست یا نه، این جا اصل عقلایی نداریم که بگوییم متکلم در

همه جهات در مقام بیان است؛ مانند آیه شریفه: ﴿فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ﴾^۱ که از جهت حکم تکلیفی حلیت در مقام بیان است؛ ولی از جهت حکم وضعی طهارت و نجاست در مقام بیان نیست، پس نمی‌شود به اطلاق آن تمسک کرده و حکم به طهارت محل ملاقات سگ با حیوان نمود.

نتیجه آن که در محل بحث نیز آیه از یک جهت در مقام بیان است که ملاک مادری در مسألهظهار باشد؛ ولی چون شک داریم که از جهات دیگر و اعطای ضابطه کلی نیز در مقام بیان هست یا نه، نمی‌توان به اطلاق آیه شریفه در ضابطه ملاک مادری تمسک نمود.

پاسخ به این اشکال چنین است که اصل این گفتار را مرحوم نایینی در بحث مطلق و مقید چنین عنوان نموده است^۲ که بنای عملی عقلاء در موارد شک بر این است که متکلم در مقام بیان است و این اصالةالبیان در جایی پیاده می‌شود که اگر بنا را بر اصالةالبیان نگذارند، کلام خالی از فایده می‌شود و لغو خواهد

۱. مائده، آیه ۴.

۲. اجودالتقریرات، ج ۱، ص ۵۲۹، محاضرات، ج ۵، ص ۳۶۹.

شد؛ ولی در جایی که متکلم از یک جهت در مقام بیان باشد و از جهت دیگر در مقام بیان بودن مشکوک است، این جا اصل عقلایی اصالة البیان جاری نمی شود؛ چون از عدم جریان آن لغویت و محذور عدم فایده پیش نمی آید.

این گفتار قابل خدشه است؛ چرا که در مقام بیان بودن متکلم در مقابل خالی بودن از فایده و لغویت کلام نمی باشد تا اگر از یک جهت کلام فایده داشت، از جهات دیگر اصالة البیان جاری نشود؛ چون کلام از لغویت خارج شده است، بلکه مراد از در مقام بیان بودن متکلم در مقابل اجمال و اهمال کلام است، پس اگر متکلم در مقام بیان قانون و ضابطه است، اصل اولی اقتضاء می کند که تمام جهات موضوع و امور مربوط به قانون عام را در خطاب قانونی بیان نماید.

بنابراین، همان گونه که اصالة البیان در خطابی که دارای یک جهت است جریان پیدا می کند، در خطابی که داری جهات متعدّد است نیز جاری می شود، مگر در موردی که احراز شود که تنها از یک جهت خاص در مقام بیان است و از جهات دیگر در مقام بیان نیست؛ مانند آیه شریفه: ﴿فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ﴾ که احراز شده تنها در مقام بیان شرایط ترکیه است و در مقام بیان حکم وضعی طهارت و

نجاست محل گرفتن شکار نمی باشد.

در نتیجه، اصل اولیه در کلام متکلمی که در مقام جعل قانون صادر می شود این است که در مقام بیان تمام جهات مرتبط با آن قانون باشد، پس در محل بحث نیز آیه شریفه اطلاق دارد و در مقام بیان ملاک وضابطه مادر بودن در تمام صور و فروض می باشد. بنابراین می توان با تمسک به اطلاق آیه در دوران بین مادر بودن و صاحب تخمک یا صاحب رحم، مادر شرعی را صاحب رحم دانست.

نتیجه بحث این که به نظر نگارنده همین نظریه اول صحیح است و ملاک در مادر بودن به مقتضای فهم عرفی و ادله شرعیه ولادت و صاحب رحم بودن است.

آیت الله خویی نیز در پاسخ به استفتایی ملاک در مادری را ولادت و صاحب رحم بودن معین نموده اند:

«زنی که نطفه در رحمش قرار گرفته، مادر شرعی بچه است، مادر کسی است که بچه را به دنیا می آورد، چنان که کلام خدا این گونه اقتضاء دارد: ﴿الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهُاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدَتْهُنَّ﴾ کسانی که با زنانشان ظاهر می کنند، این زنان

مادرانشان نیستند، مادرانشان فقط زنانی هستند که آنها

را زاییده‌اند»^۱ ۲.

آیات عظام تبریزی^۳ و سید محمد شاهرودی^۴ نیز در بحث تلقیح مصنوعی، ملاک مادری را صاحب رحم بودن دانسته‌اند.

احتمال دوم: ملاک مادری به صاحب تخمک بودن است و آن زنی که تخمک از او أخذ می‌شود، مادر حقیقی و شرعی طفل است. مرحوم امام خمینی در بحث تلقیح مصنوعی^۵، مقام معظم رهبری^۶ و آیات عظام سید کاظم حائری^۷، سید سعید حکیم^۸، و

۱. مجادله، آیه ۲.

۲. مسائل و ردود، ص ۹۹.

۳. صراط النجاة، ج ۹، ص ۲۸۰.

۴. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شاهرودی بخش استفتانات shahroudi.com.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۳.

۶. اجوبة الاستفتانات، ج ۲، ص ۳۲.

۷. الفتاوی المتنبه، ص ۲۴۶.

۸. مرشد المغرب، ص ۳۴۳.

فاضل لنکرانی^۱ قائل به این نظریه شده‌اند.

وجه این نظریه این است که ویژگی‌های ارثی از صاحب تخمک به طفل می‌رسد و همان گونه که در ناحیه پدر، اسپرم مرد دخالت در تحقق عنوان پدری دارد، در ناحیه مادر نیز تخمک زن در تحقق عنوان مادری دخالت دارد و از نظر علمی نیز طفل و جنین تشکیل شده از اسپرم مرد و تخمک زن هر دو می‌باشد.

با تقریبی که در ذیل نظریه اول بیان شد، اشکال به این نظریه و مبنای دوم مشخص می‌شود با این بیان که در مفهوم عرفی مادر بودن، حیثیت تکون از تخمک زن اخذ نشده است، بلکه آنچه مرتکز و ملحوظ در ذهن عرف عام نسب به مفهوم مادری است، همان حامل جنین بودن است و مادر همان والده و زن صاحب رحم است که طفل را زاییده و بچه از او متولد می‌شود. در آیات و روایات نیز از مادر به عنوان حامل جنین یاد شده است.

حتّی اگر در بحث تلقیح مصنوعی ملاک مادری را به صاحب تخمک بودن بدانیم، ولی در بحث شبیه‌سازی و همزاد سازی،

همان گونه که پیش از این بیان شد^۱، نمی‌توانیم مادر را صاحب تخمک بدانیم؛ چون در عملیات شبهه‌سازی، تخمک زن از هسته و سیتوپلاسم خود تهی شده و همه کروموزوم‌های آن که حاوی ژن‌های واکنشی هستند، خارج شده است، پس تخمک زن تنها به منزله قشای و پوسته است و دخالتی در تکوین جنین جز از باب ظرف و محل بودن ندارد؛ به تعبیر دیگر، در این که ملاک مادری صاحب تخمک باشد، دو ویژگی معتبر است: یکی ارائه تخمک و دوم نقش داشتن تخمک در خاصه‌های ژنتیکی فرزند در شبهه‌سازی و همزاد سازی شرط دوم مفقود است بنابراین نمی‌توان قائل شد که مادر طفل شبهه‌سازی شده، آن زنی است که تخمک از او گرفته شده است.

احتمال سوم: ملاک در مادر بودن، صاحب رحم و صاحب تخمک بودن با هم است و هر دو خصوصیت در صدق عنوان مادری باید وجود داشته باشد، پس در مواردی که صاحب رحم و صاحب تخمک تغایر دارند و دو نفر می‌باشند، هیچ کدام مادر نمی‌باشد؛ چون آنچه در گذشته محقق بوده این است که مادر

کسی است که صاحب رحم و تخمک باشد و این دو یکی بوده و یک مصداق داشته است و تمام ادله‌ای که احکام مادری را بیان کرده‌اند مقصود همان شخص بوده که هم صاحب رحم بوده و هم صاحب تخمک.

اشکال به این مبنا این است که گرچه مصداق مادر در گذشته شخصی بوده که هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم بوده است؛ ولی وجود خصوصیات متعدّد در ازمنه سابقه، مقومات مفهوم مادر را تعیین نمی‌کند، بلکه باید بینیم عرف کدام‌یک را ملاک مادری می‌داند. اگر به حسب استظهار عرفی یکی از آن دو را به عنوان ملاک مادری انتخاب و تقویت نمودیم، دیگر نوبت به این مبنای سوم نخواهد رسید.

احتمال چهارم: بر هر یک از صاحب تخمک و صاحب رحم عنوان مادری صادق خواهد بود؛ چون تخمک از یکی و پرورش از دیگری است، پس این طفل دو مادر خواهد داشت و احکام مادری؛ مانند حرمت ازدواج، شامل هر دو مادر می‌شود و نسبت به حق حضانت مادر نیز به تناوب عمل خواهد شد.

از مراجع معاصر آیت الله موسوی اردبیلی این نظریه را قبول کرده است، ایشان در پاسخ به استفتایی گوید:

«طفلی که به طریق مذکور متولد شود به مادر صاحب تخمک و به مادری که طفل در رحم او پرورش یافته ملحق می‌شود؛ یعنی این بچه دو مادری محسوب می‌شود و به هر دو این زن‌ها احکام مادری تعلق پیدا می‌کند»^۱.

دلیل بر احتمال چهارم این است که ادله و نصوص شرعیه نسبت به مفهوم مادری دو نوع‌اند: در یک قسم، ادله از مادر به عنوان حامل جنین یاد می‌کنند و بر حیثیت صاحب رحم بودن و ولادت طفل از او توجه شده است، مانند آیات شریفه: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَى وَهْنٍ﴾^۲، ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾^۳ و ﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾^۴ و روایاتی که در احتمال اول به آن‌ها اشاره شد.

و در قسم دیگر، ادله شرعیه به حیثیت تکون از تخمک زن (ماء المرأة) توجه شده است؛ مانند آیات شریفه: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. لقمان، آیه ۱۴.

۳. احقاف، آیه ۱۵.

۴. النجم، آیه ۳۲.

نُطْقَةً أَمْشَاجٍ؛ ما انسان را از نطفه مخلوط (اسپریم مرد و تخمک زن) خلق نمودیم^۱؛ ﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾^۲ که از زن و مرد (نطفه آنها) افراد دیگر متولد می‌شوند و روایات: «اختاروا لنطفکم فإن الخال أحد الضجیعین»^۳ و «تخیروا لنطفکم فإن الابناء تشبه الأخوال»^۴، چون طفل خصوصیات وراثتی و ژن‌ها را از مادرش اخذ می‌کند، شبیه دایی‌اش می‌شود، پس (ماء المرأة) و تخمک زن، تأثیر در طفل دارد و در مفهوم مادری تنها حیثیت ظرفیت مورد لحاظ نیست، بلکه حیثیت تکون طفل از تخمک او هم لحاظ شده است.

در نتیجه برخی از ادله شرعیه در مفهوم مادری به حیثیت حامل جنین بودن توجه کرده‌اند و در برخی حیثیت تکون از (ماء المرأة) و صاحب تخمک بودن لحاظ شده است. پس در تحقق مفهوم مادری هر یک به تنهایی کفایت می‌کند و بر هر کدام از صاحب

۱. الدهر، آیه ۲.

۲. النساء، آیه ۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۸.

۴. الکافی، ج ۱۰، ص ۵۹۰.

رحم و صاحب تخمک عنوان مادری صادق است.

به این استدلال چنین اشکال می‌شود: در آیات شریفه در توصیف مادر به صفت حمل و وضع طفل اشاره شده است و صفات خاصی را برجسته کرده است، دلالت ندارد که ملاک مادری حمل و صاحب رحم بودن است، همچنین از آیات ذکر شده در قسم دوم نیز حتی اگر بپذیریم که در مقام بیان تأثیر (ماء المرأة) و تخمک زن در طفل می‌باشد، باز هم نمی‌توان از آن‌ها استظهار کرد که ملاک مادر بودن تنها به صاحب تخمک بودن است، پس از این ادله شرعیه نمی‌توان ملاک مادری را کشف نمود، بلکه مهم همان استظهار عرفی و فهم عرف در ملاک مادری است که به آن اشاره شد.

همچنین اگر قبول کنیم که دو قسم از ادله در بیان ملاک مادری داریم، مقتضای جمع بین ادله، این نمی‌شود که تحقق هر یک کافی است، بلکه باید بگوییم اجتماع هر دو برای تحقق عنوان مادری لازم است که همان احتمال سوم خواهد شد، یعنی مادر کسی است که هم تخمک از او گرفته شده است و هم بچه از او زاییده شود.

آیات عظام اراکی^۱، سیستانی^۲ قائل به احتیاط شده‌اند و گفته‌اند نسبت به ترتب احکام مادری بین صاحب تخمک و صاحب رحم رعایت احتیاط شود.

وجه این احتیاط این است که علم اجمالی به وجود می‌آید که یکی از این دو زن صاحب رحم و صاحب تخمک مادر هستند، پس نسب به احکام لزومیه؛ مانند حرمت نکاح و وجوب انفاق و... نسبت به هر دو طرف باید احتیاط نمود.

نتیجه بحث این که به مقتضای فهم عرفی و ادله شرعیه متقدم، ملاک مادری در حامل جنین و صاحب رحم بودن است.

نسب خواهری و برادری بین اطفال شبیه‌سازی شده:

بحث دیگری که در باب نسب اطفال همزاد سازی شده قابل طرح است، این که آیا بین این اطفال که از طریق عملیات همزاد سازی متولد شده‌اند و بین این چند قلوهای مشابه نسب خواهری و برادری صادق است یا خیر؟

بدیهی است که در صدق عنوان (أخ) و (أخت)، انتساب به پدر

۱. استفتائات، ص ۲۵۰.

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات.

و مادر تأثیر دارد، بنابراین، پاسخ مثبت یا منفی دادن به پرسش بالا بستگی دارد به این که در بحث گذشته انتساب به پدر و مادر را پذیرفته باشیم یا خیر؟

اگر این اطفال شبیه سازی شده از سلول جنسی و اسپرم مرد واحدی به وجود آمده باشند، انتساب به پدر ثابت است و در نتیجه برادر و خواهری از ناحیه پدر با هم دارند؛ ولی اگر از سلول غیر جنسی شخصی به وجود آمده باشند، انتساب به پدر منتفی خواهد بود و در نتیجه برادر و خواهر پدری نمی شوند.

در ناحیه برادر و خواهر مادری بودن نیز اگر ملاک مادری را به صاحب رحم بودن بدانیم - همان گونه که ما برگزیدیم - و همه این اطفال به تناوب از رحم یک زن متولد شده باشند، طبعاً برادر و خواهر مادری می شوند؛ ولی اگر در رحم زن های متعدّد متولد شده باشند، مادر مشترک نخواهند داشت، پس برادر و خواهر مادری نمی شوند.

اگر ملاک مادری را به صاحب تخمک بودن بدانیم و در تولّد همه این اطفال از تخمک یک زن استفاده شده باشد، آن زن مادر مشترک آنها می شود و برادر و خواهر مادری خواهند شد.

اگر عنوان برادر و خواهر پدری و مادری بین آنها محقق نشود،

با یکدیگر اجنبی حساب می‌شوند و جواز نکاح بین آن‌ها ثابت می‌شود.

احکام استثناء شده در بحث نسب

در بحث انتساب، اموری به عنوان استثناء و تبصره مطرح شده‌اند که در بخش شبیه‌سازی انسان به آن‌ها اشاره شد و در این بخش نیز چکیده آن به عنوان یادآوری مطرح می‌شود.

الف) مادر رضاعی شدن صاحب رحم:

در بحث شبیه‌سازی انسان گذشت که برخی قائل شده‌اند^۱ اگر ملاک مادری را به صاحب تخمک بودن بدانیم، باز هم می‌توان قائل به محرمیت صاحب رحم با طفل از باب مادر رضاعی شد. به عبارت دیگر، در باب رضاع گفته شده اگر نوزاد به اندازه‌ای از زنی شیر بخورد که بر اثر شیر خوردن صدق بکند که گوشت روییده و استخوان او محکم شده است، موجب تحقق محرمیت رضاعی می‌شود، پس به طریق اولی و به اولویت قطعیه در محل بحث که طفل شبیه‌سازی شده نه ماه در داخل رحم زن تغذیه کرده

و رشد نموده است، باید محرمیت رضاعی محقق شود و در نتیجه این زن صاحب رحم، مادر رضاعی این طفل شده و احکام محرمیت و حرمت نکاح بار خواهد شد.

اشکال به این استدلال این است که تمام موضوع محرمیت از باب رضاع، رویدن گوشت و محکم شدن استخوان نمی باشد، بلکه شرایط تعبدی دیگری هم معتبر می باشد، مانند شیر دادن از طریق مکیدن، شیر ناشی شده از ولادت شرعیه و... بنابراین، اگر زنی بدون زاییدن شیر بدهد یا شیر ناشی از زناء باشد، موجب محرمیت نخواهد شد.

در نتیجه تمام ملاک برای محرمیت رضاعی تغذی و رشد نوزاد نمی باشد تا بتوان حکم به محرمیت رضاعی با صاحب رحم از فحوای ادله رضاع نمود.

ب) حکم ارث طفل همزاد سازی شده:

در بحث شبیه سازی انسان گذشت^۱ که اگر طفل همزاد سازی شده منتسب به پدر و مادر نباشد، طبعاً این طفل از کسی ارث نمی برد؛ ولی اگر انتساب و صدق عنوان فرزند را بپذیریم، در این

صورت نیز ارث بردن این طفل همیشگی و مطلق نمی‌باشد، بلکه شرط آن این است که این طفل همزاد سازی شده در زمان حیات مورث (پدر و مادر خود) متولد بشود، ولی اگر تولد او پس از موت مورث اتفاق بیفتد؛ بدین صورت که سلول تلقیح یافته در آزمایشگاه نگهداری شود و پس از مردن مورث به رحم منتقل و متولد شود، مشمول ادله ارث قرار نمی‌گیرد.

در حقیقت این حکم استثنایی است بر احکام نسب. همه احکام نسب ثابت است به غیر از ارث بردن او؛ چون در کتاب ارث یکی از شرایط ارث فرزندی، تولد او پیش از موت مورث دانسته شده است.

آیت الله تبریزی در پاسخ به استفتائی در این زمینه می‌گوید:

«إن الولد الحاصل من الفعل المذكور لا يرث من أبيه

المتوفي؛ فرزند متولد شده بعد از فوت پدر از او ارث

نمی‌برد»^۱.

ج) حرمت نکاح:

یکی از احکام ثبوت نسب پدر و مادری برای طفل همزاد سازی

شده، حرمت نکاح است؛ ولی همان گونه که در بحث شبیه سازی انسان بیان شد، برخی از محققین قائل شده اند که حتی اگر انتساب ثابت نشود، حرمت نکاح ثابت است، یعنی آن زن و مردی که تخمک و سلول غیر جنسی از آن ها اخذ شده است، حق ازدواج با این طفل همزاد سازی شده را ندارند؛ مانند ولد الزنا که اگرچه نسب در مورد او قطع شده است و زانی رابطه پدری با دختر متولد شده ندارد؛ ولی ازدواج با او حرام است؛ چون گرچه نسب شرعی منتفی شده است؛ ولی نسب عرفی صادق است و حرمت نکاح تابع صدق عنوان نسب عرفیه است، پس با صدق عنوان نسب عرفی ازدواج حرام می شود.

در محل بحث نیز طفل همزاد سازی شده گرچه فرزند بودن شرعی او نسبت به مرد صاحب سلول غیر جنسی و زن صاحب تخمک پذیرفته نشد؛ ولی نسبت عرفی و فرزند بودن عرفیه نسبت به او صادق است، پس حرمت نکاح مترتب می شود.

اشکال شده است که در بحث همزاد سازی نسبت عرفیه هم صادق نیست؛ چون به حسب فهم عرفی در مفهوم پدر تکون از

اسپریم مرد و سلول جنسی أخذ شده است و عرفاً فرزند به کسی گفته می شود که از اسپرم مرد متولد شود و نیز چون تخمک زن هم تهی شده و هسته او بیرون آورده شده است، پس تخمک زن تأثیری در تکون این طفل نداشته است تا صدق عرفی عنوان مادری محقق شود.

در نتیجه با انتفاء شرعی و عرفی نسبت فرزندى وجهی برای حرمت نکاح باقی نخواهد ماند.

ب) خرید و فروش سلول های تلقیحی برای عملیات همزاد سازی:

آیا سلول تلقیحی تکثیر یافته در رحم را می توان به متقاضیان باروری فروخت یا خیر؟

در بحث شبیه سازی گذشت که نسبت به خرید و فروش سلول های تلقیحی اشکالات سه گانه وجود دارد:

اول: سلول تلقیحی از فضولات بدن انسان به شمار می رود و انسان مالک فضولات بدن خویش نیست تا بتواند آن ها را بفروشد، در حالی که ملکیت مبیع یکی از شرایط صحت بیع است. همچنین در این جا أخذ پول در مقابل رفع ید از حق اختصاص

شخص نسبت به سلول که بازگشت به هبه مشروطه دارد نیز صحیح نمی‌باشد؛ چون این حق اختصاص قابل انتقال به دیگری نمی‌باشد؛ چون با نهی شارع و این که شارع مقدس فرزنددار شدن دیگران از این سلول تکثیر یافته را منع نموده است، انتقال این حق به دیگران معنا ندارد.

دوم: گرچه سلول‌های تلقیحی متقاضی و خواهان دارد؛ ولی شارع مقدس منافع مقصوده از آن را مورد نهی و منع خود قرار داده است و شارع اجازه استفاده از این سلول‌ها جهت باروری و فرزند دار شدن را نداده است.

بنابراین، با توجه به تحریم منفعت مقصوده آن، مالیت سلول تکثیری الغاء شده است و در نتیجه فروش آن به خاطر عدم مالیت مبیع باطل است.

سوم: با بیرون آوردن سلول تکثیر یافته از رحم، عنوان جزء مبان از بدن انسان صادق می‌شود و جزء مبان از بدن انسان زنده نجس می‌باشد و خرید و فروش اعیان نجس جایز نیست، البته در جای خود در فقه بیان شده است که مجرد نجاست مانع از صحت بیع نیست، بلکه صحت بیع تابع وجود منفعت عقلاییه است، پس عمده، اشکال دوم است که با تحریم شارع منفعت و مالیت

سلول‌های تلقیحی الغاء شده است، در نتیجه خرید و فروش سلول‌های تلقیحی جایز نمی‌باشد.

بحث قابل طرح دیگر این که پس از تولد اطفال همزاد سازی شده آیا می‌توان این اطفال را به خانواده‌هایی که فرزنددار نمی‌شوند یا مراکزی که متقاضی هستند فروخت یا خیر؟

در این رابطه اشکال عمده‌ای که وجود دارد این است که مالک شدن نسبت به موجود زنده سبب مملک می‌خواهد و حال آن که کسی نمی‌تواند مالک انسان زنده دیگری شود و او را در معرض خرید و فروش قرار دهد، در حالی که قوام خرید و فروش و صحت بیع به مالکیت مبیع می‌باشد.

نتیجه آن که چون طفل شبیه‌سازی شده انسان حرّ و آزادی است که ملک کسی نمی‌باشد، قابل خرید و فروش نیست.

همچنین، از آن جا که حق اختصاص نسبت به طفل متولد شده نیز قابل تصور نیست، هبه مشروط از باب رفع ید از حق اختصاص و أخذ پول بدین صورت هم جایز نخواهد بود؛ چون انسان زنده متعلق حق اختصاص و سلطنت کسی قرار نمی‌گیرد.

ج) اجاره رحم برای عملیات همزاد سازی:

آیا می توان برای ادامه رشد و پرورش سلول تلقیحی که در آزمایشگاه نگهداری می شود، رحم زنی را اجاره کرد تا این سلول در رحم او رشد کرده، تبدیل به جنین شده و از او متولد شود؟ آیا چنین عقد اجاره ای صحیح می باشد یا خیر؟

بحث صحت اجاره به گونه ای مفصل در شبیه سازی انسانی مطرح شد^۱ و در آن جا نتیجه گرفتیم که این عقد اجاره حداقل از سه جهت اشکال دارد: اولاً: همزاد سازی حرمت تکلیفی دارد و عمل حرام نمی تواند متعلق عقد اجاره قرار بگیرد؛ ثانیاً: همزاد سازی منفعتی برای اجیر کننده ندارد چون حکم انتساب منتفی است و موجب فرزندان شدن او نمی شود و ثالثاً: عمل مورد اجاره مزاحمت با حق دیگری که شوهر این زن صاحب رحم باشد، دارد، پس این اجاره باطل است.

بنابر آنچه گفته شد اجاره رحم برای عملیات همزاد سازی صحیح نمی باشد و این عمل فاقد شرایط صحت اجاره است که فقها در کتاب اجاره ذکر نموده اند.

د) ثبوت دیه در اتلاف سلول‌های تلقیحی:

پس از تلقیح سلول غیر جنسی با تخمک تهی شده از هسته و قرار دادن آن در رحم، این سلول تلقیحی شروع به تقسیم و تکثیر می‌کند، در این مراحل تقسیم و تکثیر از نظر حکم تکلیفی بیان شد که از بین بردن و اتلاف این سلول‌های تکثیر شده جایز نیست، حال حکم وضعی آن مورد بحث است که آیا از بین بردن این سلول‌ها مستلزم ثبوت دیه می‌باشد یا خیر؟

به حسب مستفاد از روایات و کلمات فقها، از بین بردن نطفه‌ای که در مسیر تبدیل به جنین قرار گرفته، دیه دارد، پس از بین بردن این سلول‌های تکثیر شده حکم از بین بردن نطفه در رحم را دارد که دیه ثابت در آن بیست دینار شرعی است.

در روایت این مسکن از امام صادق علیه السلام آمده است:

«دية الجنین خمسة أجزاء خمس للنطفة عشرون دیناراً وللعلقه خمساً أربعون دیناراً وللمضغة ثلاثة أخماس ستون دیناراً...^۱؛ دیه جنین پنج قسمت می‌شود خمس آن مربوط به از بین بردن نطفه است که در آن بیست دینار ثابت می‌شود، دو خمس آن مربوط به از بین

بردن علقه است که چهل دینار ثابت می شود و سه خمس
آن مربوط به از بین بردن حالت مضغه است که شصت
دینار می شود...».

نتیجه آن که سلول های تکثیر یافته در رحم چون در مسیر
تشکیل جنین قرار گرفته و قابلیت تولد آدمی را پیدا کرده اند، هر
کاری که موجب از بین بردن آن ها شود مستلزم ثبوت دیه می شود و
دیه آن بیست دینار شرعی است.

بخش چهارم:

شبیه‌سازی حیوانات

فصل اول: تاریخچه شبیه‌سازی حیوانات و کاربردهای آن

فصل دوم: حکم تکلیفی شبیه‌سازی حیوانات

فصل سوم: احکام وضعی مترتب بر حیوان شبیه‌سازی شده

فصل اول

تاریخچه شبیه‌سازی حیوانات و کاربردهای آن

عملیات شبیه‌سازی در حیوانات به این روش است که نخست هسته سلول غیر جنسی (سوماتیک) از حیوان گرفته می‌شود و سپس از تخمک لقاح نیافته حیوان دیگر، هسته و خصوصیات ژنتیکی آن را خارج کرده و تخمک را تهی و فاقد هسته می‌نمایند و سپس هسته سلول غیر جنسی را به تخمک تهی شده (پوسته و غشاء تخمک) انتقال داده و با شوک الکتریونیکی موجبات ادغام آن دو فراهم می‌شود. سلول ادغام شده در محیط کشت در آزمایشگاه رشد می‌کند و پس از چند روز آن سلول تلقیح یافته را به رحم

حیوان منتقل می کنند.

به این عملیات «کلون سازی» یا همان شبهه سازی و همسان سازی می گویند که با تکثیر غیر جنسی از روی یک سلول بالغ زنده توسط فرآیند همانند سازی، نسخه ای مانند آن ساخته می شود.

شروع شبهه سازی در حیوانات را می توان دهه ۱۹۵۰ م دانست که نخستین بار دانشمندان توانستند قورباغه ها را کلون کنند و موجوداتی ایجاد کنند که تنها دارای صفات ژنتیکی یک والد باشند.

نخستین موفقیت در کلون سازی یک پستاندار که نقطه عطف و آغاز تحولی شگرف در این علم به شمار می آید، تولد گوسفند «دالی» در سال ۱۹۹۶ م توسط «یان ویلموت»^۱ انگلیسی در اسکاتلند می باشد.

این موفقیت جامعه علمی دنیا را برای مدتی به سکوت وادار کرد و عناوین خبری چون (فوق العاده است)، (باور نکردنی است) (گیج کننده است) و (هولناک است) در خبرگزاری ها و روزنامه ها منتشر شد و پس از آن سؤالاتی هیجان انگیز مطرح شد و این که

آیا شبیه سازی انسان هم به روش شبیه سازی دالی و با تکنیک های استفاده شده در آن امکان پذیر است یا نه؟ پس از آن در سال ۱۹۹۷م تولد دو میمون به نام های نتی و دیتو و در همان سال شبیه سازی موش و تولد گوساله ای به نام «پالی» ثبت شد^۱.

در سال ۱۹۹۹م پژوهشگران ژاپنی دو گوساله دو قلو شبیه سازی کردند که مدت کوتاهی پس از تولد شیر تولید می کردند.

در سال ۲۰۰۰م یکی از شگف آورترین دستاوردهای پدیده شبیه سازی اعلام شد: تولد چند بچه خوک به منظور انتقال عضو به انسان و...

با سرعت چشمگیری در سراسر جهان این فناوری جدید پیشرفت نمود و نمونه های مختلفی از حیوانات تا به امروز شبیه سازی شده اند.

در ایران نیز دانشمندان پژوهشکده رویان همزمان با این پیشرفت و خیز علمی در جهان مطالعات و تحقیقات خود را در دهه ۱۳۸۰ش در این زمینه شروع کردند و توانستند نخستین

۱. دیدگاه های اسلام در پزشکی، ص ۴۷.

گوسفند شبیه سازی شده را به نام «روباما» در مرداد ماه ۱۳۸۵.ش به دنیا آورند؛ ولی دقایقی پس از تولد مرد. در مهرماه ۱۳۸۵.ش تولد موفقیت آمیز گوسفند شبیه سازی شده «رویانا» ایران را در فهرست کشورهای موفق در زمینه تولید حیوانات شبیه سازی شده قرار داد.

و بعد از آن هم در سال ۱۳۸۸ بزغاله ای به نام حنا و دو گوساله شبیه سازی شده به نام های بنیانا و تامینا متولد شدند و هم اکنون جمهوری اسلامی ایران رتبه هشتم شبیه سازی حیوانات را در جهان دارد^۱.

باید خاطر نشان کرد که مجموعه تلاش های صورت گرفته در دو دهه اخیر در زمینه کلون کردن حیوانات با این که از لحاظ تجربی موفقیت آمیز بوده است؛ اما بسیاری از آزمایش ها با شکست مواجه شده است به گونه ای که برای تولد دالی، ۲۷۷ مورد تلاش در مرحله آزمایشگاهی صورت گرفت و تنها ۱۲ مورد آن ها به حاملگی گوسفند مادر ختم شد و در نتیجه تنها یک گوسفند شبیه سازی شده به دنیا آمد و در مجموع حدود یک درصد از

حیوانات شبیه سازی شده زنده مانده اند و گوسفند دالی که نخستین عملیات موفق در این زمینه بود نیز در سال ۲۰۰۳م در شش سالگی مرد. با این همه پژوهش ها به گونه ای روز افزون و شتابی خیره کننده ادامه دارد.

فواید و کاربردهای شبیه سازی حیوانات

- تولید حیوانات یکسان از نظر ژنتیکی تا در جهت پژوهشی مورد استفاده قرار گیرند.

- عملیاتی شدن تولید مثل سریع حیوانات دلخواه.

- ارتقاء سطح دانش پایه ای در مورد تمایز سلول ها.

- بهبود زندگی نسل های آینده.

- نجات گونه های حیوانی در خطر انقراض.

- تقویت منابع غذایی.

- مبارزه با آثار زیان بار بسیاری از بیماری ها و کهنسالی ها.

- اصلاح خصوصیات وراثتی در حیوانات؛ مانند بازدهی شیر،

خصوصیات پشم یا میزان تخم گذاری و گوشت بیشتر.

- استفاده از حیوانات کلون شده به عنوان کارخانه های دارو و

تولید انسولین، آنتی بادی و....

- الگوهایی برای مطالعه بیماری های انسان.
- اندام های اهدایی برای پیوند به انسان.
- خارج نمودن ژن های زیان بار.

فصل دوم

حکم تکلیفی شبیه‌سازی حیوانات

حکم شبیه‌سازی حیوانات باید در دو مقام حکم تکلیفی و وضعی بررسی شود:

در مقام اول باید حکم تکلیفی شبیه‌سازی حیوانات مشخص شود و این که آیا این عملیات جایز است یا نه؟

فقه‌های امامیه حکم به جواز شبیه‌سازی حیوانات کرده‌اند و دلیل آن نبودن دلیلی بر حرمت و این که مقتضای اصل اولی اباحه و جواز این فعل است.

در مقابل برخی از فقهای اهل سنت حکم به حرمت این عملیات کرده اند^۱. وجوهی که برای حرمت این عملیات بیان شده همان وجوه عام حرمت شبیه سازی است که شامل بحث شبیه سازی حیوان نیز می شود. برخی از آن وجوه به شرح زیر است:

وجه اول: شبیه سازی نوعی تشبه به خالق است و تحقق آن، این شبهه را در اذهان عامه مردم پیش می آورد که انسان دست به خلق زده و قدرت خالقیت دارد^۲ و بر روی زمین خدایی می کند و در برابر خدا دست به آفرینش می زند و حال آن که خلق و خالقیت مختص به خداوند متعال است: ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾^۳، پس برای پیش گیری از این قبیل شبهات باید آن را حرام شمرد تا مردم ساده دل فریب نخورند و ایمانشان سست نشود.

به این وجه اشکال می شود که شبیه سازی خلق نیست، بلکه ترکیب سلول و تخمکی است که خدا آن ها را آفریده است و ترکیب دو شیء خارجی در شرایط خاص است: نه این که او چیزی را

۱. الاستنساخ البشري بين التحليل والتحریم، ص ۲۴۵.

۲. الاستنساخ بدعة العصر، ص ۵۱.

۳. الاعراف، آیه ۵۴.

خلق و ایجاد کند و نقش دانشمندان در این زمینه مانند نقش کشاورزان است که بذر موجود را با اطلاع از قابلیت آن در شرایط مناسب رشد، قرار می دهند، پس هیچ یک از دانشمندان توانایی ساختن یک سلول را با آن که مواد تشکیل دهنده آن را می شناسند، ندارند و کار آن ها تنها ترکیب و تألیف اشیای موجود است که همان سلول و تخمکی است که خداوند آن ها را آفریده است. خلق ایجاد از عدم و مختص خداوند است؛ ولی شبیه سازی تصرف در مواد خلق شده توسط خداوند و آگاهی از ویژگی های هر یک و ترکیب آن ها با دقت و اتقان بر اساس قواعد و قوانینی است که خداوند در عالم وجود نهاده است.

همچنین، سابقه نداشتن و خلاف متعارف بودن کاری دلیل بر حرمت آن نمی شود و بر انجام دادن کاری بر خلاف رویه متعارف خلق و اعجاز صادق نیست و گرنه باید نسبت به تمام اکتشافات علمی و پیشرفت های جدید بشری مهر ممنوعیت زد و اگر هم این مورد را حل کردیم، باز فردا مسأله دیگری پیش خواهد آمد و هر پیشرفت علمی به ویژه در عرصه مهندسی ژنتیک می تواند تهدیدی برای باورهای غیر دقیق و تقلیدی عامه مردم باشد.

در نتیجه این وجه نمی تواند به عنوان دلیل بر حرمت شبیه سازی

کارآیی داشته باشد.

وجه دوم: شبیه سازی نوعی تحدی با خالق و دخالت در کار او و خدایی کردن است. بشری که باید مطیع قوانین هستی باشد و خود را فرمانبردار خداوند بداند، با این کار پای از گلیم خود بیرون کشیده، دست به تحدی و مبارزه طلبی با خدا زده و قوانین او را به چالش فرا خوانده است. سنت خدا آفرینش بر اساس توالد و تولید جنسی بوده؛ اما بشر با طرح ایده شبیه سازی عملاً در کار خدا دخالت کرده، گویی خواسته است تا او را از کارش معزول کند یا هم‌اوردی بطلبد.

نور الدین مختار الخادمی از علمای معاصر اهل سنت در این باره می گوید:

«چگونه مسأله دخالت در حقّ الله و اراده او را در خلقت می توان پذیرفت؟ علم برای رفتن به سوی خداست نه گریز از خدا و ادعای برابری و مشارکت با او در خلق و انشاء»^۱.

مجمع البحوث الاسلامیه وابسته به الازهر^۱ نیز در بیانیه خود، شبیه سازی را عملی دانسته که با قوانین الهی به تحدی برخاسته است. رابطه العالم الاسلامی^۲ نیز شبیه سازی را اعلام خصومت با خدا معرفی کرده است، پس شبیه سازی مصداق تحدی و مبارزه طلبی با خداوند متعال است و تحدی در مقابل خداوند متعال از محرّمات در شریعت اسلامی است.^۳

به این وجه چند اشکال وارد شده است که عبارتند از:

اولاً: شبیه سازی عملی نیست که در آن دانشمندان موجودی را خلق کنند و عنوان خلقت موجود زنده صادق نیست تا تحدی با خالق محقق شود، بلکه بیان کردیم که دانشمندان با ترکیب سلول و تخمک که هر دو مخلوق خود خداوند هستند و ترکیب آنها با یکدیگر، مقدمات ایجاد موجود زنده را فراهم می کنند. شبیه سازی استفاده از قوانین و علل طبیعی است که خداوند در طبیعت و عالم مقرر فرموده است و دخالت در خلقت خداوند و تحدی با خدا در

۱. پایگاه نداء الایمان ۲۹/۱۲/۲۰۰۲، al emun. Com

۲. رساله من رابطه العالم الاسلامی در سایت islamonline. net

۳. اسراء، آیه ۸۸ و بقره، آیه ۲۳.

خلقتش نیست.

ثانیاً: به مجرد این که عملی خلاف سنت و قانون الهی باشد بر آن عنوان تحدی صادق نیست و حرام نمی باشد و گرنه باید در مان های ناباروری و عقیمی مردان و یا لقاح مصنوعی برون رحمی نیز حرام باشد؛ چون بر خلاف سنت الهی در تولید مثل و توالد است. افزون بر آن، این که کاری سابقه نداشته و خلاف متعارف است، دلیل بر حرمت آن نمی شود و بر انجام دادن کاری بر خلاف رویه متعارف خلق و اعجاز صادق نیست و گرنه باید نسبت به تمام اکتشافات علمی و پیشرفت های جدید بشری مهر ممنوعیت زد.

ثالثاً: تحدی از عناوین قصدیه است که تنها با قصد و نیت انجام آن تحقق پیدا می کند و از این جهت مانند توهین و تعظیم است که قصد داشتن، از عناصر اساسی آن به شمار می رود. در نتیجه تحدی بدان معناست که کسی کاری را با قصد مبارزه طلبی انجام دهد؛ برای نمونه، عمل فرعون آن جا که از هامان می خواهد برایش بنای بلندی بر آورد تا خدای موسی را ببیند^۱، تحدی است؛

اما اگر امروز کسی فضا پیمایی بسازد تا به کرات دیگر برود، نمی توان کارش را تحدّی خواند.

در نتیجه اگر کسی به قصد تحدّی و مبارزه طلبی دست به شبیه سازی بزند، این عمل با قصد تحدّی حرام خواهد بود، گرچه در واقع خلق و خلقتی نباشد.

وجه سوم: شبیه سازی مصداق تغییر خلقت الهی است و تغییر خلقت الهی از اغوانات شیطانی است که در آیه شریفه: ﴿فَلْيَغْيِرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾^۱ به آن اشاره شده است و از محرمات در شریعت اسلامی می باشد.

مسیر طبیعی تولد و تولید مثل از راه تلقیح سلول های جنسی زن و مرد است و شبیه سازی تولید مثل بر خلاف سنت الهی و مسیر طبیعی آن است، پس تغییر خلقت الهی محسوب می شود و حرام است.

بیشتر علمای اهل سنت از جمله: «نصر فرید واصل»^۲ مفتی

۱. الروم، آیه ۳۰.

۲. الاستسناخ فی میزان الاسلام، ص ۱۶۱.

مصر، «قرضاوی»^۱، «صبری الدمرداش»^۲ و نیز «مجمع الفقه الاسلامی»^۳ این دلیل را مهم ترین وجه حرمت شبهه سازی قلمداد کرده اند. رابطه الاسلامی در بیانیه خود بر حرمت شبهه سازی آورده است:

«عملیات شبهه سازی بر اساس بازی کردن با ژن های وراثتی انسان جهت دستیابی به موجود شبهه سازی شده مشمول منع است و تغییر خلق الله بوده و از عمل شیطان می باشد ﴿لَا مَرَمَ لَهُمْ فَلْيَعْمُرُوا خَلْقَ اللَّهِ﴾»^۴.

به این وجه اشکال می شود که ایجاد یک شیء بر خلاف طریقه متعارف، مصداق تغییر خلقت الهی نیست و در شبهه سازی با استفاده از خصوصیات اشیاء و ترکیب آنها با یکدیگر مقدمات تشکیل موجود جدید فراهم می شود و نوعی واسطه شدن برای ترکیب سلول غیر جنسی با تخمک و رشد و پرورش آن برای ایجاد موجود شبهه سازی شده است و استفاده از علل و قوانین طبیعی

۱. الاستنساخ البشري، ص ۲۰۲.

۲. الاستنساخ قبله العصر، ص ۹۲.

۳. مجله مجمع الفقه، ص ۳۶۷.

۴. رساله من رابطه العالم الاسلامی، در سایت Islam online. net.

است که خداوند در طبیعت و عالم مقرر فرموده است.

اشکالات متعددی بر این وجه سوم وارد است که در بحث شبیه سازی انسان^۱ به آن اشاره شد و در آن جا نتیجه گرفتیم که شبیه سازی مصداق تغییر خلقت نیست و نیز تغییر خلقتی که در آن معارضه و مقابله با خداوند متعال تعریف شود، حرام است نه مطلق تغییر خلقت.

نتیجه بحث این که ادله حرمت شبیه سازی حیوانات ناتمام است و به نظر نگارنده شبیه سازی حیوانات جایز می باشد.

نظرات فقها و مراجع تقلید:

- آیت الله سیستانی: «شبیه سازی حیوانات مانعی ندارد»^۲.
- مرحوم آیت الله بهجت: «ظاهراً اشکالی به نظر نمی رسد»^۳.
- آیت الله خامنه ای: «این کار فی حد نفسه اشکالی ندارد»^۴.

۱. ر. ک: صفحه ۳۴.

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سیستانی، بخش استفتانات sistani.org.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله بهجت، بخش استفتانات bahjat.org.

۴. سایت تبیان، بخش احکام، tebyan.net.

- آیت الله سید حسن مرتضوی: «شبیه سازی در حیوانات مانعی ندارد»^۱.

- آیت الله مکارم شیرازی: «این کار در مورد حیوانات اشکالی ندارد»^۲.

- آیت الله صافی گلپایگانی: «اگر مفسده ای نداشته باشد، اشکالی ندارد»^۳.

- آیت الله نوری همدانی: «شبیه سازی در غیر انسان جایز است»^۴.

نظر علمای اهل سنت:

بیشتر علمای اهل سنت شبیه سازی در گیاهان و حیوانات را مجاز می دانند. چکیده دیدگاه اهل سنت در بیانیه نهایی دهمین نشست مجمع فقه اسلامی آمده است. در بند چهار این بیانیه آمده است:

۱. استفتاء از معظم له.

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی، بخش استفتانات makarem.ir.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله صافی گلپایگانی، بخش استفتانات safi.ir.

۴. سایت تبیان، بخش احکام، tebyan.net.

«استفاده از تکنیک‌های شبیه‌سازی و مهندسی ژنتیک

در عرصه میکروب‌ها و دیگر جانوران ذره بینی و گیاهان

در حدود ضوابط شرعی به گونه‌ای که مصالح را تأمین و

مفسد را دور کند، مجاز است»^۱.

دکتر قرضاوی هم با سه شرط شبیه‌سازی حیوانات را مجاز

شمرده است:

«اول: در این کار مصلحتی واقعی نه پنداری برای

انسان باشد.

دوم: این که مفسده‌ای بیشتر از مصلحت این کار در

میان نباشد.

سوم: این کار زیانی برای حیوانات، اگرچه در طولانی

مدّت نداشته باشد»^۲.

ریاض احمد می‌گوید:

«از آن‌جا که طبیعت و حیوانات مسخر ما هستند،

شبیه‌سازی حیوانی منع شرعی ندارد؛ زیرا خداوند آن‌ها را

۱. مجله مجمع الفقه الاسلامی، الدورة العاشرة، ج ۳، ص ۴۲۲.

۲. الاستنساخ البشر و تداعياته، ص ۹.

برای ما مسخّر کرده است»^۱.

محمود سرطاوی رئیس دانشکده شریعت اردن گفته است:

«شبیه سازی حیوانی جایز است به دلیل حفظ ثروت

حیوانی و نباتی و خیر فراوان خود، مشروط به آن که مقید

به اخلاق باشد»^۲.

نورالدین الخادمی نیز نه تنها این کار را جایز شمرده، بلکه تا

مرحله وجوب کفایی آن پیش رفته، و گفته است شبیه سازی گیاهی

و حیوانی موجب اقتدار جامعه اسلامی است در نتیجه برای عمل

به آیه شریفه: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾^۳ از انجام آن ناگزیر هستیم^۴.

۱. الاستنساخ فی میزان الاسلام، ص ۱۷۳.

۲. الاستنساخ فی میزان الاسلام، ص ۱۶۶.

۳. انفال، آیه ۶۰.

۴. الاستنساخ البشري بدعة العصر، ص ۹۸.

فصل سوم

احکام وضعی مترتب بر حیوان شبیه‌سازی شده

بر حیوانی که از طریق سلول غیر جنسی تلقیح، تکثیر و متولد شده، احکام وضعی مختلفی مترتب می‌شود؛ مانند این که مالک این حیوان چه کسی باشد؟ حلیّت و حرمت گوشت آن چگونه است؟ و ضابطه حلیّت و حرمت در حیوان شبیه‌سازی شده چیست؟ طهارت و نجاست آن و خرید و فروش آن چگونه است؟ استفاده کردن از این حیوان برای مواردی که حیوان خاصی موضوع حکم شرعی است؛ مانند کفارات و قربانی، صحیح و مجزی است یا نه؟

اين احكام بايد به تفصيل مورد بحث قرار بگيرند:

الف) ملكيت حيوان شبيه سازى شده:

آيا مالك اين حيوان كسى است كه مالك حيوانى بوده كه از او تخمك گرفته شده است يا مالك حيوانى كه از او سلول غير جنسى اخذ شده است يا مالك حيوانى كه او را زاييده است؟

قاعده عام در حيوانات بر اين اساس است كه ملكيت حيوان تابع مادر و كسى كه او را زاييده است، مى باشد كه اين قاعده بين فقهاى اماميه اجماعى است^۱ بر خلاف انسان كه در عبد گفته شده تابع پدر مى باشد، پس نماء و نتاج در حيوانات، تابع حيوان مادر است.

حال اگر سلول تلقيحى در رحم حيوانى قرار بگيرد، بچه تابع مادر صاحب رحم مى باشد و كسى كه او را زاييده است در نتيجه حيوان شبيه سازى شده ملك صاحب حيوان ماده است و نماء اين حيوان ماده دانسته مى شود و اگر سلول تلقيحى در ظرف رحم مصنوعى و مناسب در آزمائشگاه رشد و پرورش پيدا كند تا متولد شود و به رحم حيوان منتقل نشود، اين جا ديگر قاعده نماء و

۱. مفتاح الكرامة، ج ۱۸، ص ۳۵۰.

ملکیت مادر در حیوانات پیاده نمی شود؛ چون حیوانی نداریم تا این بچه نما و نتاج او حساب شود؟

بنابراین، باید قواعد عام ملکیت پیاده شود. در مواردی که دو شیء با هم مخلوط شده باشند و شیء سوم حاصل شود، گفته شده امتزاج بین آن دو موجب شرکت دو مالک اصل در این نتیجه می شود؛ مانند ترکیب سرکه و عسل که سکنجبین تولید می شود. قاعده شرکت در اموال این است که شرکت به مقداری است که هر یک از آن دو در اصل مالکیت دخالت داشته اند و در محل بحث هم که با ترکیب سلول غیر جنسی از حیوان (الف) با تخمک از حیوان (ب)، حیوان (ج) شبیه سازی شده است، مالک حیوان (ج)، دو مالک حیوان (الف) و (ب) به نحو شرکت می باشند.

البته تطبیق قاعده امتزاج و شرکت متوقف بر این است که قائل به ملکیت نسبت به اصل؛ یعنی سلول غیر جنسی و تخمک بشویم تا قاعده امتزاج و شرکت پیاده شود؛ ولی اگر ملکیت را نپذیریم به این تقریب که ملکیت فضولات بدن؛ مانند تخمک محل اشکال و منع است، در نهایت حق اختصاص ثابت می شود و هر یک از دو مالک حیوان (الف) و (ب) حق اختصاص نسبت به سلول غیر جنسی و تخمک پیدا می کنند، در نتیجه نسبت به حیوان شبیه سازی

شده نیز ملکیت حاصل نمی‌شود، بلکه همان حق اختصاص پذیرفته می‌شود.

به این قاعده شرکت اشکالی وارد است و آن این که: قاعد شرکت در مواردی پیاده می‌شود که هر دو مؤثر در تحقق نتیجه باشند؛ ولی اگر رابطه به نحوی باشد که یکی اثر گذار است و دیگری مستهلک شده به گونه‌ای که حاصل، نتیجه حالت یکی از دو شیء است نه هر دو، در این موارد امتزاج موجب شرکت در مالکیت نخواهد شد، بلکه موجب ملکیت یکی از دو طرف و از بین رفتن ملکیت دیگری و تبدیل آن به ضمان می‌شود، مانند ریختن نمک در غذا که غذا مخلوط گوشت و نمک به حساب نمی‌آید، بلکه نمک در آن مستهلک شده است، پس قاعده شرکت پیاده نمی‌شود و تنها غرامت و بدل نمک تلف شده را باید بپردازد.

در محل بحث نیز سلول غیر جنسی که با تخمک مخلوط و تلقیح شده و در عملیات شبیه‌سازی هسته تخمک خارج شده و تخمک پوسته، غشاء و ظرفی برای پرورش سلول غیر جنسی است و تمام ۴۶ کروموزوم از سلول غیر جنسی است، پس کپی و شبیه صاحب سلول غیر جنسی است و تمام ژن‌های وراثتی را از سلول غیر جنسی اخذ کرده است نه این که حامل ژن‌های سلول و

تخمک با هم باشد، در نتیجه قاعده شرکت پیاده نمی شود و مالک این حیوان متولد شده، مالک سلول غیر جنسی است و نسبت به تخمک أخذ شده، تنها غرامت و ضمان وجود دارد.

در رابطه با ملکیت حیوان شبیه سازی شده استفتائاتی از آیت الله سید کاظم حائری شده است. ایشان در پاسخ می گوید:

«اگر شخصی که عملیات شبیه سازی را انجام دهد سلول غیر جنسی و تخمک را از مالک آن حیوان بخرد و بعد عملیات شبیه سازی را انجام دهد، خود او مالک حیوان متولد شده است و گرنه مالک این حیوان، صاحب دو حیوانی است که سلول غیر جنسی و تخمک از آن ها أخذ شده است و آن دو شریک می باشند»^۱.

ب) طهارت و نجاست و حلیّت و حرمت لحم حیوان

شبیه سازی شده:

حیوان شبیه سازی شده از جهت طهارت و نجاست و حلیّت و حرمت لحم آن، مشمول قاعده ای است که در فقه به آن اشاره شده است که حیوان متولد از دو حیوان در طهارت و نجاست تابع

۱. الفتاوی المنتخبة، ص ۲۵۶.

صدق اسم هر یک می باشد. اگر اسم حیوان حلال گوشت و طاهر بر آن صادق باشد، حکم به طهارت و حلیت گوشت آن می شود و اگر اسم حیوان نجس العین و یا حرام گوشت بر آن صدق بکند حکم به نجاست و حرمت اکل گوشت آن خواهد شد.

مرحوم وحید بهبهانی می گوید:

«أما الحيوان المتولد من الطاهر والنجس فإنه يتبع الإسم على ما هو الظاهر من أصحاب^۱؛ حیوان متولد از دو حیوان نجس و طاهر در نجاست و طهارت تابع صدق اسم هر یک می باشد، چنانچه ظاهر فتوای اصحاب همین است».

در موسوعه الفقه اسلامی نیز آمده است:

«الحيوان المتولد من حيوانين في النوع يتبع ما يصدق عليه من الإسم^۲؛ حیوان متولد از دو حیوان مختلف در نوع تابع صدق اسم هر یک می باشد».

در شبیه سازی نیز چون حیوان متولد شده تمام اوصاف ژنتیکی صاحب سلول غیر جنسی را خواهد داشت و کپی و شبه اوست،

۱. مصابیح الظلام، ج ۴، ص ۵۲۱.

۲. موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (عليهم السلام)، ج ۳، ص ۱۴۰.

بنابراین، اسم و عنوان صاحب سلول غیر جنسی بر او صادق خواهد بود، پس در طهارت و نجاست و حلیّت و حرمت تابع همان خواهد بود.

آیت الله سید کاظم حائری درباره حلیّت و حرمت گوشت حیوان شبیه سازی شده می گوید:

«حکمه حکم لحم الحيوان الذي يصدق عرفاً إسمه على هذا المخلوق^۱؛ در رابطه با حلیّت و حرمت گوشت تابع حیوانی است که عرفاً اسم او بر این موجود شبیه سازی شده صادق است».

که طبیعتاً همان صاحب سلول غیر جنسی خواهد بود. بر فرض، اگر شک در صدق اسم حیوان شبیه سازی شده بشود، باید به قواعد و اصول کلی رجوع شود که خود بحث مفصلی دارد و اختلافی می باشد.

نسبت به طهارت و نجاست حیوان، اصل طهارت جاری می شود و حکم به طهارت حیوان می شود، چون نجس العین بودن حیوان به دلیل خاصی نیاز دارد و خلاف قاعده می باشد و نسبت به

حلیّت و حرمت گوشت حیوان، اگر اصل عدم تذکّیه در شبهه حکمیه جاری شود با جریان این اصل در نتیجه حیوان حرام گوشت می شود؛ ولی اگر در شبهه حکمیه اصل عدم تذکّیه جاری نشود نوبت به اصاله الحلیة می رسد و با جریان این اصل در نتیجه حیوان حلال گوشت می شود.

ج) خرید و فروش حیوان شبیه سازی شده:

اگر ملکیت حیوان شبیه سازی شده را پذیرفتیم، با ثبوت ملکیت، خرید و فروش حیوان صحیح می باشد؛ ولی با عدم ثبوت ملکیت نسبت به حیوان شبیه سازی شده، نهایتاً حق اختصاص نسبت به حیوان پذیرفته می شود و معامله آن از باب هبه مشروط و گرفتن پول در مقابل رفع ید از حق اختصاص، صحیح خواهد بود.

د) احکامی که حیوان خاصی موضوع آن است:

در برخی از احکام، حیوان خاصی موضوع می باشد؛ مانند قربانی در حج یا کفارات احرام. در چنین مواردی آیا می توان حیوان شبیه سازی شده را قربانی کرد یا به عنوان کفاره پرداخت یا نه؟

در این موارد بنابر قاعده اگر بر حیوان شبیه سازی شده اسم و

عنوان آن حیوان؛ مانند گوسفند و گاو و شتر عرفاً صادق باشد و
صدق اسم محرز شود، می توان از حیوان شبیه سازی شده در این
امور استفاده و بهره برداری نمود.

نتیجه گیری

در این نوشتار موضوع شبیه سازی را در چهار بخش از منظر فقه اسلامی بررسی کردیم، در بخش نخست به بحث شبیه سازی انسان پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که چون عملیات شبیه سازی همیشه مستلزم از بین رفتن هویت و نسب اشخاص شبیه سازی شده می شود و در برخی موارد هم مستلزم محاذیری چون اختلال نظام و بی نظمی در جامعه و از بین رفتن نهاد ازدواج و خانواده خواهد شد، حرام می باشد.

در بخش دوم شبیه سازی اعضای بدن قائل شدیم که شبیه سازی اعضا و اندام های مختلف بدن انسان جایز می باشد و محذوری ندارد.

در بخش سوم که همزاد سازی انسان و ایجاد چند قلوهای مشابه و یکسان بود گفتیم به شرط اینکه عملیات همزاد سازی باعث به خطر افتادن و ضرر رساندن به سلول تلقیحی و جنین باقیمانده در رحم نشود و این عملیات تضمینی شده باشد، جایز می باشد.

و در بخش چهارم که شبیه سازی حیوانات بود، نیز مطلقاً قائل به جواز عملیات شبیه سازی در حیوانات شدیم.

نمايه آيات

(١) إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
(آل عمران / ٥٩): ٤٦، ٤٧

(٢) الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا
كَثِيرًا وَنِسَاءً (النساء / ١): ١٦١

(٣) وَرَبَّابِكُمْ الَّذِي فِي حُجُورِكُمْ (النساء / ٢٣): ٧٦

(٤) لَا أَمْرَ لَهُمْ فَلْيَعْزِزْنَّ خَلَقَ اللَّهُ (النساء / ١١٩): ٣٤، ١١٤، ١٨٩،

١٩٠

(٥) فَكُلُوا مِنْهَا أَمْسَكْنَ (المائدة / ٤): ١٥٣، ١٥٤

(٦) أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ (الاعراف / ٥٤): ١٨٤

(٧) وَأَعِذُوا لَكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ (الانفال / ٦٠): ١٩٤

(٨) فِطَرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (الروم / ٣٠):

(۹) وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوُحُوشِ إِنَّ

فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (الروم / ۲۲): ۳۹

(۱۰) حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَظِيمًا وَهِيَ تَحَمِلُهُ (لقمان / ۱۴): ۱۴۶، ۱۶۰

(۱۱) حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا (احقاف / ۱۵): ۱۴۶، ۱۶۰

(۱۲) يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

لِتَعَارَفُوا (حجرات / ۱۳): ۳۸

(۱۳) وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتُهُ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ (النجم / ۳۲): ۱۴۷، ۱۶۰

(۱۴) الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا

الَّذِي وَلَدَتْهُمْ (مجادله / ۲): ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۵

(۱۵) أَلَمْ يَكُنْ نُطْقَةً مِنْ مِثْلِي يُعْنِي (قيامت / ۳۷): ۴۳

(۱۶) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ أَمْسَاجٍ (الدهر / ۲): ۱۶۰

(۱۷) أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَعِينٍ (مرسلات / ۲۰): ۴۳

(۱۸) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (طارق / ۷): ۴۳

نمايه روايات

(١) اختاروا لنطفكم فان الخال أحد الضجيعين: ١٦١

(٢) الإسلام شهادة أن لا إله إلا الله: ٩٠

(٣) ان أشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل أقرّ نطفته في رحم يحرم

عليه: ١٣٥

(٤) انكحوا الاكفاء وانكحوا فيهم واختاروا لنطفكم: ١٤٨

(٥) انما المرأة وعاء: ١٤٩

(٦) تخيروا لنطفكم فان الابناء تشبه الأخوال: ١٦١

(٧) حرم الله الزنا لما فيه من الفساد: ٥١

(٨) دية الجنين خمسة أجزاء خمس للنطفة: ١٧٣

(٩) رجل ولد على الاسلام ثم كفر وأشرك: ٩٣

(١٠) الرجل يشتري الجارية الصغيرة التي لم تطمئ: ٥١

(۱۱) العدة من الماء: ۵۰

(۱۲) عن الرجل من أهل الحرب اذا اسلم فى دار الحرب: ۸۷

(۱۳) قلت لأبى عبد الله أشترى الجارية فربما احتبس طمئتها من

فساد أو ريح فى رحم: ۱۱۱، ۱۳۹

(۱۴) كفر بالله من تبرأ من نسب: ۵۲

(۱۵) كل مسلم بين مسلمين ارتد عن الاسلام: ۹۳

(۱۶) لأن فى القذف نفي الولد: ۵۲

(۱۷) المرأة تخاف الحبل فشرب الدواء فتلقى ما فى بطنها: ۱۱۱،

نمایه اشخاص

اراکي، محمد علي: ۱۶۳

بحراني، يوسف = صاحب حدائق: ۱۵۰

بهجت، محمد تقی: ۱۹۱

تبریزی، جواد: ۴۰، ۵۴، ۶۱، ۶۸، ۸۵، ۹۵، ۱۲۰، ۱۶۷، ۱۵۶

حائری، سید کاظم: ۸۵، ۶۹، ۶۱، ۵۴، ۴۰، ۲۰۱، ۱۹۹، ۱۵۶، ۱۴۱

حکیم، سید محمد سعید: ۷۰، ۱۲۰، ۱۵۶

خامنه‌ای، سید علی: ۱۵۶، ۱۹۱

خمینی، سید روح الله: ۱۵۶

خویی، سید ابوالقاسم: ۱۳۸، ۱۵۵

الدمرداش، صبری: ۱۹۰

رشتی، میرزا حبیب الله: ۱۰۱

ریاض احمد: ۴۷، ۵۴

سبحانی، جعفر: ۱۲۱

سرطاوى، محمود: ۱۹۴

سيستانى، سيد على: ۶۷، ۱۶۳، ۱۹۱

شاهرودى، سيد محمد: ۱۵۶

شبيرى زنجانى، سيد موسى: ۶۹، ۸۵، ۱۲۲

شوپايى جويبارى، حسين: ۱۲، ۱۰۳

شهيد اول، محمد بن مكى: ۸۰، ۸۱

صافى گلپايگانى، لطف الله: ۶۹، ۱۹۲

طباطبايى، سيد محمد حسين: ۳۶

طبرسى، فضل بن حسن: ۳۵

عاملى، سيد جواد: ۵۰

عبدالعزيز بن باز: ۵۸

عمر هاشم، احمد: ۵۹

عياشى، محمد بن مسعود: ۳۵

فاضل لنكرانى، محمد: ۶۸، ۱۵۷

فريد واصل، نصر: ۱۸۹

فياض، محمد اسحاق: ۷۱

القرضاوى، يوسف: ۴۰، ۵۸، ۱۹۰، ۱۹۳

قمى، على بن ابراهيم: ۳۵

محقق حلی: ۱۰۰

مختار الخادمی، نورالدین: ۱۴۴، ۱۸۶، ۱۹۴

مرتضوی، سید حسن: ۱۲، ۳۹، ۴۴، ۶۸، ۱۲۱، ۱۹۲

مرتضوی، عبدالهادی: ۱۲

مقدس اردبیلی، احمد: ۸۳

مکارم شیرازی، ناصر: ۵۴، ۲۶، ۶۱، ۶۴، ۶۹، ۸۶، ۱۲۱، ۱۹۲

موسوی اردبیلی، عبدالکریم: ۷۱، ۱۵۹

نجفی، محمد حسن = صاحب جواهر: ۸۷

نوری همدانی، حسین: ۱۹۲

وحید بهبهانی: ۲۰۰

هاشمی شاهرودی، سید محمود: ۷۰

هال واستیلین: ۱۲۵

همدانی، رضا: ۸۹، ۹۰

یان ویلموت: ۱۱، ۱۷۸

کتابنامه

قرآن کریم

الف) منابع فارسی

۱. اراکی، محمد علی، استفتائات، چاپ اول، قم، نشر معروف،

۱۳۷۳ ش.

۲. اسلامی، سید حسین، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین

کاتولیک و اسلام، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ ش.

۳. بهجت، محمد تقی، استفتائات، چاپ اول، قم، دفتر آیت

الله بهجت، ۱۴۲۸ ق.

۴. تبریزی، جواد، استفتائات جدید، چاپ اول، قم، دار

الصدیقه الشهیده علیها السلام، [بی تا].

۵. جمعی از مؤلفان، مسائل مستحدثه پزشکی، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ق.
۶. جمعی از نویسندگان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، [بی تا].
۷. حجت، هادی، احکام پزشکان و مشاغل مربوط به پزشکی چاپ ششم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۸. خامنه‌ای، سید علی، اجوبة الاستفتائات، چاپ اول، قم، دفتر آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق.
۹. رضانیامعلم، محمدرضا، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش
۱۰. شوپایی جویباری، حسین، تقریرات درس خارج فقه تلقیح مصنوعی، مخطوط، قم، ۱۳۹۲ش.
۱۱. _____، تقریرات درس خارج فقه شبیه‌سازی، مخطوط، قم، ۱۳۹۳ش.
۱۲. صادقی، محمود، همانند سازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.

۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، استفتائات پزشکی، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. فاضل لنکرانی، محمد، احکام پزشکان و بیماران، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، [بی تا].
۱۵. ———، جامع المسائل، چاپ یازدهم، قم، امیر قلم، [بی تا].
۱۶. فتاحی معصوم، سید حسین، مجموعه مقالات سومین همایش دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، چاپ اول، مشهد، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۸۴ش.
۱۷. گرم آبدشتی، علیرضا، احکام و استفتائات بهداشتی و پزشکی، چاپ چهارم، مشهور، ۱۳۸۲ش.
۱۸. محمودی، سید محسن، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، چاپ هفتم، قم، صاحب الزمان علیه السلام، ۱۳۸۶ش.
۱۹. مرتضوی، سید حسن، تقریرات درس خارج فقه (مسائل مستحدثه)، مخطوط، مشهد، ۱۳۶۸ش.
۲۰. مرتضوی، سید محسن، پیوند اعضا و مرگ مغزی در آینه فقه، چاپ اول، مشهد مقدس، نسیم رضوان، ۱۳۹۳ق.

۲۱. _____، كالبه شكافى در آينه فقه، چاپ اول، قم، بوستان كتاب، ۱۳۹۲ ش.
۲۲. مكارم شيرازى، ناصر، احكام پزشكى، چاپ اول، قم، مدرسه اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۴۲۹ ق.
۲۳. _____، استفتائات جديد، چاپ دوم، قم، مدرسه اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۴۲۷ ق.
۲۴. _____، كتاب النكاح، چاپ اول، قم، مدرسه اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۴۲۴ ق.
۲۵. موسى اردبيلى، عبدالكريم، استفتائات، قم، انتشارات نجات، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. هوشمند ويژه، محمد، كالبه شناسى و فيزيولوژى دانشگاه ويژه علوم پزشكى، تهران، بهجت، ۱۳۷۱ ش.

ب) منابع عربى:

۲۷. اردبيلى، احمد، مجمع الفائدة والبرهان، چاپ اولف قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۳ ق.

۲۸. الأشقر، محمد سليمان، أبحاث اجتهادية في الفقه الطبى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۱ م.
۲۹. انصارى شیرازی، قدرت الله، موسوعة احكام الاطفال وأدلتها، چاپ اول، قم، مركز فقهی ائمه اطهار عليه السلام، ۱۴۲۹ ق.
۳۰. انصارى، مرتضى، المكاسب (المحشى)، چاپ سوم، قم، دار الكتاب، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. بحرانی، يوسف، الحدائق الناظرة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۵ ق.
۳۲. بروجردى، حسين، جامع احاديث الشيعة، چاپ اول، تهران، فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ ق.
۳۳. تبریزی، جواد، المسائل المنتخبة، چاپ پنجم، قم، دار الصديقة الشهيدة، ۱۴۲۷ ق.
۳۴. _____، صراط النجاة، چاپ اول، قم، دار الصديقة الشهيدة، ۱۴۲۷ ق.
۳۵. جمعى از نويسندگان، مجله فقه اهل بيت عليه السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى.
۳۶. جواهرى، حسن، قرائات فقهية معاصرة في معطيات الطب الحديث، بيروت، الغدير، ۱۴۲۳ ق.

۳۷. حائرى، سيد كاظم، الفتاوى المنتخبة، چاپ اول، قم، دفتر آيت الله حائرى، [بى تا].
۳۸. حر عاملى، محمد بن حسن بن على، وسائل الشيعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۹. حكيم، سيد محمد سعيد، مرشد المغترب، توجيهات وفتاوى، چاپ اول، نجف، دفتر آيت الله حكيم، ۱۴۲۲ق.
۴۰. حميش، عبدالحق، قضايا فقهية معاصرة، الشارقة، جامعة الشارقة، ۲۰۰۴م.
۴۱. خادمى، نور الدين مختار، الاستسناخ البشرى بدعة العصر، بيروت، دار وحي القلم، ۱۴۲۵ق.
۴۲. خمينى، سيد روح الله، تحرير الوسيلة، چاپ اول، قم، دار العلم، [بى تا].
۴۳. خويى، سيد ابوالقاسم، صراط النجاة، چاپ اول، قم، نشر المنتخب، ۱۴۱۶ق.
۴۴. _____، فقه الاعذار الشرعية والمسائل الطبية، چاپ اول، قم، دار الصديقة الشهيدة، ۱۴۲۷ق.
۴۵. _____، محاضرات فى اصول الفقه، چاپ چهارم، قم، دار الهادى، ۱۴۱۳ق.

۴۶. _____، مسائل وردود، قم، دار الهادی، ۱۴۱۲ق.
۴۷. دمردش، صبری، الاستنساخ قبله العصر، ریاض، مكتبة العبيكان، ۱۹۹۷م.
۴۸. رشتی، میرزا حبیب الله، كتاب الاجارة، چاپ اول، [بی تا]، ۱۳۱۱ق.
۴۹. روحانی، سید صادق، المسائل المستحدثه، قم، مدرسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۹۱ق.
۵۰. ریاض، احمد عودة الله، الاستنساخ فی میزان الاسلام، اردن، دار اسامة، ۲۰۰۳م.
۵۱. سبزواری، سید علی، الاستنساخ بین التقنية والتشريع، چاپ دوم، قم، دفتر آیت الله سبزواری، ۱۴۲۳ق.
۵۲. سعدی، داود سلیمان، الاستنساخ بین العلم والفقه، بیروت، دار الحرف العربی، ۲۰۰۲م.
۵۳. سند البحرانی، محمد، فقه الطب، چاپ اول، قم، مكتبه فذك، ۱۴۱۳ق.
۵۴. سید غنیم، کارم، الاستنساخ والانجاب، القاهرة، دار الفكر العربی، ۱۹۹۸م.

۵۵. سيستانى، سيد على، الفقه للمغتربين، چاپ سوم، بيروت، مركز ارتباطات آيت الله سيستانى لندن، ۱۴۱۹ق.

۵۶. _____، المسائل المنتخبه، چاپ نهم، قم، دفتر آيت الله سيستانى، ۱۴۲۲ق.

۵۷. سيستانى، سيد محمد رضا، وسائل الانجاب الصناعية، چاپ اول، بيروت، دار المؤرخ العربى، ۲۰۰۴م.

۵۸. شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۷ق.

۵۹. _____، القواعد والفوائد، چاپ اول، قم، مفيد، [بى تا].

۶۰. صالحى، شوقى زكريا، الاستناسخ بين الشريعة الاسلامية والقوانين الوضعية، دسوق، مؤسسة العلم والايمان، ۲۰۰۶م.

۶۱. صدر، سيد محمد، ماوراء الفقه، چاپ اول، بيروت، دار الأضواء، ۱۴۲۰ق.

۶۲. صدوق، محمد بن على بن بابويه، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۳ق.

۶۳. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۷ق.

۶۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
۶۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۶۶. _____، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶۷. ظهیری، عباس، معتمد تحریر الوسيلة، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ش.
۶۸. عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۶۹. عبدالله العوضی، عبد الرحمن، روية اسلامية لبعض المشكلات الطبية المعاصرة، چاپ اول، کویت، المنظمة الاسلامية للعلوم الطبية، ۱۹۹۹م.
۷۰. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، [بی تا].
۷۱. فوزی، محمد حمید، الاستسناخ البشری بین التحلیل والتحریم، دمشق، دار الصفدی، ۱۹۹۹م.

۷۲. فیاض، محمد اسحاق، المسائل المستحدثة، چاپ اول، کویت، مؤسسه محمد رفیع، ۱۴۲۶ق.
۷۳. فیض کاشانی، محسن، الوافی، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۰۶ق.
۷۴. قره داغی، علی محیی الدین، فقه القضايا الطبية المعاصرة، چاپ اول، بیروت، دار البشائر الاسلامية، ۱۴۲۶ق.
۷۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، [بی تا].
۷۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۷۷. مؤمن قمی، محمد، کلمات سديدة فی مسائل جديدة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۷۸. محسنی، محمد آصف، الفقه ومسائل طبيه، چاپ اول، قم، بوستان، ۱۳۸۲ش.
۷۹. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۸۰. محمدی، علی محمد یوسف، بحوث فقهية فی مسائل طبية معاصرة، بیروت، دار البشائر الاسلامية، ۲۰۰۵م.

۸۱. مکارم شیرازی، ناصر، الفتاوی الجديدة، چاپ دوم، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
۸۲. _____، انوار الفقاهة کتاب النکاح، چاپ اول، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۲۵ق.
۸۳. نائینی، محمد حسین، اجود التقريرات، چاپ اول، قم، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ش:
۸۴. نجفی صاحب جواهر، محمد حسن، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۸۵. وحید بهبهانی، محمد باقر، مصباح الظلام، چاپ اول، قم، مؤسسة الوحید البهبهانی، ۱۴۲۴ق.
۸۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۸۷. یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ق.

ج) مقالات:

۸۸. استنساخ البشر علی مائدة الحوار، مجله نور الاسلام وابسته به دانشگاه الأزهر، ربیع الاول ۱۴۱۸ق. قابل دسترسی در سایت mideastnment

۸۹. استنساخ البشر ورأی القرضاوی فیہ، قابل دسترسی در (موقع الاخوان) به نشانی ikwaninfo.net

۹۰. الاستساخ البشری وتداعیاته به قلم یوسف القرضاوی، ۶ ژانویه ۲۰۰۳م، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی قرضاوی qaradawi.net

۹۱. الاستنساخ البشری به قلم سید کاظم حائری، قم، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۳۸، صفحه ۳۲.

۹۲. الاستنساخ بین الاسلام والمسیحیة، مرکز الدراسات والابحاث الاسلامیة - المسیحیة، بیروت، ۱۹۹۹م.

۹۳. بازتاب‌های شبیه‌سازی انسانی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۹۴. بدلسازی انسان، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۹۵. پندارهای شبیه‌سازی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir
۹۶. التلقیح الصناعی به قلم شهاب الدین حسینی، قم، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۲۲، صفحه ۱۳۸.
۹۷. تیغ دو لبه مهندسی ژنتیک‌ها، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir
۹۸. دیدگاه اسلام پیرامون شبیه‌سازی انسان، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir
۹۹. رسالة من رابطة العالم الاسلامی فی مكة المكرمة بشأن عملیات الاستنساخ البشري، ۲۰۰۳م، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی اسلام آنلاین به نشانی islamonline.net
۱۰۰. سخنی درباره تلقیح به قلم محمد مؤمن، قم، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۴، صفحه ۴۹.
۱۰۱. شبیه‌سازی انسان به قلم سید کاظم حائری، قم، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۵۵، صفحه ۲۷.
۱۰۲. شبیه‌سازی انسان و اخلاق زیستی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۳. شبیه سازی انسان، پیامدها و عکس العمل ها، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۴. شبیه سازی انسانی از دیدگاه شیعه، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۵. شبیه سازی و اخلاق، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۶. شبیه سازی و پاسخی به نگرانی ها، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۷. فرآیند شبیه سازی و هنجارهای نظام دموکراتیک، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۸. کثرفهمی های شبیه سازی انسان، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۰۹. کلون سازی چیست؟، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۱۰. کلونینگ از نظر اخلاقی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی

پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی pfmi.ir

۱۱۱. ما حکم الاستنساخ فی الاسلام، قابل دسترسی در پایگاه

اینترنتی اسلام آنلاین نت به نشانی islamonline.net

۱۱۲. مشروعیة الاستنساخ الجنینی من الوجهة القانونية به قلم

فاير عبدالله الكندري، مجلة الحقوق، كويت، ۱۹۹۸م.

۱۱۳. المواكبة الشرعية للتطور في مجال الجنينات والهندسة

الوراثية به قلم حسن جواهرى، قم، مجله فقه أهل بيت (عليه السلام)،

شماره ۱۳، صفحه ۱۲۷.

۱۱۴. نگاهی به پدیده شبیه‌سازی انسان، قابل دسترسی در

پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به نشانی

pfmi.ir

۱۱۵. نگاهی به موضوع شبیه‌سازی انسان به کمک تکنولوژی

جدید به قلم محمد علی تسخیری، قم، مجله فقه أهل بيت (عليه السلام)،

شماره ۵۲ صفحه ۵۹.

۱۱۶. همانند سازی انسان و ژنوم انسانی در حقوق فرانسه، قابل

دسترسی در پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی به

نشانی pfmi.ir

(د) منابع اینترنتی:

۱۱۷. پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه رویان

royaninstitute.org

۱۱۸. مرکز سلول درمانی رویان

rctc.ir

۱۱۹. پایگاه اینترنتی یوسف القرضاوی

qaradawi.net

۱۲۰. پایگاه اینترنتی مکتبة النبأ

annabaa.net

۱۲۱. پایگاه اینترنتی اسلام آنلاین

islamonline.net

۱۲۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی

sistani.org

۱۲۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله تبریزی

fa.tabrizi.org

۱۲۴. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمد شاهرودی

shahroudi.com

۱۲۵. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله وحید خراسانی

wahidkhorasani.com

۱۲۶. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید کاظم حائری

alhaeri.org

۱۲۷. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی شاهرودی

hashemishahrudi.org

۱۲۸. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شبیری زنجانی

zanjani.ir

۱۲۹. پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

Pfmi.ir

۱۳۰. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله فاضل لنکرانی

lankarani.com

۱۳۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی

makarem.ir

۱۳۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله موسوی اردبیلی

ardabili.com

۱۳۳. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سبحانی

tohid.ir

(ه) نرم افزار:

۱۳۴. کتابخانه جامع فقه اهل بیت علیهم السلام ۲، قم، مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی نور.

۱۳۵. جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری

علوم اسلامی نور.

۱۳۶. درایة النور، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
نور، ۱۳۹۰ ش.

۱۳۷. کتابخانه اصول فقه، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم
اسلامی نور.

۱۳۸. جامع اصول فقه، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم
اسلامی نور، ۱۳۹۱ ش.

۱۳۹. جامع الأحادیث ۳، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم
اسلامی نور.

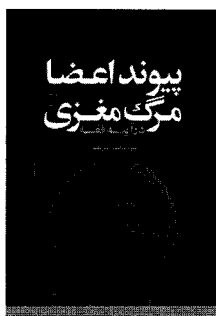
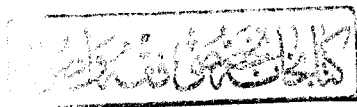
آثار مولف:



کالبد شکافی در آینه فقه
(اثر قابل تحسین جشنواره علامه حلی کشوری)
(در سال ۱۳۹۴)
سال انتشار: ۱۳۹۲
ناشر: بوستان کتاب قم

چکیده:

کالبد شکافی از مسائل مستحدثه و نوظهور فقهی است که نیازمند واکاوی‌های روش‌مند است، از این رو در پژوهش حاضر آن را از دیدگاه فقه پویای شیعه بررسی کرده و به تاریخچه تشریح و کالبدشکافی و ریشه‌های روایی و فقهی آن در منابع اصیل حدیثی و فقهی پرداخته‌ایم. در این اثر نظر فقهای بزرگوار، مسائل استدلالی و اجتهادی تشریح اجساد مسلمانان، کفار حربی و ذمی به حکم اولی و به لحاظ عناوین ثانویه و ضرورت‌ها مانند نجات جان بیماران، آموزش‌های پزشکی، تشخیص بیماری‌ها، تشخیص علت مرگ و شناخت جرم و مجرم از نظر فقهی و حقوقی مورد بحث قرار گرفته و احکام وضعی عملیات کالبدشکافی مثل خرید و فروش اجساد، پرداخت دیه، وصیت به تشریح، حکم غسل و دفن جسد کالبدشکافی شده، مطرح شده است.



پیوند اعضا و مرگ مغزی در آینه فقه
(کتاب سال استان خراسان در سال ۱۳۹۳)
و اثر قابل تحسین جشنواره علامه حلی (۱۳۹۴)
سال انتشار: ۱۳۹۳
ناشر: نسیم رضوان، مشهد مقدس

چکیده:

یکی از مسائل نوپیدا و جدید در حوزه مباحث پزشکی که امروزه کاربرد فراوانی پیدا کرده است مساله پیوند اعضا می باشد که بسیار مورد توجه دانش پزشکی جدید است و دستاورد آن، تجدید حیات و بهبودی زندگی شمار فراوانی از بیماران می باشد که توانسته تحولی عظیم در دنیای پزشکی به وجود آورد.

بر این اساس در این نوشتار به بررسی زوایا و ابعاد مختلف فقهی پیوند اعضا، مسائل استدلالی و اجتهادی و ریشه‌های روایی و فقهی آن در منابع اصیل پرداخته‌ایم.

مباحثی چون حکم تکلیفی قطع و پیوند اعضای میت مسلمان، پیوند اعضای میت کافر، پیوند اعضای انسان زنده، پیوند عضو از بیمار مرگ مغزی و پیوند عضو از حیوانات و کاشت عضو مصنوعی به لحاظ عنوان اولی و ثانوی، همچنین احکام وضعی پیوند اعضا مثل خرید و فروش اعضای بدن، طهارت و نجاست عضو پیوندی و نماز خواندن با آن، احکام دیه و وصیت به پیوند اعضا و فروعاتی همانند پیوند عضو جدا شده در مقام اجرای حدود و قصاص، پیوند اعضای تناسلی بدن و پیوند اعضای انسان ناقص الخلقه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

